

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين الرحمن الرحيم مالك يوم الدين اياه نعبد و اياه نستعين وصلّى
على محمّد وآله الطاهرين و رحمة الله و بركاته على مواليتهم اجمعين و لعنة الله و نقماته
على اعدائهم اکتعين و لا حول و لا قوة الا بالله العلي العظيم.

مقدمة

بدانکه اخبار و احاديثی که در این کتاب شریف از کتب معتبره معتمده نقل شده، عمده آن
از احاديث مسنده است یعنی تمام راویان آن اسم برده شده و اندکی از آن اخبار مرسله
است بمعنای عام یعنی مقابل مسند که تمام راویان آن نام برده نشده و ما برای اختصار،
اقتصار مینمائیم بذکر کتابیکه روایت و حدیث از آن کتاب نقل شده یا ذکر صاحب کتاب
و الله هو المستعان و اليه الملجاء و عليه التکلان.

تنبيه اول

در بیان فضل صبر و مدح شکیبائی و در آن چند روایت است

روایت اول - از جناب محمد بن یعقوب علیهماالرحمة از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام نقل شده که عجب دارم از مرد مسلمان که حکم نمیکند خدای عزوجل برای او حکمی مگر آنکه آن حکم خیر است برای او اگر بدنش را با مقراضها مقراض نمایند خیر است برای او و اگر مالک شود شرق و غرب عالم را خیر است برای او.

روایت دوم - از جناب محمد بن یعقوب علیهماالرحمة از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام نقل شده که سؤال شد از آنحضرت، به چه نشانه و علامتی مؤمن بداند که مؤمن است، فرمود بتسلیم از برای خدا و خوشنود بودن در آنچه وارد میشود بر او از سرور و سخط یعنی در حال خوشی و ناخوشی راضی باشد.

روایت سوم - از جناب محمد بن یعقوب علیهماالرحمة از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام نقل شده که حضرت رسول صلی الله علیه وآله هیچ گاه برای امری که واقع میشود نمیفرمود که کاش اینجور نمیشد.

روایت چهارم - از جناب محمد بن یعقوب علیهماالرحمة از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام نقل شده که از وحی خدا بسوی حضرت موسی علی نبینا وآله وعلیه الصلوة والسلام این بود که خلق نکردم خلقی را که دوست تر باشد بسوی من از بنده مؤمن و اینکه من مبتلا میسازم او را ببلايا و برمیگردانم از او چیزهایی را که دوست دارد و همه اینها برای خیر او است و من داناتم به آنچه صلاح او در آنست پس باید صبر کند بر بلای من و شکر نماید نعمتهای مرا و باید راضی باشد به حکم من پس اگر چنین بود مینویسم او را در زمره صدیقین هرگاه عمل نمایند برضای من و اطاعت کند امر مرا.

روایت پنجم - از جناب محمد بن یعقوب علیهما الرحمة از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که بلای بزرگ، اجر آن نیز بزرگست پس هرگاه خدا دوست بدارد بنده‌ای را، مبتلا میگرداند او را بلای بزرگ پس کسیکه راضی بود برای او خواهد بود خوشنودی خدا و هرکس سخظناک شد، برای او خواهد بود سخظ خدا.

روایت ششم - از جناب محمد بن یعقوب علیهما الرحمة از حضرت علی بن الحسین علیهما الصلوة والسلام نقل شده که صبر و رضا راس طاعت خداست الحدیث.

روایت هفتم - از جناب صدوق علیه الرحمة در کتاب خصال از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام نقل شده که کسیکه راضی باشد بقضای الهی، قضا بر او جاری شود و او ماجور باشد و هرکس سخظناک شود بر قضای حق تعالی، جاری شود بر او قضا و خدا اجر او را حبط فرماید.

تنبیه دوم

در کراهت تمنی و آرزوی مرگ و در آن چند حدیث است

حدیث اول - از جناب ابی‌الفتح کراچکی علیه‌الرحمة در کتاب کنزالفوائد از توریة نقل شده که ای فرزند آدم آرزوی مرگ نکن تا آنکه توبه کنی و توبه نخواهی کرد تا آنکه بمیری.

حدیث دوم - از جناب علی بن عیسی علیه‌الرحمة در کتاب کشف‌الغمة نقل شده که حضرت موسی بن جعفر علیهما الصلوة والسلام مردی را دید که آرزوی مرگ میکرد پس بوی فرمود آیا بین تو و خدا خویشی و قرابتی هست که بواسطه آن از تو حمایت فرماید عرض کرد نه فرمود حسناتی داری که افزون باشد بر سیئاتت عرض کرد نه فرمود پس در این هنگام آرزو میکنی هلاک ابد را.

حدیث سوم - از جناب علامه حلی قدس سره در کتاب منتهی از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که آرزو نکنند یکی از شما مرگ را بواسطه ضرریکه به او میرسد و باید در آن هنگام بگوید خدایا زنده بدار مرا تا وقتیکه زندگی خیر است برای من و بمیران مرا هرگاه خیر من در مرگ باشد.

حدیث چهارم - از جناب محمد بن علی بن الحسین علیهم‌الرحمة در کتاب عیون نقل شده که چون حضرت رضا علیه الصلوة والسلام روز جمعه از نماز برمیگشت عرق کرده و غبار آلوده دست بطرف آسمان بلند میکرد و عرض میکرد خدایا اگر فرج من از آنچه در آن میباشم بمرگ است، الساعة مرگ مرا برسان و پیوسته آن حضرت مغموم و مکروب بود تا از دار دنیا رحلت فرمود.

تنبیه سوم

در فضیلت غسل دادن میت و در آن چند خبر است

خبر اول - از جناب محمد بن علی بن الحسین علیهم الرحمة از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام نقل شده که کسیکه غسل دهد میتی را و پوشیده دارد عیب و نقصی را که در میت ببیند، بیرون خواهد رفت از گناهان مانند روزیکه از مادر متولد شده.

خبر دوم - از کتاب ثواب الاعمال از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام نقل شده که کسیکه غسل دهد مؤمنی را، پس ادا کند در او امانت را، خواهد آمرزید خدا او را. گفته شد به آن حضرت که چگونه ادا نماید در او امانت را؛ فرمود خبر ندهد به آنچه میبیند در او از عیب و نقص.

خبر سوم - از کتاب عقاب الاعمال از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که کسیکه غسل بدهد میتی را، پس ادا نماید در او امانت را خواهد بود برای او بهر موئی از بدن آن میت آزاد کردن بنده و بلند میشود برای او صد درجه. گفته شد یارسول الله ص چگونه ادا نماید در او امانت را فرمود بپوشاند عورت او را و بپوشاند زشتی او را یعنی عیب و نقصی که در او ببیند پنهان کند و اگر پنهان نکند حبط شود عمل او و آشکار میشود عورت او در دنیا و آخرت.

خبر چهارم - از کتاب فقه الرضا علیه الصلوة والسلام نقل شده کسیکه غسل دهد میت مؤمنی را، پس ادا نماید در او امانت را آمرزیده شود برای او. گفته شد چگونه ادا کند امانت را فرمود خبر ندهد بآنچه ببیند از عیب و نقص.

تنبيه چهارم

در مدح تشييع جنازه و ذم رفتن بعروسيها

و در آن چند روايت است

روایت اول - از کتاب جعفریات از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که هرگاه دعوت شدید بسوی عروسیها، پس کندی کنید در رفتن زیرا که عروسیها شما را توجه به دنیا میدهد و هرگاه دعوت شدید بسوی تشیيع جنازهها، پس سرعت نمائید زیرا که تشیيع جنازه شما را به یاد آخرت میاندازد.

روایت دوم - از کتاب دعائم الاسلام از حضرت امیرالمؤمنین علیه الصلوة والسلام نقل شده که سؤال شد از آنحضرت از مردی که دعوت میشود هم بسوی تشیيع جنازه و هم بسوی ولیمه، کدام یک از این دو را اجابت نماید فرمود اجابت نماید جنازه را زیرا که حضور جنازهها مرگ را بیاد میآورد و حضور ولیمهها مشغول میسازد و بغفلت میاندازد از مرگ.

روایت سوم - از کتاب دعائم از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که هرگاه خواننده شدید بسوی جنازهها، پس شتاب کنید زیرا که جنازه شخص را بیاد آخرت میاندازد.

روایت چهارم - از جناب محمد بن الحسن علیه الرحمة نقل شده که از حضرت رسول صلی الله علیه وآله سؤال شد از مردی که دعوت میشود بسوی ولیمه و بسوی جنازه پس کدام یک افضل است و کدام یک را اجابت کند فرمود اجابت کند جنازه را و باید و ابگذار و ولیمه را زیرا که ولیمه بیاد دنیا میاندازد.

روایت پنجم - از جناب عبدالله بن جعفر در کتاب قرب الاسناد از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که هرگاه دعوت شدید بسوی عروسیها پس کندی کنید در رفتن

زیرا که عروسی‌ها دنیا را بیاد می‌آورد و چون خوانده شوید بسوی جنازه‌ها پس سرعت کنید
بسوی آن زیرا که جنازه شخص را بیاد آخرت می‌اندازد.

تنبیه پنجم

در فوائد صبر و نتایج شکیبانی

و در آن چند حدیث است

حدیث اول - از شهید ثانی قدس سره در کتاب مسکن الفواء از حضرت علی بن الحسین علیهما الصلوة والسلام نقل شده که چون خداوند عالم جل شانہ جمع فرماید اولین و آخرین را، منادی ندا کند کجایند صبر کنندگان که داخل شوند بهشت را بدون حساب.

حدیث دوم - از تفسیر جناب شیخ ابی الفتوح رازی علیه الرحمة از حضرت امیرالمؤمنین علیه الصلوة والسلام نقل شده که اگر صبر داشته باشی جاری شود بر تو قضا و قدر الهی و تو مأجور باشی و اگر جزع کنی قضا و قدر بر تو جاری شود و تو مأزور باشی یعنی جزع تو موجب وزر و وبال شود.

حدیث سوم - از جناب محمد بن یعقوب علیه الرحمة از حضرت علی علیه الصلوة والسلام نقل شده که صبر در امور بمنزله سر است در بدن، هرگاه سر از بدن جدا شود بدن فاسد و تباه میشود همچنین صبر چون از امور جدا شود امور فاسد میشود.

حدیث چهارم - از جناب محمد بن علی بن الحسین علیهم الرحمة در کتاب ثواب الاعمال از حضرت ابی جعفر علیهما السلام نقل شده که کسیکه صبر کند بر مصیبتی، خدای تعالی عزت بر عزت وی بیافزاید و داخل سازد او را در بهشت با محمد و اهل بیت او علیه و علیهم الصلوة والسلام.

حدیث پنجم - از جناب سبط طبرسی علیه الرحمة در کتاب مشکوة الانوار از حضرت موسی بن جعفر علیهما الصلوة والسلام نقل شده که هرگز مؤمن نخواهید بود تا آنکه بلا را نعمت و رخاء را مصیبت بشمارید و این برای آنستکه صبر بر بلا افضل است از غفلت در نزد رخاء.

حدیث ششم - از جناب ابن علی یعنی محمد بن همام علیهما الرحمة در کتاب تمحیص از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل شده که مصیبتی را که توفیق صبر بر آن یافتی و از خدا مستوجب اجر و ثواب شدی مصیبت مدان، مصیبت آنستکه صاحبش بواسطه صبر نکردن از اجر و ثواب آن محروم شود.

حدیث هفتم - از جناب ابن علی رحمه الله در کتاب تمحیص از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام نقل شده که خدا انعام میفرماید بر قومی پس آن قوم شکر نمیکنند بر آن پس آن نعمت وبال میشود بر ایشان و مبتلا میفرماید قومی را به مصائب پس صبر میکنند بر آن پس میگردد آن مصائب بر ایشان نعمت.

حدیث هشتم - از جناب محمد بن همام علیه الرحمة الله در کتاب تمحیص از حضرت علی علیه الصلوة والسلام نقل شده که از برای نکبت‌ها غایت‌هایی است که لابد است از اینکه منتهی شود بسوی آن پس هرگاه نکبتی بشما رسید باید سر فرود آورید و صبر کنید تا بگذرد زیرا بکار بردن حيله در آن وقتی که رو بشما آورد خود یک سرباری است.

حدیث نهم - از جعفر بن احمد قمی ره در کتاب غایات از حضرت علی بن الحسین علیه السلام نقل شده که هیچ جرعه بسوی خدا محبوبتر از دو جرعه نیست. یکی جرعه غیظی که برگرداند مؤمن آنرا به حلم و دیگر جرعه مصیبتی که رد کند آن را بصبر.

تنبیه ششم

در مدح نیت خیر و ذم نیت شر و در آن چند خبر است

خبر اول - از جناب محمد بن یعقوب علیه الرحمة از حضرت ابی عبدالله علیه الصلوة والسلام نقل شده که بنده مؤمن فقیر میگوید خدایا بمن مال و ثروت عنایت فرما تا در راه خیر خرج و صرف نمایم. پس هرگاه خدا بداند که راست میگوید مینویسد برای او از اجر مثل آنچه مینوشت برای او اگر عمل میکرد چه آنکه خدا واسع و کریم است.

خبر دوم - از جناب محمد بن یعقوب علیه الرحمة از حضرت ابی عبدالله علیه الصلوة والسلام نقل شده که اهل دوزخ برای آن مخلصند که نیتشان در دنیا آن بود که اگر همیشه در دنیا باشند معصیت کنند خدا را و اهل بهشت برای آن در بهشت مخلصند که نیتشان این بود که اگر همیشه در دنیا باشند اطاعت کنند خدا را پس بواسطه نیت خیر اهل بهشت در بهشت و اهل دوزخ در دوزخ مخلص باشند که خدا فرموده قل کل يعمل علی شاکلته یعنی علی نیته.

خبر سوم - از خصال از حضرت ابی عبدالله علیه الصلوة والسلام نقل شده کسیکه راستگو باشد زبان او، پاکیزه شود عمل او و کسیکه نیکو باشد نیت او زیاد فرماید خدا در رزق او و کسیکه نیکو باشد رفتار او با اهل بیتش، زیاد فرماید خدا در عمر او.

خبر چهارم - از کتاب توحید از حضرت ابی عبدالله علیه الصلوة والسلام نقل شده که کسیکه همت بگمارد بر حسنة و موفق نشود یک حسنه برای او نوشته میشود و اگر موفق شد و بجای آورد، ده حسنه برای او نوشته خواهد شد و خدا برای هر که بخواهد مضاعف میفرماید تا هفتصد حسنه و کسیکه همت نماید بر سیئه، نوشته نمیشود بر او تا آنکه بجا آورد پس اگر بجا نیاورد یک حسنه برای او نوشته شود و اگر بجا آورد نه ساعت مهلت

داده میشود پس اگر تائب و نادم شد نوشته نشود بر او و اگر توبه نکرد و نادم نشد، یک سیئه بر او نوشته شود.

خبر پنجم - از جناب محمد بن الحسن رحمه الله در کتاب مجالس و اخبار از حضرت امیرالمؤمنین علیه الصلوة والسلام در حدیثی نقل شده که خداوند عالم بکرم و فضل خود داخل میسازد بنده را بواسطه صدق نیت و صلاح باطن در بهشت.

خبر ششم - از جناب محمد بن علی بن الحسین بن بابویه علیهم الرحمة در کتاب عقاب الاعمال از حضرت ابی جعفر علیهما الصلوة والسلام نقل شده که بجناب جابر علیه الرحمة فرمودند ای جابر نوشته میشود برای مؤمن در بیماری اش از عمل صالح آنچه نوشته میشود در حال صحتش و نوشته میشود برای کافر در حال بیماری از عمل بد آنچه نوشته میشود در حال صحت پس از آن فرمود ای جابر این حدیث چه حدیث سختی است.

تنبيه هفتم

در مراتب خلوص

و در آن چند روایت است

روایت اول - از تفسیر حضرت عسکری از حضرت علی بن الحسین علیهما الصلوة - والسلام نقل شده که من کراحت دارم از اینکه عبادت نمایم خدا را برای اغراض نفسانی و برای ثواب او پس بوده باشم مانند بنده‌ای که طمع او را به کار وادار نماید و کراحت دارم از اینکه عبادت کنم او را بجهت ترس از عذاب او پس بوده باشم مثل بنده بد که اگر ترس نداشته باشد عمل نمیکند. عرض شد پس برای چه عبادت میکنی او را فرمود برای آنکه او اهل عبادت است بواسطه خوبیهاییکه در حق من فرموده.

روایت دوم - از جناب محمد بن یعقوب علیهما الرحمة از حضرت ابی عبدالله علیه الصلوة والسلام نقل شده که عبادت کنندگان سه طائفه‌اند طائفه‌ای عبادت میکنند خدای عزوجل را از ترس، این عبادت، عبادت بنده است. طائفه دیگر عبادت مینمایند خدای تبارک و تعالی را برای درک ثواب، این عبادت، عبادت مزدور است. طائفه سوم عبادت میکنند خدای عزوجل را برای محبتی که بذات مقدس او دارند، این عبادت، عبادت آزاد مردان است. این عبادت افضل عبادتهاست.

روایت سوم - از جناب محمد بن الحسین الرضی علیهما الرحمة در کتاب نهج البلاغه از حضرت علی علیه الصلوة والسلام نقل شده که قومی عبادت میکنند خدا را بواسطه رغبت در ثواب، این عبادت، عبادت تجار است و قومی عبادت مینمایند خدا را بواسطه دهشت از عقاب او، این عبادت، عبادت بندگان است و قومی عبادت میکنند برای شکر احسان و نیکی‌های خدا این عبادت، عبادت آزاده گان است.

تنبیه هشتم

در فضیلت اخلاص و نشانه آن و در آن چند حدیث است

حدیث اول - از جناب محمد بن یعقوب علیه الرحمة از حضرت ابی عبدالله علیه السلام از حضرت امیرالمؤمنین علیه الصلوة والسلام نقل شده که خلاص، به اخلاص است.

حدیث دوم - از جناب محمد بن یعقوب علیه الرحمة از حضرت امیرالمؤمنین علیه الصلوة والسلام نقل شده که خوشا بحال کسیکه خالص گرداند برای خدا عبادت و دعا را و مشغول نشود دل او بانچه ببیند چشمان او و فراموش نکند ذکر خدا را به آنچه بشنود گوشهای او و اندوهناک نشود سینه او به آنچه داده شده بغیر او.

حدیث سوم - از جناب شیخ ابی الفتوح رازی علیه الرحمة در تفسیرشان از خداوند عالم جل شانہ نقل شده که اخلاص سرّی میباشد از اسرار خدا، بودیعه میگذارد در قلب هر که دوست داشته باشد خدا او را.

حدیث چهارم - از جناب شیخ ابی الفتوح رازی علیه الرحمة در تفسیرش از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که برای هر حقی حقیقتی است و نمیرسد هیچ بنده بحقیقت اخلاص تا آنکه دوست نداشته باشد که ستایش کرده شود بر چیزی از عمل خیر.

حدیث پنجم - از جناب محمد بن علی بن الحسین بن بابویه از جناب عبدالله بن سنان علیهم الرحمة نقل شده که مردی بحضرت ابی عبدالله علیه الصلوة والسلام عرض نمود که آیا میترسی بر من که منافق باشم حضرت به او فرمود که هرگاه در خانه خلوت باشی روز یا شب آیا نماز نمیخوانی عرض کرد چرا پس فرمود برای که نماز میخوانی عرض کرد برای خدای عزوجل فرمود پس چگونه منافق میباشی و حال آنکه برای خدا نماز میخوانی نه برای غیر او.

تنبيه نهم

در مذمت رياء و سمعه

و در آن چند روايت است

روایت اول - از جناب محمد بن يعقوب عليه الرحمة از امام عليه الصلوة والسلام نقل شده که در بنی اسرائیل عابدی بود که حضرت داود عليه السلام را بعجب درآورده بود از عبادت خود، پس خدای تعالی وحی فرمود بسوی داود (ع) که بعجب در نیاورد چیزی از امر این عابد زیرا که او رياء کار است.

روایت دوم - از جناب ابن بابويه عليه الرحمة در کتاب عقاب الاعمال نقل شده که از حضرت رسول صلی الله عليه وآله سؤال شد که فردای قیامت نجات در چیست فرمود در اینکه با خدا خدعه نکنید که خدا هم با شما خدعه فرماید زیرا کسیکه با خدا خدعه نماید خدا هم با او خدعه خواهد فرمود باینکه ایمان را از او خواهد گرفت و این شخص در حقیقت با خود خدعه نموده اگر شعور داشته باشد عرض شد خدعه با خدا چگونه است فرمود باینکه شخص عمل نماید بآنچه خدا او را بان امر فرموده لکن برای غیر خدا پس بپرهیزد خدا را در رياء زیرا که رياء شرک بخدا است بدرستیکه رياء کار خوانده شود روز قیامت بچهار اسم یا فاجر یا کافر یا غادر یا خاسر حبط شد عملت و باطل گردید اجرت پس نیست خلاصی امروز برای تو اجر خود را طلب نمای از کسیکه برای او عمل نمودی.

روایت سوم - از جناب محمد بن يعقوب عليه الرحمة از حضرت رسول صلی الله عليه وآله نقل شده که ملک بالا میبرد عمل بنده را در حالیکه مبتهج بانست پس چون حسنات او را بالا برد خدای عزوجل فرماید این حسنات را در جهنم قرار دهید چه آنکه برای من بجا نیاورده آنرا.

روایت چهارم - از جناب ابن بابویه علیه الرحمة در عقاب الاعمال از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که خازن دوزخ بجمعی از اهل آن گوید ای اشقیا حال شما در دنیا چه بوده که دوزخی شده اید در جواب گویند حال ما این بود که برای غیر خدا عمل میکردیم پس بما گفتند ثواب خود را از آنها بگیرید که برای آنها عمل میکردید.

روایت پنجم - از جناب شهید ثانی قدس سره در کتاب اسرار الصلوة از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده که بهشت تکلم نمود و گفت من حرام میباشم بر هر بخیل ریاء کاری.

روایت ششم - از کتاب مصباح الشریعه از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام نقل شده که ریاء مکن بعمل خود کسی را که نه زنده میکند و نه میمیراند و نه بی نیاز میکند از تو چیزی را.

روایت هفتم - از کتاب جعفریات از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده که خدای متعال قبول نمیفرماید دعاء ریاء کار را الخیر.

روایت هشتم - از کتاب عدة الداعی از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده که خدای تعالی قبول نمیفرماید عملی را که در آن مثقال ذره از ریاء باشد.

روایت نهم - از جناب حسن بن علی بن شعبه علیهم الرحمة در کتاب تحف العقول از حضرت کاظم علیه الصلوة والسلام نقل شده که سزاوار است برای شخص عاقل هرگاه عمل صالح و فعل خیری بجا میآورد اینکه حیا کند از خدا در صورتیکه در احسان و نعمت دادن متفرد است و کسی با او شریک نیست از اینکه شریک قرار دهد در عمل خود کسی دیگر را.

تنبیه دهم

در علانم و نشانه‌های ریاء و سمعه و در آن چند خبر است

خبر اول - از جناب محمد بن یعقوب علیه‌الرحمة از حضرت علی علیه الصلوة والسلام نقل شده که برای ریاء کار سه نشانه است با نشاط است هرگاه مردم ببینند عمل او را و کسل می‌گردد وقتیکه تنها است و دوست دارد که او را در تمام امور و کارهایش ستایش نمایند.

خبر دوم - از جناب محمد بن یعقوب علیه‌الرحمة از زراره رحمه الله نقل شده که از حضرت ابی جعفر علیهما الصلوة والسلام سؤال نمود که شخص عمل خیری بجا می‌آورد پس انسانی او را میبیند و دیدن او موجب خوشحالی صاحب عمل می‌گردد حضرت فرمود باکی نیست مادامیکه عمل را برای او بجا نیآورد.

خبر سوم - از جناب ابن بابویه علیه‌الرحمة در کتاب معانی الاخبار از جناب ابی‌ذر علیه‌الرحمة نقل شده که از حضرت رسول صلی الله علیه وآله سؤال نمود از مردیکه عمل را برای خود بجا می‌آورد و مردم او را دوست میدارند فرمود این بشارت عاجل است برای مؤمن.

خبر چهارم - از جناب صدوق علیه‌الرحمة در کتاب خصال از جناب لقمان علیه السلام نقل شده که بفرزند خود فرمود برای ریا کار سه علامت است. یکی آنکه کسل میشود هر وقت تنها باشد. دیگر آنکه با نشاط میشود هر وقت مردم نزد او باشند. سوم آنکه متعرض هر امری که میشود برای ستایش مردم است.

خبر پنجم - از جناب قطب راوندی علیه الرحمة از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که کسیکه نیکو کند نماز خود را در موقعیکه مردم ببینند و بد بجا بیاورد هنگامیکه در خلوت است پس آن استهانتی خواهد بود که بیروردگار خود نموده.

تنبيه يازدهم

در مذمت اظهار عمل بعد از بجا آوردن آن و در آن چند حديث است

حديث اول - از کتاب عده الداعی از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام نقل شده کسیکه حسنة و عمل خیری در پنهانی بجا آورد، نوشته میشود از برای او ثواب عمل پنهانی پس چون اقرار نماید به آن محو میشود و ثواب عمل آشکارا نوشته میشود چون دو مرتبه اقرار به آن نماید محو میشود و عمل ریائی نوشته میشود.

حديث دوم - از جناب قطب راوندی علیه الرحمة در کتاب دعوات از زید بن اسلم نقل شده که عابدی از بنی اسرائیل از خدای تعالی سؤال نمود که حال من نزد تو چگونه است آیا خیر است پس در عبادت خود بیافزایم یا بد است تا قبل از مرگ جبران و تلافی کنم. پس کسی آمد نزد او و گفت برای تو نزد خدا خیری نیست عرض کرد پس عبادتهای من چه شد گفت عمل تو از بین رفت بجهت آنکه چون عمل خیری میکنی خبر میدهی بان مردم را پس نیست برای تو از عملت مگر همانکه خود اختیار نمودی از آنچه در دست مردم است.

حديث سوم - از جمیل بن دراج نقل شده که از حضرت ابی عبدالله علیه السلام سؤال نمود از قول خدای تعالی فلا تزکوا انفسکم هو اعلم بمن اتقی فرمود قول انسان است که دیشب نماز خواندم و دیروز روزه گرفتم و نحو آن بعد فرمود قومی بودند که چون صبح میکردند میگفتند دیشب نماز خواندیم دیروز روزه گرفتیم پس علی علیه السلام میفرمود ولکن من شب میخوابم و روز هم میخوابم و اگر بین شب و روز وقت دیگر میبود هرآینه در آن وقت نیز میخوابیدم.

حدیث چهارم - از جناب محمد بن یعقوب علیه‌الرحمة از حضرت ابی جعفر علیه‌السلام نقل شده که نگاه داشتن عمل سخت تر است از بجا آوردن آن عرض شد نگاه داشتن عمل یعنی چه فرمود شخص صله و انفاق میکند برای خدای وحده لا شریک له پس نوشته میشود برای عمل پنهانی بعد ذکر میکند عمل خود را برای مردم پس محو میشود و عمل علانیه نوشته میشود بعد دوباره ذکر میکند عمل خود را پس نوشته میشود عمل ریائی.

تنبيه دوازدهم

در مدح و فضیلت پنهان بجا آوردن اعمال مستحبه و در آن چند خبر است

خبر اول - از جناب سید علی بن طاوس علیه الرحمة در کتاب فلاح السائل از حضرت ابی الحسن علیه الصلوة والسلام نقل شده که دعای بنده در پنهانی یک دعا معادل است با هفتاد دعا که در علانیه باشد.

خبر دوم - از جناب محمد بن حسن صفار علیهما الرحمة از حضرت ابیعبده الله علیه الصلوة والسلام نقل شده که نمیداند بزرگی ثواب دعا و تسبیح بنده را بین خود و بین نفس خود مگر خدای تبارک و تعالی.

خبر سوم - از جناب محمد بن حسن صفار علیهما الرحمة از حضرت ابیعبده الله علیه الصلوة والسلام نقل شده که چون روز قیامت شود نظر کند رضوان خازن بهشت بسوی قومی که بر او نگذشته باشند پس بایشان گوید کیستید شما و از کجا داخل شدید در جواب گویند دست از ما بردار ما مردمانی هستیم که خدا را در پنهانی عبادت نمودیم خدا هم ما را پنهان داخل بهشت نمود.

خبر چهارم - از جناب جعفر بن احمد قمی علیه الرحمة در کتاب غایات از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که عبادت هرچه پنهان تر باشد اجر آن فاضل تر است.

خبر پنجم - از جناب عبدالله بن جعفر حمیری در کتاب قرب الاسناد از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که اجر عبادت هرچه پنهان تر باشد بزرگتر خواهد بود.

خبر ششم - از جناب سبط طبرسی علیه الرحمة در کتاب محاسن از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده که کفایت است مرد را از حیث بلا اینکه انگشت نما شود در دین با دنیا.

خبر هفتم - از آنجناب علیه الرحمة از حضرت ابی عبدالله علیه الصلوة والسلام نقل شده که خدا دشمن دارد دو شهرت را، یکی شهرت لباس و دیگری شهرت نماز.

خبر هشتم - از آنجناب علیه الرحمة از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام نقل شده که شهرت خیر و شر آن در آتش است.

خبر نهم - از جناب محمد بن الحسن علیه الرحمة در کتاب مجالس از حضرت ابی الحسن الرضا علیه الصلوة والسلام نقل شده که کسیکه شهرت دهد خود را بعبادت، پس او را بر دینش متهم بدانید زیرا که خدای عزوجل کراهت دارد از شهرت در عبادت و شهرت در لباس الحدیث.

خبر دهم - از جناب ابن بابویه ره از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام نقل شده که اشتهار بعبادت ریبه است.

تنبيه سیزدهم

در مدح استواء عمل

و در آن چند خیر است

خبر اول - از جناب محمد بن یعقوب علیه الرحمة از حضرت ابی الحسن علیهما الصلوة والسلام نقل شده که من هرآینه دوست دارم که وارد شوم بر پروردگار خود در حالتیکه عملم بیک قرار باشد.

خبر دوم - از آنجناب از حضرت علی بن الحسین علیهما الصلوة والسلام نقل شده که من هرآینه دوست دارم اینکه مداومت نمایم و اگرچه کم باشد.

خبر سوم - از جناب محمد بن یعقوب ره از حضرت ابی جعفر علیه السلام نقل شده که هیچ چیز دوست تر بسوی خدای عزوجل نیست از عملیکه مداومت شود بر آن و اگرچه اندک باشد.

خبر چهارم - از ابن شیخ طوسی ره در امالی از حضرت علی علیه السلام نقل شده که میانه رو باش در عبادت خود و بر تو باد در عبادت بعبادت دائمی که طاقت آنرا داری الخبر.

خبر پنجم - از جناب قطب راوندی ره در کتاب لب اللباب از حضرت علی علیه السلام نقل شده که المداوة المداومة چه آنکه خدا قرار نداده برای عمل مؤمنین غایتی جز مرگ.

خبر ششم - از جناب جعفر بن احمد قمی علیه الرحمة در کتاب غایات از حضرت ابیعبده الله علیه الصلوة والسلام نقل شده که افضل اعمال آن عملی میباشد که مداومت نماید بر آن بنده و اگرچه اندک باشد.

تنبيه چهاردهم

در مدح اندک شمردن عمل خیر اگرچه بسیار باشد و بسیار شمردن گناه اگرچه اندک باشد و در آن چند حدیث است

حدیث اول - از جناب حسن بن علی بن شعبه در تحف الاقوال از حضرت علی علیه السلام نقل شده که برای خدا بندگانی هست که دل‌های ایشان از خوف و خشیت خدا شکسته است پس ساکت گردانیده ایشان را از سخن گفتن و حال آنکه ایشان مردمانی میباشند عاقل و فصیح سبقت میگیرند بسوی خدا باعمال پاک و پاکیزه و در عین حال بسیار نمیشمرند برای خدا عمل بسیار را و راضی نمیشوند برای خدا از خودشان بعمل اندک خود را از اشرار میدانند و حال آنکه اکیاس و ابرارند.

حدیث دوم - از جناب صدوق علیه‌الرحمة در کتاب امالی از حضرت رسول صلی الله علیه و آله نقل شده که عبادت کرده نمیشود خدا عزوجل بعبادتی افضل از عقل و مؤمن عاقل نمیشود تا وقتی که جمع شود در او ده خصلت. خیر از او مامول باشد و شر مامون یعنی جوری رفتار کند که مردم انتظار و توقع خیر از او داشته باشند و از شر او ایمن باشند بسیار بشمرد خیر اندک را از مردم و اندک بشمرد خیر بسیار را از خود الخیر.

حدیث سوم - از جناب قطب راوندی علیه‌الرحمة در کتاب لب اللباب نقل شده که اعرابی از حضرت علی علیه الصلوة والسلام از درجات محبین پرسش نمود حضرت فرمود ادنی درجات محبین کسیست که کوچک بشمرد طاعت خود را و بزرگ بشمرد گناه خویش را و گمانش این باشد که در دنیا و آخرت مأخوذی نیست غیر او پس اعرابی از شنیدن این سخن غش نمود چون بخود آمد عرض کرد آیا درجه بلندتر از این هست فرمود آری هفتاد درجه.

حدیث چهارم - از جناب محمد بن یعقوب علیه‌الرحمة از حضرت ابی الحسن موسی علیه السلام نقل شده که بعضی از فرزندان خود فرمود ای پسرک من بر تو باد بکوشش در عبادت و خود را از تقصیر در عبادت و طاعت خدا بیرون مبین زیرا که خدا عبادت کرده نشده حق عبادت.

حدیث پنجم - از جناب محمد بن یعقوب علیه‌الرحمة از حضرت ابی الحسن علیه الصلوة والسلام نقل شده که بسیار بگو اللهم لا تجعلنی من المعارین و لا تخرجنی من التقصیر راوی عرض نمود اما معارون پس شناختم و فهمیدم که مرد عاریه داده میشود به او دین بعد بیرون میرود از آن. معنای لا تخرجنی من التقصیر چیست فرمود هر عملی که برای خدای عزوجل بجا میآوری خود را در آن مقصر بدان زیرا که تمام مردم در اعمالشان بین خود و خدا مقصراند مگر آنکس را که خدای عزوجل نگاه دارد او را.

حدیث ششم - از جناب محمد بن یعقوب علیه‌الرحمة از خداوند عالم جل شانہ نقل شده که تکیه نکنند عمل کنندگان برای من بعملهای شان که بجا میاورند برای ثواب من زیرا که اگر در تمام عمرشان جد و جهد کنند و بتعب بیاندازند خود را در عبادت من باز هم مقصر بوده بکنه عبادت من نخواهند رسید در جنب آنچه طلب میکنند از نزد من از کرامت و نعیم در بهشتهای من و درجات رفیعه بلند در جوار من ولکن برحمت من بایستی وثوق داشته باشند و بفضل من باید امیدوار باشند و بحسن ظن بمن باید مطمئن باشند الحدیث.

تنبیه پانزدهم

در مذمت بسیار شمردن عمل صالح و کوچک شمردن گناه و در آن چند خبر است

خبر اول - از جناب محمد بن یعقوب علیه الرحمة از حضرت موسی علی نبینا وآله و علیه الصلوة والسلام نقل شده که به شیطان فرمود خبر ده مرا بگناهی که هرگاه فرزند آدم مرتکب آن بشود تو بر او غالب و قاهر میشوی ابلیس گفت هرگاه عجب نماید بنفس خود و بسیار بشمرد عمل خود را و گنااهش در نظرش کوچک بیاید.

خبر دوم - از جناب محمد بن یعقوب علیه الرحمة از خداوند عالم جل شانہ نقل شده که بجناب داود علی نبینا وآله و علیهما الصلوة والسلام فرمود ای داود بشارت ده گناه کاران را و بترسان صدیقین را. عرض نمود چگونه بشارت دهم گناهکاران را و انذار نمایم صدیقین را فرمود ای داود بشارت ده مذنبین را باینکه من قبول میکنم توبه را و عفو مینمایم از گناه و انذار کن صدیقین را که عجب نکنند باعمال خود زیرا که هیچ بنده ای نیست که او را در معرض حساب در آورم مگر آنکه هلاک گردد.

خبر سوم - از جناب محمد بن یعقوب علیهما الرحمة از حضرت ابی عبدالله علیه الصلوة والسلام نقل شده که عالمی آمد نزد عابدی و گفت به او که چگونه است نماز تو آن عابد گفت از مثل من سؤال میشود از نماز و حال آنکه من مدتهاست که عبادت میکنم خدا را. عالم فرمود گریه ات چگونه است عابد فرمود گریه میکنم باندازه ای که اشکهای چشمم جاری میشود پس آن عالم فرمود خنده تو در حالتیکه خائف و ترسان باشی افضل است از گریه ات در حالتیکه بعبادت و گریه خود ناز کنی چه آنکه ناز کننده بالا نمیرود از عمل او هیچ چیز.

خبر چهارم - از جناب محمد بن یعقوب علیه الرحمة از حضرت باقر یا صادق علیهما -
الصلوة والسلام نقل شده که دو نفر داخل مسجد شدند یکی عابد و دیگری فاسق، چون
بیرون آمدند قاسق از زمره صدیقین و عابد از جمله فاسقین بود برای آنکه عابد بعبادت
خود ناز میکرد و فاسق نادم بر فسق خود بود و طلب آمرزش میکرد از خدای عزوجل از
گناهان خود.

خبر پنجم - از جناب محمد بن حسن علیهما الرحمة در کتاب مجالس و اخبار از حضرت
رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که اگر گناه برای مؤمن بهتر نمیبود از عجب، خدا مؤمن
را بخود وانمیگذاشت تا مرتکب گناهی شود.

خبر ششم - از جناب حسین بن سعید اهوازی علیه الرحمة در کتاب زهد از حضرت
رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که سه چیز است که مایه نجات است. خوف از خدا در
پنهانی و علانیه و عدل در حال رضا و غضب و میانه روی در حال غنی و فقر و سه چیز
هلاک کننده است هوائی که متابعت کرده شود و شح و بخلی که اطاعت کرده شود و اعجاب
شخص بنفس خویش.

خبر هفتم - از جناب محمد بن حسین رضی علیه الرحمة در کتاب نهج البلاغه از حضرت
امیر علیه الصلوة والسلام نقل شده که سیئه و گناهی که تو را بد آید بهتر است نزد خدا از
حسنه ای که تو را بعجب در آورد.

خبر هشتم - از کتاب جعفریات از حضرت علی علیه الصلوة والسلام نقل شده که سه
چیز نجات دهنده است و سه چیز هلاک کننده اما آنچه نجات دهنده است پس تقوای از
خدا است در پنهانی و علانیه و قول حق است در حال غضب و رضا و عطا کردن حق است
از نفس یعنی حقیکه برای غیر بر تو هست ادا نمایی و اما آن سه چیز که مهلکند شح مطاع
و هوای متبع و اعجاب مرء است بنفس.

خبر نهم - از شیخ مفید قدس سره در کتاب اختصاص در حدیثی نقل شده که از عیسی علی نبینا وآله و علیه الصلوة والسلام سؤال کردند از احمق فرمود احمق آنکس است که عجب کند به رأی و نفس خود آنکس که تمام فضل را برای خود بیند و بر خود هیچ فضلی قائل نباشد و خود را بر مردم ذیحق بداند و برای مردم حقی بر خود نبیند الحدیث.

خبر دهم - از جناب ابن فهد ره در کتاب عدة الداعی از حضرت مسیح علی نبینا وآله و علیه الصلوة والسلام نقل شده که فرمود ای معشر حواریین چه بسیار چراغیکه خاموش میکند آنرا باد و چه بسیار عابدیکه فاسد میکند آنرا عجب.

خبر یازدهم - از کتاب مصباح الشریعة از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام نقل شده عجب تمام عجب از کسیکه عجب میکند بعمل خود و حال آنکه نمیداند به چه ختم خواهد شد برای او.

تنبيه شانزدهم

در مدح خوشنود شدن از کار خوب و بد نمود شدن از کار زشت و در آن چند روایت است

روایت اول - از جناب صدوق علیه الرحمة از خداوند عالم جل شأنه نقل شده که بحضرت عیسی علی نبینا وآله و علیه الصلوة والسلام فرمود ای عیسی خوشحال شو بحسنه زیرا که رضای من در او است و گریه کن بر گناه چه آنکه سخط من در آن است الخبر.

روایت دوم - از جناب ابراهیم بن محمد تقفی علیه الرحمة در کتاب غارات از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده کسیکه مسرور کند او را حسنات او و بدحال نماید او را گناهانش، پس حقا که او مؤمن است.

روایت سوم - از کتاب عوالی اللئالی از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که بمسلمانها فرموده بهترین قرنهای شما، قرن اصحاب من است تا آنکه فرموده و کسیکه خوشحال کند او را حسنه اش و بدحال نماید او را سیئه اش، پس او مؤمن است.

روایت چهارم - از جناب محمد بن یعقوب علیه الرحمة از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده که سؤال شد از نیکان بندگان فرمود خوبان از بندگان کسانی اند که هرگاه کار خوب میکنند مستبشر و خوشحال شوند و چون گناهی مرتکب شوند استغفار کنند و هرگاه عطا کرده شوند شکر نمایند و چون غضب کنند گذشت نمایند.

تنبيه هفدهم

در مدح اقتصاد و میانه روی در عبادت و در آن چند خبر است

خبر اول - از جناب محمد بن یعقوب علیه الرحمة از حضرت ابی عبدالله علیه الصلوة والسلام نقل شده که چون خداوند عالم بنده را دوست داشته باشد جزا میدهد آن بنده را بعمل اندک جزای بسیار و بزرگ نماید بر خدا اینکه جزا دهد بعمل قلیلی جزای کثیر.

خبر دوم - از جناب محمد بن یعقوب علیه الرحمة از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که دین اسلام دینی میباشد با متانت، پس وارد شوید و فرو روید در آن برفق و جوری بندگان خدا را بعبادت و ادار نکنید که ناگوارشان باشد که خواهید بود در این هنگام مانند سواره ئیکه بواسطه تند رفتن مرکب خود را بتعب انداخته خسته کند و از رفتار بیاندازد و از قطع سفر محروم بماند.

خبر سوم - از جناب محمد بن یعقوب علیه الرحمة از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که بحضرت امیر علیه السلام فرمود یا علی بدرستیکه این دین متین است پس داخل شو در آن برفق و مبعوض نگردان بسوی نفس خود عبادت پروردگار خود را اینکه افراط کننده در سیر نه پشتی برای مرکب خود باقی میگذارد و نه مسافتی طی میکند پس عمل کن عمل کسیکه امید دارد که در حال پیری بمیرد و بر حذر باش مانند کسیکه بترسد از اینکه فردا بمیرد.

خبر چهارم - از جناب عماد الدین طبری علیه الرحمة در کتاب بشارة المصطفی از حضرت علی علیه الصلوة والسلام نقل شده که بجناب کمیل علیه الرحمة فرمود ای کمیل رخصتی نیست در فرض و سختگیری نیست در نافله.

تنبيه هجدهم

در مبادرت و شتاب نمودن در عمل خیر

و در آن چند خیر است

خبر اول - از جناب محمد بن علی خزاز در کفایة الامر از حضرت امام حسن علیه الصوة والسلام نقل شده که برای دنیا چنان عمل کن که گویا همیشه زنده ای و برای آخرت چنان کن که گویا فردا میمیری.

خبر دوم - از جناب شیخ مفید علیه الرحمة در کتاب امالی از حضرت ابی عبدالله علیه الصلوة والسلام نقل شده که هرگاه همت نمودی بعمل خیری، پس تاخیر میانداز آنرا، زیرا که بسا هست خدای تبارک و تعالی مطلع میشود بر بنده خود در حالتیکه آن بنده مشغول یک طاعتیست پس میفرماید قسم به عزت و جلال خودم که بعد از این تو را عذاب نخواهم کرد و هرگاه همت گماشتی بر معصیتی پس بجا نیاور آنرا چه آنکه بسا میباشد که خدای تعالی مطلع میشود بر بنده و حال آنکه آن بنده در معصیت و نافرمانی است پس میفرماید بعزت و جلال خودم که هرگز تو را نخواهم آمرزید.

خبر سوم - از جناب محمد بن یعقوب علیه الرحمة از حضرت ابیجعفر علیهما الصلوة والسلام روایت شده که هرگاه قصد خیری کردی شتاب کن در آن زیرا که نمیدانی چه پیش آمد خواهد کرد.

خبر چهارم - از جناب محمد بن یعقوب علیه الرحمة از حضرت ابی عبدالله علیه الصلوة والسلام نقل شده که املاء کنید بر ملائکه که موکل بر ضبط اعمال هستند در اول روز خیر و در آخر آن نیز خیر که خدا بیاورد انشاء الله آنچه در بین واقع میشود از خطاها و لغزشها.

خبر پنجم - از جناب محمد بن یعقوب علیه الرحمة از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که خدا دوست دارد از عمل خیر آنچه را که شتاب کرده شود در آن.

خبر ششم - از جناب محمد بن یعقوب علیه الرحمة از حضرت ابی‌عبدالله علیه السلام نقل شده کسیکه قصد کند عمل خیری را پس باید عجله کند و بتأخیر نیاندازد آنرا چه آنکه بنده بسا هست عملی انجام میدهد پس خدا میفرماید آمرزیدم تو را و نخواهیم نوشت بر تو چیزی هرگز و کسیکه قصد کند گناهی را پس عمل نکند آن را، چه آنکه بسا هست که بنده گناهی مرتکب میشود و خدا او را در آن میبیند پس میفرماید نه بعزت و جلال خودم نخواهم آمرزید تو را بعد از این هرگز.

خبر هفتم - از جناب محمد بن یعقوب علیه الرحمة از حضرت ابی‌عبدالله علیه الصلوة والسلام نقل شده که چون یکی از شما قصد عمل خیر یا صلّه نماید پس باید مبادرت کند که دو شیطان از یمین و شمال او هستند مبادا که او را بازدارند از آن.

خبر هشتم - از جناب محمد بن یعقوب علیه الرحمة از حضرت ابی‌جعفر علیه السلام نقل شده که کسیکه قصد عمل خیری کند پس باید شتاب کند زیرا که هر چه در آن تأخیر باشد برای شیطان نظره ای است در آن.

تنبيه نوزدهم

در مذمت حقیر شمردن عمل خیر و کسالت و تنبلی در بجا آوردن آن
و در آن چند حدیث است

حدیث اول - از جناب محمد بن یعقوب علیه الرحمة از حضرت ابی‌عبدالله علیه الصلوة والسلام نقل شده که اندک مشمار آنچه را که تقرب جستہ میشود به آن بسوی خدای عزوجل ولو بنصف خرما باشد.

حدیث دوم - از جناب محمد بن یعقوب علیه الرحمة از محمد بن مارد نقل شده بحضرت ابی‌عبدالله علیه السلام عرض نمودم برای من روایت شده که شما فرموده اید هرگاه معرفت پیدا کردی پس هر کار میخواهی بکن، حضرت فرمود بلی من گفته ام. عرض کردم و اگرچه زنا کنند یا دزدی یا شرب خمر، پس حضرت فرمود انا لله و انا الیه راجعون بخدا قسم که انصاف ندادند با ما، چگونه میشود که ما خودمان مأخوذ باشیم بعمل و از شیعیان و دوستان ما عمل برداشته شده باشد. من گفتم هرگاه دارای معرفت شدی آنچه میخواهی عمل خیر بجا بیاور چه کم و چه زیاد که قبول خواهد شد.

حدیث سوم - از جناب محمد بن یعقوب علیه الرحمة از حضرت رضا علیه الصلوة والسلام نقل شده که تصدق کن بشئی و اگرچه کم باشد زیرا که هر عمل خیری که برای خدا باشد ولو اندک باشد بزرگ است بعد از آنکه از روی صدق نیت باشد. خدا میفرماید فمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ و من مثقال ذرة شرا یره.

حدیث چهارم - از جناب محمد بن حسن علیه الرحمة از حضرت ابی‌عبدالله علیه الصلوة والسلام نقل شده که دوری کنی و پرهیزید از کسالت و تنبلی زیرا که پروردگار شما رحیم و مهربان است. شکر میکند عمل اندک را اینکه مرد دو رکعت نماز مستحب بجا میآورد برای خدا پس خدا او را بواسطه آن داخل بهشت میگرداند یا یک درهم صدقه میدهد برای

خدا پس خدا او را بواسطه آن داخل بهشت میگرداند یا یک درهم صدقه میدهد برای خدا پس خدا او را بواسطه آن داخل بهشت میکند یا یک روزه میگیرد نطوعاً خدا او را به آن داخل بهشت مینماید.

حدیث پنجم - از جناب صدوق علیه‌الرحمة در کتاب معانی الاخبار نقل شده که حضرت ابی‌عبدالله علیه‌السلام عرض شد که ابا الخطاب از قول شما نقل نموده که فرموده‌اید هرگاه حق را شناختی، هر کار که میخواهی بکن پس حضرت فرمود خدا لعنت کند ابا الخطاب را، والله من اینجور نگفته‌ام، بلکه گفته‌ام هرگاه حق را شناختی هر کار خیری که میخواهی بکن که از تو قبول میشود.

حدیث ششم - از جناب صدوق علیه‌الرحمة در کتاب امالی از حضرت علی علیه‌الصلوة والسلام نقل شده که خدای تبارک و تعالی چهار چیز را در چهار چیز پنهان قرار داده، رضای خود را در طاعتش مخفی نموده، پس هیچ طاعتی را کوچک مپندار، بسا هست که موافق میافتد با رضای خدا و تو نمیدانی و مخفی نموده سخط خود را در معصیت و نافرمانیش پس چیزی از معصیت خدا را اندک مشمار که بسا هست با سخط خدا موافق میشود و تو نمیفهمی و پنهان قرار داده اجابت را در دعا، پس هیچ دعائی را صغیر فرض مکن، چه بسا میشود که اجابت در همان دعا است و تو نمیدانی و مخفی نموده ولی خود را میان بندگان پس هیچ یک از بندگان خدا را حقیر مشمار که بسا میشود که همان بنده ولی خدا است و تو نمیدانی.

تنبیه بیستم

در بیان علت نظر نمودن شخص در حال تخلی ببول و غایط خود و در آن چند خبر است

خبر اول - از ابن بابویه ره از حضرت علی علیه الصلوة والسلام نقل شده که هیچ بنده نیست مگر آنکه ملکی بر او موکل است که در هنگام تخلی میل میدهد سر و گردن او را بطرف زیر تا بول و غایط خود را ببیند پس آن ملک به او میگوید ای فرزند آدم این رزق تو است نگاه کن که از کجا بدست آورده و آخر آن بکجا منجر شد.

خبر دوم - از ابن بابویه ره از حضرت علی علیه الصلوة والسلام نقل شده که عجب دارم از فرزند آدم که اول او نطفه است و آخر او جیفه و او بین این هر دو حال وعاء و ظرف غایط است و با همه اینها تکبر میکند.

خبر سوم - از تحف العقول از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که هیچ بنده نیست مگر آنکه خدا ملکی را بر او موکل گردانیده که در وقت تخلی کردن او را میل دهد تا آنکه نظر کند بسوی بول و غایط خود.

خبر چهارم - از ابن بابویه علیه الرحمة از عیص نقل شده که عمرو بن عبید از حضرت ابی‌عبدالله علیه السلام سوال نمود که چرا شخص در موقع قضای حاجت یا سافل اعضای خود و آنچه از آن بیرون میاید نگاه میکند فرمود احدی نیست مگر آنکه خدای عزوجل ملکی را بر او موکل میکند که در وقت تخلی کردن او را بگیرد تا باو بنمایاند آنچه را که از او بیرون میاید که آیا حلال است یا حرام.

تنبيه بيست و يكم

در مذمت سخن گفتن در بيت الخلاء غير از ذكر خدا و در آن چند خبر است

خبر اول - از جناب محمد بن الحسن عليه الرحمة از حضرت رسول صلی الله عليه وآله نقل شده که نهی فرمود از سخن گفتن در حال تخلی ابتداء یا در مقام جواب دادن تا وقتیکه از کار خود فارغ شود.

خبر دوم - از جناب شیخ صدوق عليه الرحمة در کتاب هدایه نقل شده که میفرماید و روایت شده که کسیکه سخن گوید در حال تخلی حاجتش برآورده نشود.

خبر سوم - از جناب سبط طبرسی عليه الرحمة در کتاب مشکوة الانوار نقلا از کتاب محاسن از حضرت علی عليه الصلوة والسلام روایت شده که ترک سخن گفتن در بيت الخلاء زیاد مینماید روزی را.

خبر چهارم - از جناب قطب راوندی عليه الرحمة در کتاب دعوات از حضرت صادق عليه الصلوة والسلام نقل شده که هرگاه عطسه کرد یکی از شما در خلاء، پس بایستی حمد کند خدا را در نفس خود و صاحب عطسه ایمن است از مرگ تا هفت روز.

خبر پنجم - از جناب صدوق عليه الرحمة در کتاب خصال نقل شده که یاد کنید خدای عزوجل را در هر مکانی که باشید چه آنکه خدا با شما است.

خبر ششم - از جناب محمد بن یعقوب عليه الرحمة از حضرت ابیعبده الله عليه الصلوة والسلام نقل شده که باکی نیست بذکر خدا در حال بول کردن چه آنکه ذکر خدا نیکو است بر هر حال، پس ملول نشو از ذکر خدا.

خبر هفتم - از کتاب توحید و عیون از حضرت موسی علی نبینا وآله وعلیه الصلوة والسلام روایت شده که در مقام مناجات با پروردگار عالم عرض نمود پروردگارا آیا از من

دوری که تو را صدا بزnm یا نزدیکی که با تو مناجات کنم پس خدا وحی فرمود بسوی او که من جلیس کسی هستم که یاد کند مرا موسی عرض کرد پروردگارا من در حالی هستم که تو را اجل از این میبینم که در آن حال یاد کنم فرمود ای موسی یاد کن در هر حال که میباشی.

خبر هشتم - از جناب ابن بابویه علیه‌الرحمة از حضرت ابی جعفر علیه السلام نقل شده که بجناب محمد بن مسلم علیه‌الرحمة فرمود ای محمد بن مسلم ترک نکن ذکر خدا را بر هر حال که هستی و اگر بشنوی منادی را که ندا میکند به اذان و تو در حال تخلی باشی پس یاد کن خدا و بگو آنچه را که مؤذن میگوید.

خبر نهم - از جناب ابن بابویه علیه‌الرحمة از حضرت ابی عبدالله علیه الصلوة والسلام نقل شده که بجناب ابی بصیر رحمه الله فرمود اگر بشنوی اذان را در حال تخلی پس بگو مثل آنچه را مؤذن میگوید و وامگذار ذکر خدای عزوجل را در آن حال زیرا که ذکر خدا نیکو می باشد بر هر حالی الحدیث.

خبر دهم - از جناب محمد بن علی بن الحسین بن بابویه علیهم‌الرحمة از سلیمان بن مقبل نقل شده که بحضرت ابی الحسن موسی علیه السلام عرض نمودم به چه علت مستحب است برای انسان که هرگاه بشنود اذان را، بگوید آنچه را که مؤذن میگوید و اگر چه در حال بول و غایط باشد پس فرمود برای آنکه این کار زیاد میکند روزی را.

تنبیه بیست و دوم

در فضیلت تجدید وضوء و تازه کردن آن

و در آن چند حدیث است

حدیث اول - از کتاب تحف العقول از حضرت علی علیه الصلوة والسلام نقل شده که وضو بعد از طهارت ده حسنه است. پس وضو بگیرید.

حدیث دوم - از جناب قطب راوندی علیه الرحمة از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که کسیکه وضوء را تازه کند خدا هم آمرزش را برای او تازه میفرماید.

حدیث سوم - از جناب محمد بن یعقوب علیه الرحمة از حضرت ابی الحسن علیه الصلوة والسلام نقل شده کسیکه وضو بگیرد برای نماز مغرب، آن وضو کفاره خواهد بود برای گناهان که در آن روز مرتکب شده غیر از گناهان کبیره و کسیکه وضو بگیرد برای نماز صبح، آن وضو کفاره باشد برای گناهان که در آن شب مرتکب شده غیر از کبائر.

حدیث چهارم - از کتاب فقیه نقل شده که در حدیث دیگر است وضوء بر وضو نور است بر نور.

حدیث پنجم - از جناب ابن بابویه علیه الرحمة از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل شده کسیکه تجدید کند وضوی خود را بدون آنکه حدثی از او صادر شده باشد، تجدید میفرماید خدا توبه را بر او بدون آنکه استغفار کند.

تنبيه بيست و سوم

در فضیلت با وضو خوابیدن و مدح آن

و در آن چند روایت است

روایت اول - از ابن ابی جمهور در کتاب درر اللثالی از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده کسیکه با وضو بخوابد، فراش او بمنزله مسجد خواهد بود و خواب او بمنزله نماز تا بوقت صبح و کسیکه بی وضو بخوابد فراش او بمنزله قبر خواهد بود و خودش بمنزله مردار تا وقتیکه صبح کند.

روایت دوم - از جناب قطب راوندی علیه‌الرحمة در کتاب دعوات از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده کسیکه با وضو بخوابد، اگر در آن شب بمیرد شهید مرده.

روایت سوم - از جناب ابن بابویه علیه‌الرحمة در کتاب مجالس و معانی الاخبار از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده کسیکه با طهارت بخوابد چنانستکه شب را بعبادت بسر برده.

روایت چهارم - از ابن شیخ علیه‌الرحمة در کتاب امالی از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که به انس بن مالک فرموده ای انس، طهارت بسیار بگیر تا خدا عمرت را زیاد فرماید و اگر بتوانی شب و روز با طهارت باشی باش زیرا که اگر در حال طهارت بمیری شهید مرده باشی.

روایت پنجم - از ابن ابی جمهور علیه‌الرحمة نقل شده که مردی از کمی روزی خدمت حضرت رسول صلی الله علیه وآله شکایت نمود. حضرت دستور داد که همیشه با وضو باش تا روزی هم همیشه به تو برسد پس آن مرد چنین کرد، روزیش وسیع گردید.

روایت ششم - از کتاب درر اللثالی از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده کسیکه برای هر حدیثی وضو بگیرد و زیاد در خانه‌ها بر زنها داخل نشود و مالی بناحق کسب نکند، روزی داده شود از دنیا بغير حساب.

روایت هفتم - از جناب دیلمی علیه‌الرحمة در کتاب ارشاد از حق تعالی نقل شده کسیکه محدث شود و وضو نگیرد، بر من جفا نموده و کسیکه محدث شود و وضو بگیرد و دو رکعت نماز بخواند بر من جفا کرده و کسیکه محدث شود و وضو بگیرد و دو رکعت نماز بخواند و دعا کند و من اجابت نکنم او را در آنچه از من خواسته از امر دین و دنیا، پس من بر او بد کرده باشم و من نیستم پروردگار جفا کننده یعنی دعای او را مستجاب خواهم نمود.

تنبيه بيست و چهارم
در فضیلت تسمیه و لا اله الا الله قبل از وضوء
و آیت الکرسی بعد از آن
و در آن چند حدیث است

حدیث اول - از جناب محمد بن حسن علیهما الرحمة از حضرت ابی عبدالله علیه الصلوة والسلام نقل شده کسیکه ذکر کند اسم خدا را بر وضوی خود، چنانستکه غسل کرده باشد.

حدیث دوم - از جناب محمد بن حسن علیهما الرحمة از حضرت ابی عبدالله علیه الصلوة والسلام نقل شده که بجناب ابی بصیر رحمه الله فرموده یا ابا محمد کسیکه وضو بگیرد، پس ذکر کند اسم خدا را پاک میشود تمام جسد او یعنی از گناه و کسیکه ذکر نکند اسم خدا را، پاک نمیشود مگر اعضای وضوی او.

حدیث سوم - از جناب محمد بن حسن ره از حضرت ابی عبدالله علیه الصلوة والسلام نقل شده مردی وضو گرفت و نماز خواند. حضرت رسول صلی الله علیه وآله بوی فرمود وضو و نماز خود را اعاده کن. آن مرد چنان کرد. باز حضرت فرمود وضو و نماز خود را اعاده نمای. آن مرد وضو و نماز خود را اعاده نمود. باز حضرت فرمود وضو و نماز را اعاده کن. آن مرد خدمت حضرت امیر علیه الصلوة والسلام آمده قضیه را عرض نمود. حضرت امیر علیه السلام فرمود آیا بسم الله گفתי وقت وضو گرفتن. عرض کرد نه. فرمود بسم الله بگو موقع وضو گرفتن. پس آن مرد بسم الله گفته وضو گرفت و نماز خواند. پس از آن خدمت حضرت رسول صلی الله علیه وآله رسید حضرت در این مرتبه او را امر به اعاده وضو و نماز نفرمود.

حدیث چهارم - از جناب ابن بابویه علیه الرحمة نقل شده که میفرماید و روایت شده کسیکه وضو بگیرد پس ذکر کند اسم خدا را طاهر میشود تمام جسد او و خواهد بود وضو

تا وضوی دیگر کفاره برای آنچه بین دو وضو واقع شده از گناهان و کسیکه ذکر نکند اسم خدا را طاهر نمیشود مگر همان اعضای وضو.

حدیث پنجم - از جناب احمد بن محمد بن خالد برقی علیهم الرحمة در کتاب محاسن از حضرت ابی عبدالله علیه الصلوة والسلام نقل شده که هرگاه یکی از شما وضو بگیرد و بسم الله نگوید شیطان شریک شود در وضوی او و اگر بخورد یا بیاشامد یا لباس بپوشد و هر کاری بکند سزاوار است که بسم الله بگوید پس اگر بسم الله نگفت شیطان در آن کار شریک میشود با او.

حدیث ششم - از جناب محمد بن حسن ره از حضرت ابی جعفر علیهما الصلوة والسلام نقل شده که چون دست خود را در آب میگذاری بگو بسم الله و بالله اللهم اجعلنی من التوابین و اجعلنی من المنظرین پس چون فارغ شوی بگو الحمد لله رب العالمین.

حدیث هفتم - از تفسیر حضرت عسکری از حضرت امیر علیهما الصلوة والسلام از خداوند عالم جل شأنه نقل شده که ای نیازمندان بسوی رحمت من تا آنکه میفرماید پس بگوئید نزد شروع بهر کاری چه کوچک و چه بزرگ بسم الله الرحمن الرحیم.

حدیث هشتم - از جناب قطب راوندی علیه الرحمة در کتاب لب اللباب از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده بسم الله مفتاح وضو و مفتاح هر چیزی است.

حدیث نهم - از جناب راوندی علیه الرحمة در لب اللباب از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که کسیکه پیش از وضو هفت مرتبه بگوید لا اله الا الله عطا کرده میشود در بهشت ده برابر تمام دنیا.

حدیث دهم - از کتاب جامع الاخبار از حضرت باقر علیه الصلوة والسلام نقل شده کسیکه بعد از وضو یک مرتبه آیه الكرسي بخواند عطا فرماید خدای تعالی به او ثواب چهل سال عبادت و بلند فرماید برای او چهل درجه و تزویج فرماید به او چهل حوریه.

تنبيه بيست و پنجم

در فضیلت اسباغ یعنی کامل و تمام بجا آوردن وضو و در آن چند خبر است

خبر اول - از جناب ابن بابویه از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که سه چیز است که موجب رفع درجات میشود. اول کامل وضو گرفتن در هوای سرد. دوم انتظار نماز بعد از نماز. سوم در شب و روز رفتن بسوی جماعتها.

خبر دوم - از جناب ابن بابویه علیه الرحمة از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که فرمود آیا دلالت نکنم شما را بر چیزی که موجب کفاره گناهان و زیادی حسنات باشد عرض نمودند چرا فرمود اسباغ وضو در مواقعی که ناگوار است وضو گرفتن و بسیار قدم برداشتن بسوی جماعتها و انتظار نماز بعد از نماز الحدیث.

خبر سوم - از کتاب خصال از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که به انس بن مالک فرموده وضو را کامل بگیر تا مانند ابر بر صراط بگذری و سلام نمودن بمردم را فاش کن تا خیر خانه ات زیاد شود و صدقه بسیار بده چه آنکه صدقه دادن غضب پروردگار را فرو مینشانند.

خبر چهارم - از جناب قطب راوندی علیه الرحمة از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده کسیکه وضو بگیرد و نیکو وضو بگیرد مستوجب شود رضوان و خوشنودی خدا را.

خبر پنجم - از جناب راوندی علیه الرحمة در لب اللباب از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که سه چیز است که موجب کفاره گناهان میشود. اسباغ وضو در هواهای سرد و بر قدمها بسوی جماعتها رفتن و انتظار نماز بعد از نماز.

خبر ششم - از کتاب جامع الاخبار از حضرت امیر علیه الصلوة والسلام نقل شده که جایز نیست نماز هیچ مردی تا تطهیر نماید جوارح پنجگانه خود را، صورت و دستها و سر و پاها به آب و دل را بتوبه.

خبر هفتم - از جناب قطب راوندی علیه الرحمة در کتاب فقه القرآن از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که وضو کفاره میکند گناهان پیش از خود را.

خبر هشتم - از جناب قطب راوندی علیه الرحمة از خبر نقل شده کسیکه نیکو وضو بگیرد بیرون میاید از گناهان مانند روزیکه از مادر متولد شده.

تنبيه بیست و ششم

در مدح گرفتن شارب و گذاشتن ریش و مذمت تراشیدن ریش

و آنچه در حکم تراشیدن است گذاشتن شارب

و در آن چند حدیث است

حدیث اول - از جناب ابن بابویه علیه‌الرحمة از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که شارب را بگیرد و ریش را بگذارد و خود را شبیه یهود نگرداند.

حدیث دوم - از کتاب معانی الاخبار از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که شارب را بگیرد و ریش بگذارد و خودتان را شبیه مجوس نکنید.

حدیث سوم - از کتاب جعفریات از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که تراشیدن ریش از جمله مثله است و کسیکه مثله کند پس بر او باد لعنت خدا.

حدیث چهارم - از سیوطی در کتاب جامع صغیر از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که قوم لوط بواسطه ده خصلت هلاک گردیدند از جمله آن ده خصلت یکی چیدن ریش بوده و یکی طول شارب.

حدیث پنجم - از جناب محمد بن یعقوب علیه‌الرحمة از حضرت علی علیه‌السلام نقل شده که حکم فرموده در ریش هرگاه تراشیده شود بجوریکه بیرون نیاید بدیه کامله و اگر بیرون بیاید بثلت دیه.

حدیث ششم - از جناب صدوق علیه‌الرحمة در کتاب مقنع از حضرت ابی عبدالله علیه الصلوة والسلام نقل شده که هرگاه بتراشد مردی ریش مردی را، پس اگر بیرون نیامد بر او خواهد بود دیه کامله و اگر بیرون بیاید پس بر او است ثلث دیه.

تنبیه بیست و هفتم

در مدح صبر بر مصیبت و مرض و کتمان آن و در آن چند خبر است

خبر اول - از جناب شیخ مفید علیه‌الرحمة در کتاب امالی از حضرت رسول صلی الله علیه و آله نقل شده که چهار چیز است که از گنجهای بهشت است کتمان حاجت و کتمان صدقه و کتمان مرض و کتمان مصیبت.

خبر دوم - از جناب قطب راوندی علیه‌الرحمة در کتاب دعوات از خداوند عالم نقل شده که وحی فرمود بسوی جناب عزیر نبی علیه السلام یا عزیر هرگاه واقع شدی در معصیتی پس نگاه مکن به کوچکی آن بلکه نظر کن ببین معصیت چه کسی را میکنی و هرگاه روزی بتو رسید نظر مکن بسوی کمی آن، بلکه نگاه کن که کی آن روزی را بتو داده و هرگاه بلیه ای بر تو نازل شد پس شکایت مکن بسوی خلق من، کما اینکه من از تو نزد ملائکه شکایت نمیکنم در وقت بالا آمدن عملهای بد و رسوائیهای تو.

خبر سوم - از کتاب فقه الرضا علیه السلام از عالم علیه السلام نقل شده که تب یک روز کفاره گناه شصت سال است هرگاه قبول کند آنرا. عرض شد قبول آن چیست فرمود اینکه حمد کنی خدا را و شکر کنی او را و بسوی او شکایت کند نه از او و هرگاه احوالش را بپرسند بگوید خوبست.

خبر چهارم - از جناب ابن بابویه علیه‌الرحمة از حضرت رسول صلی الله علیه و آله نقل شده کسیکه یک شبانه روز مریض شود و شکایت نکند نزد عیادت کنندگان خود مبعوث میگرددند خدا او را در روز قیامت با خلیل خود ابراهیم خلیل الرحمن تا آنکه بگذرد از صراط مانند برق لامع.

خبر پنجم - از کتاب دعائم الاسلام از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده تب یک روز کفاره یک سال است و شنیدیم بعض اطبا را که این حدیث برای او حکایت شده بود که گفت این حدیث تصدیق میکند قول اطباء را که تب یک یوم اتر و الم آن تا یکسال در بدن باقی میماند.

خبر ششم - از جناب قطب راوندی علیهالرحمة از حضرت رسول صلی الله علیه وآله از خداوند عزوجل نقل شده که هرگاه توجه دهم بسوی بنده خود مصیبتی را در بدنش یا مالش یا فرزندش بعد استقبال کند آن مصیبت را بصبر نیکو، حیاء خواهم کرد از او در قیامت از اینکه نصیب کنم برای او میزانی را یا باز کنم برای او نامه عملی را.

خبر هفتم - از کتاب جعفریات از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که چهار نفرند که باید عمل را از سر گیرند. مریض وقتیکه خوب شد و مشرک هرگاه اسلام آورد و کسیکه از نماز جمعه برمیگردد در صورتیکه ایمان و طلب اجر و ثواب او را بنماز فرستاده باشد و حج کننده چون از حج فارغ شود.

خبر هشتم - از شیخ طبرسی علیهالرحمة در کتاب مکارم الاخلاق از حضرت باقر علیه الصلوة والسلام نقل شده که بیدار خوابی یک شب از مرض، بهتر است از عبادت یکسال.

خبر نهم - از جناب حسین بن سعید اهوازی در کتاب مؤمن از حضرت ابی عبدالله علیه الصلوة والسلام نقل شده که از برای بنده نزد پروردگارش، درجه ای است که به آن درجه نمیرسد بواسطه عمل، پس مبتلی میشود در جسدش یا در مالش آسیبی میرسد یا به اولادش مصیبتی وارد میشود پس اگر صبر نمود خدا او را به آن درجه میرساند.

تنبيه بيست و هشتم

در مدح ذکر موت و یاد مرگ و و فوائد آن و در آن چند حدیث است

حدیث اول - از جناب شیخ طوسی قدس سره در کتاب امالی از حضرت رسول صلی الله علیه و آله نقل شده که بجناب ابی ذر رضی الله عنه فرمود یا اباذر هرگاه برادر دینی خود را دیدی که زهد ورزیده در دنیا، پس سخن او را بشنو زیرا که حکمت التقاء میشود بسوی او عرض نمود یا رسول الله ص زاهدترین مردم کیست فرمود کسیکه فراموش نکند قبر و کهنه شدن در آن را و ترک کند فانی را برای برای بدست آوردن باقی یعنی دنیا را فدای آخرت گرداند و فردا را از عمر خویش نشمارد و نفس خود را در شمار مردگان پندارد عرض کرد یا رسول الله (ص) کدامیک از مؤمنین زیرک ترند فرمود آنکس که یاد مرگ بیشتر کند و بهتر به فکر مرگ باشد.

حدیث دوم - از جناب محمد بن یعقوب علیه الرحمة از ابی عبیده حذاء نقل شده به حضرت ابی جعفر علیهما الصلوة والسلام عرض نموده حدیث فرما برای من بحدیثیکه بهره مند شوم به او؛ پس حضرت فرمود یا ابا عبیده یاد مرگ بسیار کن زیرا که بسیار یاد نمیکند انسانی مرگ را مگر آنکه بی میل میشود بدینا.

حدیث سوم - از جناب محمد بن یعقوب علیه الرحمة از حضرت ابی عبدالله علیه الصلوة والسلام نقل شده که آنکس که یاد مرگ بسیار کند خدا او را دوست خواهد داشت.

حدیث چهارم - از کتاب عیون و مجالس از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام نقل شده که مردی را دیدند که بر فرزند خود سخت جزع میکرد. پس فرمود ای مرد تو جزع مینمائی برای مصیبت کوچک و غفلت نموده ای از مصیبت بزرگ اگر مهیا میبودی برای

آنجائیکه فرزندت بدانجا منتقل گردیده هر آینه شدید نمیشد جزعت بر فرزندت پس مصیبت خودت که آماده نشده برای سفر مرگ بزرگ تر است از مصیبت فرزندت.

حدیث پنجم - از کتاب مجالس از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام نقل شده که بجناب ابی بصیر علیه الرحمة فرمود آیا هیچ وقت همی بتو روی آورده، آیا المی بر تو وارد شده، عرض نمود بلی والله حضرت فرمود چون این جور شد پس یاد کن مرگ را و تنهائی خود را در قبر و سیلان دو چشمت بر دو طرف صورتت و از هم جدا شدن پیوندهایت و خوردن حشرات از گوشتت و کهنه شدن بدنت را و منقطع شدن خود را از دنیا زیرا که یاد نمودن این امور وادار میکند تو را بر عمل و رادع و مانع میشود تو را از زیاد حرص ورزیدن بر دنیا.

حدیث ششم - از حسن بن محمد طوسی علیه الرحمة در کتاب مجالس از حضرت امیر علیه الصلوة والسلام نقل شده که بسیار یاد کنید مرگ را هنگامیکه نفس اماره شما با شما در جنگ بیاید برای شهوترانی و مرگ واعظی است کافی برای شخص.

حدیث هفتم - از کراچکی ره در کنزالفوائد از حضرت امیر علیه الصلوة والسلام نقل شده کسیکه بسیار یاد کند مرگ را راضی شود از دنیا به اندک.

حدیث هشتم - از کتاب جامع الاخبار از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که بهترین زهد در دنیا یاد مرگست و بهترین عبادت یاد مرگست و بهترین تفکر یاد مرگست. پس کسیکه سنگینی بیاید بر او یعنی اثر کند در او یاد مرگ، خواهد یافت قبر خود را باغی از باغهای بهشت.

حدیث نهم - از جناب صدوق علیه الرحمة در کتاب عیون و امالی نقل شده که بحضرت امیر علیه الصلوة والسلام عرض کردند استعداد و مهیا شدن برای مرگ چیست فرمود اداء فرائض و دوری از محارم و دارا شدن اخلاق کریمه.

تنبیه بیست و نهم

در مذمت طول امل و درازن آرزو

و در آن چند روایت است

روایت اول - از کتاب جعفریات از حضرت علی علیه الصلوة والسلام نقل شده کسیکه آرزو داشته باشد فردا زنده باشد، آرزوی زنده بودن همیشگی را خواهد داشت و کسیکه اینچنین آرزویی داشته باشد قسی میشود دل او و رغبت میکند در دنیا و بی میل میشود در آنچه خدا وعده داده از بهشت و نعمتهای آخرت.

روایت دوم - از جناب برقی علیه الرحمة در کتاب مجالس از حضرت امیر علیه السلام نقل شده که من میترسم بر شما از دو چیز پیروی از هوی و هوس و طول امل، اما پیروی هوی پس باز میدارد شخص را از حق و اما طول امل پس بفراموشی میاندازد شخص را از آخرت.

روایت سوم - از جناب ابراهیم بن محمد تقفی علیه الرحمة در کتاب غارات از حضرت علی علیه الصلوة والسلام نقل شده که مردم را هلاک نمود دو خصلت که این دو خصلت پیشینیان و پسینیان را نیز هلاک نموده و خواهد نمود. یکی آرزویی که آخرت را از یاد شما ببرد و هوائی که شما را از راه بیرون ببرد.

روایت چهارم - از جناب ابی الفتح کراچکی علیه الرحمة در کتاب کنز الفوائد از حضرت امیر علیه الصلوة والسلام نقل شده که کسیکه یقین داشته باشد که از احباب مفارقت خواهد کرد و در خاک سکنی خواهد گرفت و با حساب روبرو خواهد شد و از آنچه گذاشته نفع نخواهد برد و بآنچه پیش فرستاده محتاج خواهد گردید سزاوار خواهد بود بکوتاه نمودن آرزو و طول عمل.

روایت پنجم - از جناب حسین بن سعید اهوازی علیه‌الرحمة در کتاب زهل از حضرت علی علیه الصلوة والسلام نقل شده که هیچ بنده‌ای طولانی نمیگرداند آرزوی خود را مگر آنکه بد میکند عمل را و نیز نقل شده که اگر ببیند بنده اجل خود و شتاب او را بسوی خود هرآینه دشمن خواهد داشت آرزو و طلب دنیا را.

روایت ششم - از جناب محمد بن علی بن الحسین ابن بابویه علیهم‌الرحمة در کتاب امالی از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده صلاح اول این امت به زهد و یقین است و هلاک آخر این امت به شح و بخل و آرزو خواهد بود.

تنبیه سس ام
در فضیلت بجا آوردن عمل خیر به نیابت اموات
یا اهداء ثواب برای آنها
و در آن چند خبر است

خبر اول - از جناب ابن بابویه علیه الرحمة از عمر بن یزید علیه الرحمة نقل شده که خدمت ابی عبدالله علیه السلام عرض نمود آیا از جانب میت نماز بخوانیم حضرت فرمود بلی حتی اینکه بسا هست که میت در ضیعی باشد پس خداوند عالم بواسطه آن نماز وسعت دهد برای او بعد آن نماز را ببرند برای آن میت و به او بگویند این وسعتی که برای تو حاصل شد بنماز فلان برادر تو بود عرض نمودم آیا دو نفر را شریک قرار دهم در دو رکعت نماز، فرمود آری و نیز فرمود میت هرآینه فرحناک میشود بواسطه رحمت فرستادن بر او و طلب آمرزش نمودن برای او و نیز فرموده داخل میشود بر میت در قبرش نماز و روزه و حج و صدقه و برّ و دعا و نوشته میشود اجر و ثواب آن هم برای کسیکه بجا آورده و هم برای آن میت و نیز فرموده کسیکه بجا آورد از مسلمین عمل خیری را از جانب میتی مضاعف میگرداند خدا برای او اجرش را و نفع میدهد خدا به آن عمل میت را.

خبر دوم - از جناب احمد بن فهد علیه الرحمة در کتاب عدة الداعی از معصوم علیه السلام نقل شده که چه چیز مانع میشود یکی از شما را که نیکی کند پیدر و مادر خود در حال حیوة و در حال ممات باینکه نماز بخواند و روزه بگیرد و تصدق دهد از طرف آنها پس بوده باشد آنچه بجا آورده برای آنها و برای او باشد مثل آن و زیاد فرماید خدا برای او بواسطه نیکی که به آنها نموده خیر بسیاری را.

خبر سوم - از کتاب جعفریات از حضرت علی علیه الصلوة والسلام از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که هیچ هدیه و تحفه ای برای میت بهتر از طلب آمرزش نیست.

خبر چهارم - از جناب قطب راوندی علیه الرحمة در کتاب لب اللباب از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که فراموش نکنید مردگان خود را در خیرهایشان و مردگان شما منتظر احسان شما هستند و مردگان شما در حبس میباشند رغبت و میل میکنند در عملهای بر شما و قادر نیستند بر آن هدیه بفرستید بسوی مردگان خود صدقه و دعا را.

خبر پنجم - از جناب قطب راوندی علیه الرحمة در لب اللباب نقل شده که مردی بحضرت رسول صلی الله علیه وآله عرض نمود یا رسول الله (ص) آیا بعد از موت پدر و مادر چیزی از بر و نیکی باقی میماند که نسبت بایشان بجا آورده شود فرمود آری از طرف آنها نماز بخواند برای آنها طلب آمرزش بکند بعهد آنها وفا کند صدیق آنها را اکرام نماید رحم آنها را صلح نماید.

خبر ششم - از جناب راوندی علیه الرحمة نقل شده که جبرئیل علیه السلام پنج بشارت برای حضرت رسول صلی الله علیه وآله آورد. اول آنکه خداوند عالم امید امیدوار را نا امید نمیفرماید و عذاب را از مردگان به دعای احیاء دفع میفرماید.

خبر هفتم - از جناب سید بن علی بن طاوس علیهما الرحمة در کتاب فلاح السائل از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که نمیگذرد بر میت ساعتی سخت تر از شب اول پس رحم کنید مردگان خود را بصدقه پس اگر نتوانستید پس یکی از شما دو رکعت نماز بخواند در رکعت اول سوره مبارکه فاتحة الكتاب یکمرتبه و قل هو الله احد دو مرتبه و در رکعت دوم فاتحه یک مرتبه و سوره الهکم التکاثر ده مرتبه و سلام میدهد و میگوید اللهم صل علی محمد وآل محمد و ابعث ثوابها الی قبر ذلک المیت فلان بن فلان پس چون

این نماز خوانده شد همان ساعت خدا هزار ملک را میفرستد بسوی قبر آن میت که با هر ملکی جامه و حُلّه باشد و وسیع میگرداند قبر آن میت را تا روزیکه در صور دمیده شود و عطا فرماید به آن کسیکه این نماز را خوانده بعدد آنچه طلوع میکند بر او آفتاب حسنات و بلند میشود برای او چهل درجه.

تنبيه سس و یکم

در مدح تلقین کلمه توحید به شخص مختصر

و در آن چند روایت است

روایت اول - از جناب محمد بن یعقوب علیه‌الرحمة از حضرت ابی عبدالله علیه‌السلام نقل شده که احدی نیست که مرگ حاضر شود او را مگر موگُل میسازد بر او ابلیس از شیاطین خود کسی را که امر کند او را به کفر و به شک بیاندازد او را در دینش تا وقتیکه نفس او بیرون رود پس کسیکه مؤمن باشد شیطان قدرت پیدا نکند بر او.

روایت دوم - از جناب محمد بن یعقوب علیه‌الرحمة از حضرت ابی عبدالله علیه‌الصلوة والسلام نقل شده که ملک الموت روزی پنج مرتبه در اوقات نماز از مردم خبرگیری میکند پس کسیکه مواظبت کند بر نمازها در اوقات آن، تلقین خواهد نمود به او شهادت بوحدانیت خدا و رسالت حضرت رسول صلی الله علیه وآله را و شیطان را نیز از او دور خواهد کرد.

روایت سوم - از جناب ابن بابویه علیه‌الرحمة از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که تلقین نمائید بمردگان خود کلمه طیبه لا اله الا الله را، زیرا که این کلمه طیبه منهدم میسازد گناهان را، عرض نمودند یا رسول الله ص پس کسیکه این کلمه طیبه را در حال صحت بگوید چگونه خواهد بود فرمود در حال صحت، خراب کننده تر خراب کننده تر خواهد بود. لا اله الا الله انس است برای مؤمن در حال حیوة و حال ممات و هنگامیکه سر از قبر بردارد و نیز از آنحضرت از جبرئیل علیهما السلام نقل شده که در آن هنگام که مردم سر از قبرها بردارند یکدسته از آنها با روی‌های سفید صدا به لا اله الا اله بلند خواهند نمود و یکدسته به پا ویلاهِ یا ثوراه در حالتیکه روی‌های آنها سیاه باشد.

روایت چهارم - از جناب صدوق علیه‌الرحمة در کتاب فقیه از حضرت صادق علیه‌الصلوة والسلام نقل شده که دوست علی علیه‌الصلوة والسلام آن حضرت را در سه جا

خواهد دید و بدیدن آن حضرت خوشنود خواهد گردید. اول هنگام مردن، دوم در نزد صراط، سوم در نزد حوض کوثر و جناب ملک الموت دفع خواهد نمود شیطان را از آن کس که محافظت کرده باشد بر نماز و بزبانش خواهد داد شهادت باینکه نیست خدائی غیر از خدا و اینکه محمد صلی الله علیه وآله رسول خدا است در آن حال عظیمه.

روایت پنجم - از جناب قطب راوندی علیه الرحمة در کتاب لب اللباب از حضرت نبی صلی الله علیه وآله روایت شده که تلقین کنید بمردگان خود شهادت باینکه لا اله الا الله پس کسیکه بگوید این کلمه طیبه را واجب شود بر او بهشت عرض شد کسیکه در حال صحت بگوید چه خواهد شد فرمود ذلک اوجب فاوجب.

تنبيه سى و دوم **در مدح تشييع جنازه** **و در آن چند حديث است**

حديث اول - از جناب محمد بن يعقوب عليه الرحمة از حضرت ابى جعفر عليه الصلوة والسلام نقل شده که حضرت موسى على نبينا وآله و عليه الصلوة والسلام بخداى عزوجل عرض نمود پروردگارا چيست ثواب كسيكه تشييع كند جنازه‌اى را، فرمود موكل ميگردانم به او ملائكه اى از ملائكه‌هاى خودم را كه با ايشان علمها باشد و تشييع نمايد او را يعنى تشييع كننده جنازه را از قبرش تا محشر.

حديث دوم - از جناب محمد بن يعقوب عليه الرحمة از حضرت ابى جعفر عليه الصلوة والسلام نقل شده که چون مؤمن را داخل قبر کنند ندا کرده شود که اول عطای خدا بتو بهشت است و اول عطای خدا بتشييع كننده جنازه تو مغفرت و آمرزش است.

حديث سوم - از جناب محمد بن يعقوب عليه الرحمة از حضرت ابى عبدالله عليه الصلوة والسلام نقل شده که اول تحفه مؤمن در قبرش آنستکه آمرزيده ميشود براى كسانيكه تشييع نموده اند جنازه او را.

حديث چهارم - از جناب محمد بن حسن بن محمد طوسى قدس سره از حضرت نبى صلی الله عليه وآله نقل شده که اول تحفه مؤمن آمرزش او و تشييع كندگان جنازه او است.
حديث پنجم - از كتاب عقاب الاعمال از حضرت نبى صلی الله عليه وآله روايت شده که كسيكه تشييع كند جنازه‌اى را براى او باشد بهر قدمى تا هنگاميكه برگردد صدهزار حسنه و محو شود از او صدهزار سيئه و بلند شود براى او صدهزار درجه الحديث.

حدیث ششم - از جناب ابن شهر آشوب در کتاب مناقب از حضرت رضا علیه الصلوة والسلام نقل شده که بموسی بن سیار فرموده یا موسی بن سیار کسیکه تشییع کند جنازه ولی از اولیاء ما را بیرون آید از گناهان مانند روزیکه از مادر متولد شده الخیر.

تنبیه سی و سوم

در مدح تعزیت گفتن مصیبت رسیده و در آن چند خبر است

خبر اول - از جناب شهید ثانی قدس سره در کتاب مسکن الفواد از حضرت رسول صلی الله علیه و آله نقل شده کسیکه تعزیت بگوید مصیبت زده‌ای را خواهد بود برای او مثل اجر آن مصاب بدون آنکه از اجر او چیزی کم شود.

خبر دوم - از جناب شهید ثانی (ایضاً) از معصوم علیه السلام نقل شده کسیکه تعزیت بگوید اندوهناکی را خواهد پوشانید خدا بر او لباس تقوی را و صلوات میفرستد بر روح او در زمره ارواح.

خبر سوم - از جناب شهید ثانی علیه‌الرحمة در کتاب مسکن نیز نقل شده که حضرت ابراهیم علیه السلام از پروردگار سؤال نمود که چیست جزای کسیکه صورتش تر شود از اشک چشم در خشیت و خوف خدا فرمود صلوات و رضوان من عرض نمود چیست جزای کسیکه امر بصبر کند و وادار به شکیبائی نماید اندوهناکی را برای رضای تو فرمود خواهم پوشانید او را بجامه از جامه‌های ایمان که بان از آتش نگاه داشته شود و اهل بهشت گردد.

خبر چهارم - از جناب محمد بن علی بن الحسین بن بابویه علیهم‌الرحمة از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام نقل شده که تعزیت واجبه بعد از دفن است و کفایت میکند تو را از تعزیت اینکه صاحب مصیبت تو را ببیند.

تنبیه سی و چهارم

در مدح زیارت قبور

و در آن چند حدیث است

حدیث اول - از جناب قطب راوندی علیه‌الرحمة در کتاب دعوات از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که بجناب ابی ذر رضی الله عنه فرموده یا اباذر وصیت میکنم تو را پس حفظ نمای شاید که خدا نفع بخشد ترا به آن؛ همسایگی قبور را اختیار کن تا که ترا بیاد آخرت اندازد و زیارت نمای قبور را در روز و در شب زیارت قبور مرو.

حدیث دوم - از جناب قطب راوندی علیه‌الرحمة در دعوات از حضرت ابی عبدالله علیه الصلوة والسلام نقل شده که از حق مؤمن مودت او است که در سینه باشد تا آنکه میفرماید و هرگاه بمیرد پس زیارت قبر او است.

حدیث سوم - از جناب ابن بابویه علیه‌الرحمة از حضرت ابی‌عبدالله علیه السلام نقل شده که اموات میفهمند و درک میکنند کسانی را که زیارت ایشان میروند و بانها خوشنود میشوند و انس میگیرند.

حدیث چهارم - از کتاب بحار از بعض مؤلفات اصحاب از شیخ مفید علیه‌الرحمة از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده کسیکه این دعا را برای اهل قبور بخواند عطا فرماید خدای سبحانه و تعالی به او ثواب پنجاه سال و همچنین برای پدر و مادر او.

حدیث پنجم - از کتاب بحار از بعض مؤلفات اصحاب از شیخ مفید علیه‌الرحمة از حضرت حسین بن علی علیهما الصلوة والسلام نقل شده که کسیکه داخل شود قبرستانرا پس بگوید اللهم رب هذه الارواح الفانیة و الاجساد البالیة و العظام النحزة التي خرجت من الدنيا و هی بک مؤمنة ادخل علیهم روحا منک و سلاما منی مینویسد خدا برای او بعدد خلق از زمان آدم (ع) تا روز قیامت حسنات.

حدیث ششم - از جناب قطب راوندی علیه الرحمة در کتاب لب اللباب نقل شده کسیکه بخواند بر قبری بسم الله و بالله و علی ملة رسول الله صلی الله علیه وآله خدا عذاب او را تا چهل سال از صاحب آن قبر بردارد.

حدیث هفتم - از جناب ابن بابویه علیه الرحمة از حضرت رضا علیه الصلوة والسلام نقل شده که هیچ بنده‌ای نیست که زیارت کند قبر مؤمنی را پس بخواند نزد قبر او سوره مبارکه انا انزلناه فی لیلة القدر را هفت مرتبه مگر آنکه خدا بیامرزد هم او را و هم صاحب قبر را.

تنبيه سى و پنجم

در فضیلت صبر و شکیبانی بر فوت اولاد

و در آن چند حدیث است

حدیث اول - از جناب شیخ صدوق علیه‌الرحمة از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که پنج چیز است که سنگینی است در میزان. اول سبحان الله دوم الحمد لله سوم لا اله الا الله چهارم الله اکبر پنجم ولد صالح که از شخص مسلمانی فوت نماید پس آن مسلمان صبر کند و بحساب خدا بگذارد.

حدیث دوم - از جناب شهید ثانی قدس سره از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل شده که یک فرزند که پیش بفرستد، برای شخص بهتر است از هفتاد فرزند که بعد از او سوار بر اسب شده برود برای مقاتله در راه خدا.

حدیث سوم - از جناب شهید ثانی نیز در کتاب مسکن الفؤاد از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که هرآینه اگر یک فرزند سقط شده را پیش از خود بفرستم دوست تر است بسوی نزد من از صد فرزند که بعد از من مقاتله نمایند در راه خدا.

حدیث چهارم - از جناب شهید ثانی نیز در کتاب مسکن الفؤاد از زید بن اسلم نقل شده که فرزندی از حضرت داود علی نبینا وآله و علیه الصلوة والسلام از دنیا رفت. پس آنحضرت در فوت او بسیار محزون شد. خدا وحی فرمود بسوی او که ارزش این فرزند نزد تو چه اندازه بود عرض کرد بقدر یک دنیای پر از طلا. خداوند فرمود پس برای تو است نزد من در قیامت یک دنیا پر از ثواب.

حدیث پنجم - از جناب ابن بابویه علیه‌الرحمة در کتاب ثواب الاعمال از حضرت ابی‌عبدالله علیه الصلوة والسلام نقل شده که یک فرزند که پیش بفرستد او را شخص، بهتر است از هفتاد فرزند که باقی بمانند بعد از او و درک کنند قائم علیه الصلوة والسلام را.

حدیث ششم - از شریف زاهد محمد بن علی حسینی رحمه الله در تغازی از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که خداوند عالم در روز قیامت جمع فرماید اطفال امت محمد (ص) را در حوضهائی که زیر عرش باشد پس خداوند عالم متوجه آنها شده فرماید چرا سرهای خود را بسوی من بلند کرده اید عرض نمایند پروردگارا پدران و مادران ما تشنه باشند و ما در این حوضها باشیم. پس وحی فرماید بسوی ایشان که با این ظرفها از این حوضها آب بردارید و پدران و مادران خود را آب دهید.

تنبيه ساس و ششم

در فضیلت کلمه استرجاع یعنی انا لله و انا الیه راجعون

در نزد ورود مصیبت و هر وقت یاد شخص بیاید

و در آن چند خبر است

خبر اول - از جناب محمد بن یعقوب علیه الرحمة از حضرت ابی جعفر علیهما الصلوة والسلام نقل شده کسیکه صبر نماید و بگوید انا لله و انا الیه راجعون و حمد کند خدای عزوجل را، پس بتحقیق راضی شده بکار خدا و اجرش بر خدا است و کسیکه این کار را نکند قضا بر او جاری میشود در حالتیکه مذموم باشد و خدا اجرش را حبط فرماید.

خبر دوم - از جناب ابن بابویه رحمه الله از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که چهار چیز است که در هرکس که باشد آنکس در نور اعظم خدا خواهد بود. اول آنکه عصمت امرش شهادت بوحدانیت خدا و اینکه من رسول خدا هستم باشد. دوم آنکه هرگاه مصیبتی بوی برسد بگوید انا لله و انا الیه راجعون. سوم آنکه چون خبر بدی بدو رسد بگوید الحمد لله رب العالمین. چهارم آنکه چون دچار خطا و لغزشی شود بگوید استغفرالله ربی و اتوب الیه.

خبر سوم - از جناب شیخ مفید علیه الرحمة در کتاب امالی از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که چهار چیز است که در هرکه باشد خدا او را از اهل بهشت خواهد نوشت. اول آنکه عصمت امرش شهادت باینکه نیست خدائی جز خدا و اینکه من محمد رسول خدایم باشد. دوم آنکه هرگاه نعمتی خدا بوی عطا فرماید بگوید الحمد لله رب العالمین. سوم آنکه هرگاه گناهی کند بگوید استغفرالله. چهارم آنکه هر وقت بمصیبتی مبتلا شود بگوید انا لله و انا الیه راجعون.

خبر چهارم - از جناب فطرب رواندی علیه‌الرحمة در کتاب دعوات از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده هیچ مسلمانی نیست که مصیبتی با او برسد مگر آنکه هر وقت بگوید انا لله و انا الیه راجعون خدا یک درجه و منزله تازه به او عطا فرماید و بدهد به او مثل آنچه را که در روز اول به او مرحمت فرموده یا نعمتی به او داده شود و آن نعمت را یاد کرده بگوید الحمد لله ثواب تازه خدا به او عطا فرماید و نیز از آنحضرت (ص) نقل شده که بسا هست اهل مصیبت چون مصیبت بدیشان رسد در عوض صبر و شکیبائی، جزع نمایند پس مردمیکه بایشان میرسند و کلمه استرجاع بر زبان میرانند اجر آنان بزرگتر خواهد بود از خود ایشان یعنی مصیبت رسیدگان.

خبر پنجم - از جناب شیخ طبرسی قدس سره در کتاب مجمع البیان از حضرت امیر علیه الصلوة والسلام نقل شده که کسیکه مصیبتی به او رسیده باشد پس تازه کند استرجاع را اگر چه بعد از مدتی باشد مینوسید خدا برای او از اجر مثل آنچه در روز اول نوشته بود.

خبر ششم - از جناب فطرب رواندی علیه‌الرحمة در کتاب لب اللباب از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که بزرگی جزاء بقدر بزرگی مصیبت است و کسیکه کلمه استرجاع بعد از مصیبت بگوید تازه میفرماید خدا اجر آن مصیبت را مانند روزیکه مبتلا شده به آن.

تنبيه ساس و هفتم

در مذمت شماتت و سرزنش

و در آن چند روایت است

روایت اول - از جناب محمد بن يعقوب عليه الرحمة از حضرت ابی عبدالله عليه الصلوة والسلام نقل شده که آشکار نکن شماتت برادر خود را پس رحم کند او را خدا به رفع بلیة از او و توجه دهد آن بلیه را بتو و نیز فرموده کسیکه شماتت و سرزنش کند برادر خود را بیرون نرود از دنیا مگر خود مبتلا شود.

روایت دوم - از جناب ابن بابویه عليه الرحمة در کتاب مجالس از حضرت رسول صلی الله عليه وآله نقل شده که اظهار مکن شماتت را برادر خود، پس رحم فرماید خدا او را و مبتلا نماید تو را.

روایت سوم - از جناب علی بن ابراهیم عليه الرحمة از جناب لقمان عليه السلام نقل شده که برای هر چیزی علامتی میباشد که آن چیز به آن شناخته میشود و آن علامت بر آن چیز شهادت میدهد تا آنکه فرموده و برای حاسد سه علامت است پیش رو تملق میکند و پشت سر غیبت مینماید و بمصیبت شماتت و سرزنش مینماید.

روایت چهارم - از جناب حسین بن سعید اهوازی رحمه الله از حضرت ابی عبدالله عليه الصلوة والسلام نقل شده که شماتت نکن برادر خود را که خدا بر او رحم فرماید و تغییر دهد آنچه را از عافیت که داری و کسیکه شماتت کند برادر خود بمصیبتی که بر او وارد شده از دنیا بیرون نرود مگر آنکه تغییر داده شود آنچه که در او هست از عافیت.

تنبيه سس و هشتم
در دوست داشتن آنچه خدا دوست دارد
و در آن چند روایت است

از جناب قطب راوندی علیه الرحمة در کتاب دعوات از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام نقل شده که ما قومی هستیم که از خدا میخواهیم آنچه را که دوست داریم نسبت بکسیکه او را دوست داریم. پس عطا میفرماید و هرگاه خدا دوست بدارد آنچه را ما کراهت از آن داریم نسبت بکسیکه دوست داریم او را، راضی خواهیم شد و از جناب زید زراد در اضل خود از حضرت ابی عبدالله علیه الصلوة والسلام از حضرت امیر علیه الصلوة والسلام نقل شده که ما بلا را کراهت داریم مادامیکه نازل نشده لکن چون نازل شد به آن قضا خوشنود نمیکنند ما را اینکه نازل نمیشد و از جناب محمد بن یعقوب علیه الرحمة از حضرت ابی عبدالله علیه الصلوة والسلام در حدیثی نقل شده که ما هرآینه دوست داریم عافیت را نسبت بخودمان و اولاد و اموال خود پس هرگاه قضا و قدر بر خلاف آن جاری شد برای ما نیست که دوست داشته باشیم آنچه را خدا برای ما دوست نداشته باشد.

تنبیه سی و نهم

در فضیلت غسل جمعه

و در آن چند حدیث است

حدیث اول - از کتاب جعفریات از حضرت علی علیه الصلوة والسلام نقل شده که میفرمود من دوست ندارم برای احدی که ترک کند غسل را در روز جمعه مگر بواسطه عذر یا علتی.

حدیث دوم - از جناب صدوق علیه الرحمة در کتاب هدایة از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام نقل شده که غسل روز جمعه طهور و کفاره است برای گناهان که در بین واقع میشود از جمعه تا جمعه دیگر.

حدیث سوم - از جناب سید علی بن طاوس علیه الرحمة در کتاب جمال الاسبوع از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده بحضرت امیر علیه الصلوة والسلام فرموده یا علی بر مردم است در هر هفته غسل، پس غسل کن روز جمعه ولو به اینکه آب بخری بقوت روزت و آن روز گرسنه بمانی زیرا که چیزی از تطوع و عمل مستحب بالاتر از غسل روز جمعه نیست.

حدیث چهارم - از جناب قطب راوندی علیه الرحمة در کتاب لب الالباب از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که از برای خدا شهری است در هوا هست مانند پوست تخم که برای آن هزار در است بر هر دری از آن درها ملائکه ای میباشند مثل فرزندان آدم (ع) هزار برابر. چون روز جمعه شود تمام شان مجتمع شوند و بگویند خدایا بیامرز برای کسیکه روز جمعه غسل کند.

حدیث پنجم - از جناب کفعمی علیه الرحمة در کتاب بلد الامین از کتاب اغسال تألیف احمد بن محمد بن عیاش از حضرت امیر علیه الصلوة والسلام نقل شده که هرگاه میخواست

تو بیخ و سرزنش نماید کسی را میفرمود به او قسم بخدا که تو عاجز و ناتوان تری از تارک
غسل جمعه, زیرا که کسیکه غسل کند روز جمعه, پیوسته با طهارت است تا جمعه دیگر.

تنبیه چهلیم در فضیلت نماز و در آن چند حدیث است

حدیث اول - از جناب قطب راوندی علیه‌الرحمة در کتاب لب اللباب از حضرت رسول صلی الله علیه و آله نقل شده که نماز مادبۀ (مأدبه) خدا است در زمین که گوارا قرار داده آن را برای اهل رحمت خود در هر روزی پنج مرتبه.

حدیث دوم - از جناب عیاشی علیه‌الرحمة در تفسیرش از حضرت ابی عبدالله علیه الصلوة والسلام نقل شده که طاعت خدای عزوجل خدمت او است در زمین و هیچ خدمتی برابر نماز نیست و از آن جهت بود که ملائکه حضرت زکریا علیه السلام را در حال نماز آواز دادند.

حدیث سوم - از جناب شیخ طوسی قدس سره در کتاب امالی از زریق نقل شده که بحضرت ابی‌عبدالله عرض نموده که کدام عمل بعد از معرفت افضل است حضرت فرمود هیچ عملی بعد از معرفت از این نماز بهتر نیست و بعد از معرفت و نماز عملی معادل زکوة نیست و بعد از آن چیزی برابر روزه نیست و نه بعد از آن چیزی معادل حج و فاتحه و خاتمه تمام اینها معرفت ما است الخبر.

حدیث چهارم - از جناب جعفر بن احمد قمی علیه‌الرحمة در کتاب غایات از حضرت ابی‌عبدالله علیه الصلوة والسلام نقل شده که افضل اعمال نزد خدا در روز قیامت نماز است.

حدیث پنجم - از جناب صدوق علیه‌الرحمة از حضرت امیرالمؤمنین علیه الصلوة والسلام نقل شده که هیچ عملی دوست تر بسوی خدای عزوجل از نماز نیست. پس مشغول نکند شما را از اوقات آن چیزی از امور دنیا زیرا که خدای عزوجل مذمت فرموده اقوامی را پس

فرموده و کسانی که ایشان از نماز خود سهوکنندگانند یعنی غافلند و به اوقات نماز استهانت میکنند.

حدیث ششم - از جناب محمد بن یعقوب علیه الرحمة از جناب معویة بن وهب نقل شده که از حضرت ابی‌عبدالله علیه الصلوة والسلام سؤال نمود از بهتر چیزیکه تقرب میجویند به آن بندگان بسوی پروردگارشان و دوست تر آن بسوی خدای عزوجل حضرت فرمود نمیدانم چیزی بعد از معرفت که بهتر باشد از این نماز آیا نظر نمیکنی بسوی بنده صالح عیسی بن مریم علیهما السلام که فرموده و وصیت فرمود یعنی خدا مرا بنماز و زکوة مادامیکه زنده باشم.

حدیث هفتم - از جناب محمد بن یعقوب علیه الرحمة از حضرت ابی‌عبدالله علیه الصلوة والسلام نقل شده که میفرمود احب اعمال بسوی خدای عزوجل نماز است و این نماز آخرین وصیتهای پیمبرها است الحدیث.

حدیث هشتم - از جناب صدوق علیه الرحمة در کتاب خصال از حضرت رسول صلی الله علیه وآله در فضیلت نماز نقل شده که بواسطه نماز میرسد بنده بدرجه بلند، زیرا که نماز تسبیح است و تهلیل و تحمید و تکبیر و تمجید و تقدیس و قول و دعوت.

حدیث نهم - از جناب صدوق علیه الرحمة در کتاب خصال از حضرت امالی از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام نقل شده که دوست ترین بندگان بسوی خدای عزوجل مردی است که در سخن خود راستگو باشد و محافظت داشته باشد بر نماز خود و آنچه خدا بر او فرض فرموده با ادای امانت.

تنبیه چهل و یکم

در کفاره بودن نماز برای گناهان

و در آن چند خبر است

خبر اول - از کتاب جعفر بن محمد بن شریح از حضرت ابی عبدالله علیه الصلوة والسلام نقل شده که مثل نماز، مثل نهر آبی است که کثافت را از بدن دور میکند هر نمازیکه نمازگذار میخواند کفاره است برای گناهان او مگر گناهیکه بیرون برد او را از ایمان و مقیم باشد بر آن.

خبر دوم - از کتاب دعائم الاسلام از حضرت امیر علیه الصلوة والسلام نقل شده که نمازهای پنج گانه کفاره است برای آنچه در بین واقع شود از گناه مادامیکه نمازگذار اجتناب کند از گناهان کبیره و اینست آنچه خدا میفرماید ان الحسنات یذهبن السيئات ذلک ذکری للذکرین.

خبر سوم - از جناب قطب راوندی علیه الرحمة در کتاب لب اللباب از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که مردی را دید میگوید خدایا مرا بیامرز و گمان نمیکنم که بیامرزی؛ پس حضرت فرمود چرا گمان بد بخدا میبری عرض کرد بجهت آنکه من هم در زمان جاهلیت گناه کرده ام و هم در اسلام؛ حضرت فرمود اما آن گناهیکه در جاهلیت کرده ای پس ایمان آنرا محو و نابود نمود و آنچه در اسلام مرتکب شده ای نماز تا نماز کفاره است برای آنچه در بین اتفاق بیافتد.

تنبيه چهل و دوم

در مذمت استخفاف و تهاون بنماز

و در آن چند روایت است

روایت اول - از جناب محمد بن يعقوب عليه الرحمة از حضرت نبی صلی الله عليه وآله نقل شده که نیست از من کسیکه استخفاف برساند بنماز خود، نیست آنکس که بیاشامد مسکری را وارد نخواهد شد بر حوض نه بخدا قسم.

روایت دوم - از جناب محمد بن يعقوب عليه الرحمة از حضرت صادق عليه الصلوة والسلام نقل شده که نخواهد رسید بشفاعت ما کسیکه استخفاف برساند بنماز.

روایت سوم - از جناب احمد بن محمد برقی عليه الرحمة در کتاب محاسن از حضرت رسول صلی الله عليه وآله نقل شده که بشفاعت من نخواهد رسید کسیکه استخفاف برساند بنماز خود و وارد حوض نیز نخواهد شد.

روایت سوم - از جناب برقی عليه الرحمة از حضرت ابی عبدالله عليه الصلوة والسلام نقل شده که در هنگام وفات دستور داد تمام خویشان وی را حاضر ساختند پس نظری بسوی ایشان نموده فرمودند بدرستیکه شفاعت ما نخواهد رسید بمستخف بنماز.

تنبیه چهل و سوم

در اینکه نماز عمود دین و قوام اسلام میباشد

و در آن چند روایت است

روایت اول - از جناب احمد بن محمد برقی علیه‌الرحمة در کتاب محاسن از حضرت ابی جعفر علیهما الصلوة والسلام نقل شده که نماز عمود دین است مثل آن، مثل عمود خیمه است که هرگاه عمود ثابت و برقرار بود طنابها و میخها نیز برقرار خواهد بود و هرگاه عمود شکست نه میخی برقرار خواهد ماند و نه طنابی.

روایت دوم - از جناب محمد بن یعقوب علیه‌الرحمة از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که مثل نماز، مثل عمود خیمه است هرگاه عمود سرپا بود خیمه و طنابها و میخها نفع خواهد داشت و چون عمود بشکند نه طناب نفعی خواهد داشت و نه میخی و نه خیمه.

روایت سوم - از کتاب مجالس از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که بر شما باد بنماز، بر شما باد بنماز زیرا که نماز عمود دین شما میباشد. بشب زحمت و مشقت را تحمل کنید برای نماز و بسیار یاد کنید خدا را تا کفاره فرماید سیئات شما را.

روایت چهارم - از کتاب دعائم الاسلام از امیر علیه الصلوة والسلام نقل شده که وصیت میکنم شما را بنمازیکه عمود دین و قوام اسلام است پس غفلت ننمائید از آن.

روایت پنجم - از جناب ابن شیخ طوسی علیهماالرحمة در کتاب مجالس از حضرت امیر علیه الصلوة والسلام نقل شده که سفارش میکنم شما را بنماز و حفظ آن، زیرا که نماز بهتر عمل و عمود دین شما است.

روایت ششم - از جناب ابی الفتح کراچکی علیه‌الرحمة در کتاب کنز الفوائد از جناب لقمان علیه السلام نقل شده که بفرزند خود فرموده ای پسرک من بیای دار نماز را چه آنکه مثل نماز در دین خدا، مثل عمود خیمه است پس اینکه عمود هرگاه مستقیم بود، از

طنابها و میخها و سایه آن میتوان نفع برد و و اگر مستقیم نبود نه از طناب آن میشود منتفع شد و نه از میخ آن و نه از سایه آن.

تنبیه چهل و چهارم

در مدح محافظت بر نماز و مذمت تضييع آن

و در آن چند حدیث است

حدیث اول - از کتاب جعفریات از حضرت رسول صلی الله علیه و آله نقل شده که پیوسته شیطان ترسان و خزع‌ناک است از مؤمن مادامیکه محافظت نماید بر نمازهای پنجگانه پس چون ضایع کند نمازها را، جرئت پیدا میکند بر او، پس میافکند او را در گناهان بزرگ.

حدیث دوم - از جناب محقق قدس سره در کتاب معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله نقل شده که شیطان پیوسته از امر مؤمن در فزع است تا وقتیکه بر نمازهای پنج‌گانه مواظب باشد، پس هرگاه ضایع کند آن را، جری میشود بر او.

حدیث سوم - از کتاب موسوم به صحیفة الرضا علیه الصلوة والسلام از حضرت رسول صلی الله علیه و آله نقل شده که باصحاب خویش فرموده ضایع نکنید نماز خود را، زیرا که هر آن کس که ضایع نماید نماز خود را، محشور خواهد شد با قارون و هامان و فرعون و خواهد بود حق بر خدا که داخل سازد او را در آتش با منافقین و ویل برای کسیکه محافظت نکند بر نماز خود و ادای سنت پیغمبر خود صلی الله علیه و آله.

حدیث چهارم - از جناب ابراهیم بن محمد ثقفی در کتاب غارات از حضرت امیر علیه الصلوة والسلام نقل شده که در نامه خود بجناب محمد بن ابی بکر رضی الله تعالی عنه مرقوم فرموده و بدان ای محمد که هر چیزی تابع نماز تو است و بدانکه کسیکه ضایع کند نماز را، غیر نماز را بطریق اولی ضایع خواهد کرد.

حدیث پنجم - از کتاب جعفریات از حضرت نبی صلی الله علیه و آله نقل شده که چون نمازگذار نماز خود را از حیث رکوع و سجود و باقی جهات کامل بجا آورد، آن نماز به آسمان بالا رود نورانی و درخشنده و درهای آسمان برای او باز شود و بنماز گذار گوید

مرا حفظ کردی، خدا تو را حفظ نماید و ملائکه گویند صلوات خدا بر صاحب این نماز و هرگاه تمام بجا نیاورد، بالا رود در حالتیکه ظلمانی و تاریک باشد و درهای آسمان بر روی همچه نمازی بسته شود و بنمازگذار گوید ضایع کردی مرا، خدا تو را ضایع گرداند و آن نماز بصورت صاحبش خواهد خورد.

تنبيه چهل و پنجم

**در اینکه نماز اول چیزی میباید که در او نظر میشود از عمل فرزند آدم
و نخستین عملی است که از او سؤال کرده میشود
و در آن چند خبر است**

خبر اول - از صحیفه الرضا علیه السلام از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که محافظت نمایند بر نمازهای پنجگانه، زیرا که خدای عزوجل چون روز قیامت شود بنده را میخواند پس اول چیزیکه از او سؤال فرماید نماز است پس اگر آنرا تمام بجا بیاورد فبها و الا یرتاب میشود در آتش.

خبر دوم - از کتاب عوالی اللثالی از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که اول چیزیکه نظر میشود در او از عمل بنده نماز است، پس اگر مقبول باشد در باقی اعمالش نظر خواهد شد و اگر مقبول نباشد در هیچ عملی از اعمال او نظر نخواهد شد.

خبر سوم - از جناب محمد بن حسن علیه الرحمة از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که عمود دین نماز است و این نماز اول عملی است که در او نظر میشود از عمل فرزند آدم پس اگر صحیح باشد در باقی عملش نظر میشود و اگر صحیح نباشد در باقی عملش نظر نخواهد شد.

خبر چهارم - از جناب ابن بابویه علیه الرحمة از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که اول عملیکه محاسبه میشود بنده به آن نماز است پس اگر قبول شد، سایر اعمالش قبول خواهد شد و هرگاه رد شود، رد خواهد شد بر او سایر عملش.

تنبيه چهل و ششم

در بشارت و خوش خبریهانی که بنمازگذار داده میشود

و در آن چند روایت است

روایت اول - از جناب محمد بن یعقوب علیه الرحمة از حضرت ابی عبدالله علیه الصلوة والسلام نقل شده که چون نمازگذار بنماز بایستد نازل میشود بر او رحمت از طرف آسمان و میگیرند ملائکه اطراف او را و ندا میکند او را ملکی که اگر بداند این نمازگذار آنچه را که در نماز است از فائده، هرآینه دست از نماز برنمیدارد.

روایت دوم - از جناب محمد بن یعقوب علیه الرحمة از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که هرگاه بنده مؤمن مشغول نماز شود نظر فرماید خدای عزوجل بسوی او و سایه بیافکند بر او رحمت از بالای سر او تا افق آسمان و موکل فرماید خدا بر او ملکی را که بگوید باو ای نمازگذار اگر بدانی که چه کسی نظر بتو دارد و با کی مناجات میکنی دست از نماز برنمیداری و از موضع خود بر نمیخیزی هرگز.

روایت سوم - از جناب ابن بابویه علیه الرحمة در کتاب ثواب الاعمال از حضرت ابی عبدالله علیه الصلوة والسلام نقل شده که برای نمازگذار چون بنماز بایستد سه خصلت باشد. یکی آنکه ریش کند بر او از آسمان بر و رحمت، دیگر آنکه ملائکه او را در میان گیرند، سوم آنکه ملکی ندا کند ای نمازگذار اگر بدانی با کی مناجات میکنی از نماز دست برنمیداری.

روایت چهارم - از جناب شیخ طوسی قدس سره در کتاب مجالس از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که مؤمنی نیست که بنماز بایستد مگر آنکه ریش میکند بر او بر و موکل میشود بر او ملکی که ندا میکند او را ای فرزند آدم اگر بدانی آنچه را که برایت هست در نماز و با کی مناجات مینمائی، ملول نخواهی شد از نماز و دست از آن برنخواهی داشت.

تنبيه چهل و هفتم

در وقت وادار نمودن بچه‌ها به نماز

و در آن چند روایت است

روایت اول - از جناب محمد بن حسن علیهما الرحمة از جناب معویة بن وهب علیه الرحمة نقل شده که از حضرت ابی عبدالله علیه السلام سؤال نمودم که بچه را در چه موقع بایستی به نماز وارد کرد فرمود بین شش سال و هفت سال الحدیث.

روایت دوم - از جناب محمد بن یعقوب علیهما الرحمة از حضرت باقر علیه السلام نقل شده که ما امر میکنیم بچه‌های خود را بنماز وقتیکه پنجساله شدند ولی شما وقتیکه هفت ساله شدند آنها را وادار بنماز کنید.

روایت سوم - از جناب ابن بابویه علیه الرحمة از حضرت باقر یا صادق علیهما الصلوة والسلام نقل شده که پسر بحال خود واگذاشته میشود تا هفت سال، چون هفت سالش تمام شد گفته میشود به او دست و صورت خود را بشوی، چون شست، گفته میشود نماز بخوان بهمین کیفیت با او رفتار میشود تا نه ساله شود چون نه ساله شد وضوء به او یاد داده میشود و زده میشود بر او و امر میشود بنماز و زده میشود بر او پس چون وضو و نماز را یاد گرفت انشاءالله خدا پدر و مادر او را خواهد آمرزید.

روایت چهارم - از کتاب خصال از حضرت علی علیه الصلوة والسلام نقل شده چون بچه‌ها تا هشت ساله شدند نماز را بدیشان یاد دهید و آنها را بر نماز مؤاخذه نمائید.

روایت پنجم - از جناب سید فضل الله راوندی علیه الرحمة از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که امر کنید بچه‌های خود را به نماز و قتیکه شش ساله شدند و بزیند آنها را برای نماز وقتیکه هفت ساله شدند و چون ده ساله شدند باید موقع خواب از هم جدا باشند.

روایت ششم - از جعفریات از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که امر کنید بچه‌های خود را به نماز چون ده ساله شدند مؤلف گوید اختلاف اخبار محمول است بر مراتب تأکید.

تنبيه چهل و هشتم

در بعضی از فضائل نماز

و در آن چند خبر است

خبر اول - از کتاب دعائم الاسلام از حضرت ابیجعفر علیهما الصلوٰة والسلام نقل شده که بعضی از شیعیان خود فرموده که هر که از موالیان ما را ملاقات نمودی سلام ما را به او برسان و بگو به آنها که من بی نیاز نمیکنم از شما از خدا چیزی را مگر بورع پس حفظ کنید زبان های خود را و باز بدارید دستهای خود را و بر شما باد بالصبر و صلوٰة چه آنکه خدا با صابرین است.

خبر دوم - از جناب صدوق علیه الرحمة در کتاب خصال از حضرت امیرالمؤمنین علیه الصلوٰة والسلام نقل شده که چون مرد به نماز بایستد ابلیس از روی حسد بوی نگاه میکند بواسطه رحمتی که از طرف خدا آن نمازگذار را فرا گرفته.

خبر سوم - از جناب صدوق علیه الرحمة در کتاب امالی از حضرت ابیجعفر علیهما الصلوٰة والسلام نقل شده که هیچیک از شیعه ما نیست که بنماز مشغول شود مگر آنکه از ملائکه بعدد کسانیکه مخالف او هستند اطراف او را میگیرند و پشت سر او نماز میخوانند و دعا میکنند تا وقتیکه از نماز فارغ شود.

خبر چهارم - از جناب احمد بن محمد بن فهد حلی علیهم الرحمة در کتاب تحصین از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده که روی به اسامة بن زید فرموده گفت بر تو باد بطریق حق تا آنکه فرمود بر تو باد بنماز زیرا که نماز افضل اعمال بندگان و رأس دین و عمود و ذروه سنام آن است. مؤلف گوید ذروه و سنام، اعلائی هر چیزی را گویند.

تنبیه چهل و نهم
در اینکه اقبال و حضور قلب در نماز شرکا قبولی آنست
هر اندازه که از روی التفات و حضور باشد قبول میشود
و هرچه خالی از آن باشد قبول نمیشود
و در آن چند روایت است

روایت اول - از کتاب دعائم از حضرت ابیجعفر علیه الصلوة والسلام نقل شده که چون مشغول نماز شوی اقبال کن بر آن زیرا که چون تو اقبال نمائی خدا نیز بسوی تو اقبال فرماید و چون تو اعراض نمایی خدا نیز از تو اعراض فرماید چه بسا که بالا نرود از نماز مگر ثلث یا ربع یا سدس بقدر اقبال نماز گذار بر نماز خود و عطا نمیفرماید خدا بشخص غافل هیچ چیز.

روایت دوم - از جناب برقی علیه الرحمة از حضرت ابیعبده الله علیه الصلوة والسلام نقل شده که کسیکه نماز بخواند و اقبال داشته باشد بر نمازش حدیث نفس و سهونکند در آن اقبال فرماید خدا بر او مادامیکه او اقبال داشته باشد بر نماز و بسا هست که بالا می رود نصف نماز و ثلث و ربع و خمس آن و این است و جز این نیست که ما مامور شده ایم بسنت برای آنکه کامل شود آنچه از فریضه از دست رفته بواسطه نبودن التفات و حضور قلب.

روایت سوم - از جناب شهید ثانی قدس سره در کتاب اسرار الصلوة از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که بعضی از نمازهاست که قبول میشود نصف آن و ثلث و ربع و خمس آن تا عشر و اینکه بعضی از نمازها هست مانند جامه کهنه درهم پیچیده شده بصورت صاحبش زده میشود و برای تو است از نمازت آنچه را که اقبال نمائی بر آن بقلب خود.

روایت چهارم - از کتاب دعائم از حضرت ابیجعفر علیه الصلوة والسلام و ابیعبده الله علیه الصلوة والسلام نقل شده که برای بنده است از نمازش آنچه را که اقبال کند بر آن از نماز پس هرگاه تمام از اقبال و حضور قلب خالی باشد درهم پیچیده میشود و به صورت صاحبش زده خواهد شد.

روایت پنجم - از جناب محمد بن یعقوب علیه الرحمة از حضرت ابیجعفر علیهما السلام نقل شده که هر سهوی در نماز طرح میشود از آن الا اینکه خدا تمام میفرماید به نمازهای نافله.

روایت ششم - از جناب محمد بن یعقوب علیه الرحمة از حضرت ابیجعفر علیهما الصلوة والسلام نقل شده که هر گاه به نماز میایستی، پس بر تو باد به اقبال بر نمازت، چه آنکه برای تو است از نمازت آنچه اقبال داشته باشی بر آن.

روایت هفتم - از جناب محمد بن یعقوب علیهما الرحمة از حضرت ابیعبده الله علیه الصلوة والسلام نقل شده که هرگاه دعا میکنی پس اقبال و حضور قلب داشته باش و حاجت خود را در خانه ببین.

روایت هشتم - از کتاب مجالس از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که دو رکعت نماز میانه که از روی تفکر باشد بهتر است از قیام یک شب یعنی بنماز در حالتیکه از حضور قلب خالی باشد.

تنبيه پنجاهم

در وجوب خواندن نماز در وقت آن و حرمت تأخیر آن از وقت و در آن چند خبر است

خبر اول - از جناب ابن بابویه علیه الرحمة نقل شده که حضرت رسول صلی الله علیه وآله داخل گردیده جمعی از اصحاب را دید بدیشان فرمود آیا میدانید پروردگار شما چه میفرماید عرض نمودند خدا و رسول او داناترند. فرمود اینکه پروردگار شما میفرماید این نمازهای پنجگانه را هرکس در وقتش بخواند و محافظت نماید بر آن ملاقات خواهد نمود مرا در روز قیامت در حالتیکه برای او عهدی باشد نزد من که او را به آن عهد داخل بهشت نمایم و کسیکه آن را در وقت نخواند و محافظت بر آن ننماید عهدی نزد من برای او نیست اگر خواهم عذابش میکنم و اگر بخواهم میامرم او را.

خبر دوم - از کتاب مجالس از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که بشفاعت من نخواهد رسید فردای قیامت کسیکه تأخیر بیاندازد نماز واجب را از وقتش.

خبر سوم - از جناب عبدالله بن جعفر علیهما الرحمة در کتاب قرب الاسناد از حضرت ابیعبده الله علیه الصلوة والسلام نقل شده که امتحان کنید شیعه ما را در نزد اوقات نماز که چگونه است محافظتشان بر آن.

خبر چهارم - از جناب برقی علیه الرحمة در کتاب محاسن از حضرت ابیعبده الله علیه الصلوة والسلام نقل شده که شناخته میشود کسیکه حق را وصف میکند یعنی مدعی دین حق است به سه خصلت اول نظر میشود باصحابش که چه کسانیند، دوم بسوی نمازش که چگونه است و در چه وقتی میخواند، سوم اگر صاحب مال است، نظر میشود که مال خود را در چه راهی خرج و صرف میکند.

خبر پنجم - از جناب صدوق علیه‌الرحمة از حضرت عسکری علیه الصلوة والسلام نقل شده که چون موسی علیه السلام با حق تعالی مکالمه نمود. عرض نمود الهی چیست جزای کسیکه نمازهای خود را در وقتش بخواند؛ فرمود عطا میکنم سؤال او را و مباح میگردانم برای او بهشت خود را.

خبر ششم - از راوندی علیه‌الرحمة در کتاب لب اللباب نقل شده که از حضرت رسول صلی الله علیه وآله سؤال شد از افضل اعمال فرمود نماز در وقت.

تنبيه پنجاه و يكم **در فضیلت نماز در اول وقت** **و در آن چند حدیث است**

حدیث اول - از جناب محمد بن الحسن علیه‌الرحمة از حضرت ابی‌عبدالله علیه السلام نقل شده که برای هر نماز دو وقت است و اول وقت افضل است و سزاوار نیست تاخیر نماز عمداً و لکن آخر وقت برای کسی است که شغلی داشته باشد یا فراموش کند یا سهو نماید یا خواب باشد و نیست برای احدی که آخر وقت را وقت قرار دهد برای نماز مگر بواسطه عذر یا علتی.

حدیث دوم - از جناب محمد بن الحسن علیه‌الرحمة از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که هیچ نمازی نیست که وقت آن حاضر شود مگر آنکه ملکی از محضر حق تعالی ندا کند ای مردم برخیزید بسوی آتشی که بر پشت خود روشن نموده اید پس خاموش کنید آنرا بنماز.

حدیث سوم - از جناب محمد بن یعقوب ره از حضرت ابی‌عبدالله علیه السلام نقل شده که هر آینه فضیلت وقت اول بر وقت اخیر، بهتر است برای مرد از فرزند و مال او.

حدیث چهارم - از محمد بن یعقوب ره از حضرت ابی‌عبدالله علیه السلام نقل شده که فضل وقت اول بر آخر، مثل فضل آخرتست بر دنیا.

حدیث پنجم - از محمد بن علی بن الحسین ره از حضرت صادق علیه السلام نقل شده که اول وقت خوشنودی خدا است و آخر آن عفو خدا است و عفو نمیشد مگر از گناه.

حدیث ششم - از ابی جعفر الطوسی ره در کتاب نوادر المصنف از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده و تیکه زوال شمس میشود درهای آسمان و درهای بهشت باز میشود و دعا مستجاب میگردد، پس خوشا حال کسیکه بالا رود در آن موقع عمل صالحی از او.

تنبیه پنجاه و دوم **در مدح نظافت و پاکیزگی** **و در آن چند حدیث است**

حدیث اول - از جناب حسن بن محمد طوسی علیهم الرحمة از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام نقل شده که خدا دوست دارد جمال و تجمل را و دشمن است بؤس و تباؤس را، چه آنکه خدا هرگاه ببندد نعمتی عطا فرماید دوست دارد که اثر آن را بر او ببیند. عرض کردند چگونه است آن، فرمود جامه خود را نظیف نگاه دارد و بوی خود را نیکو کند و خانه خود را به گچ اندود کند و در خانه خود را جاروب نماید حتی آنکه روشن نمودن چراغ پیش از غروب فقر را برطرف میکند و روزی را زیاد مینماید.

حدیث دوم - از علاقه کراچکی رحمه الله در کتاب کنز الفوائد نقل شده که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وادار میفرمود امت خود را بر نظافت و امر مینمود آنها را بان و از فرمایشات آنحضرت که در این باب حفظ شده قول آن حضرت است که خدا دشمن میدارد مرد قاذوره را یعنی کثیف و چرکین را.

حدیث سوم - از کتاب عوالی اللئالی از ابی الاحوص نقل شده که خدمت حضرت رسول صلی الله علیه وآله رسید در حالتیکه نظیف و پاکیزه نبود حضرت باو فرمود آیا مال و ثروت داری عرض کرد خدا از همه جور مال بمن عطا فرموده پس حضرت فرمود که خدای عزوجل هرگاه انعام فرماید بر بنده ای دوست دارد که اثر آن بر او دیده شود.

حدیث چهارم - از جناب محمد بن یعقوب علیه الرحمة از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل شده که لباس بیوش و خود را نیکو بدار، چه آنکه خدا جمیل است جمال را دوست دارد و بایستی آن از حلال باشد.

حدیث پنجم - از جناب محمد بن یعقوب علیه الرحمة از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل شده که هرگاه خدا نعمتی ببندد خود عطا فرماید، پس آن نعمت بر او ظاهر شود نامیده شود حبیب خدا و حدیث کننده به نعمت خدا و چون انعام فرماید بر بنده بنعمتی پس آن نعمت ظاهر نشود بر او نامیده شود مبعوض خدا و تکذیب کننده بنعمت خدا.

حدیث ششم - از جناب محمد بن یعقوب علیه الرحمة از حضرت ابی عبدالله علیه الصلوة والسلام نقل شده که من هرآینه کراحت دارم برای مرد که از خدا بر او نعمتی باشد پس ظاهر نکند آن نعمت را.

حدیث هفتم - از کتاب دعائم الاسلام از حضرت ابی عبدالله علیه الصلوة والسلام نقل شده که پاکیزگی جامه، ذلیل میکند دشمن را و شستن جامه، حزن و هم را برطرف میکند.

حدیث هشتم - از کتاب دعائم از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که کسیکه جامه میگیرد باید آنرا نظیف و پاکیزه نگاه دارد.

حدیث نهم - از کتاب دعائم الاسلام از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام نقل شده که مستحب است برای کسیکه خدا با او وسعت میدهد اینکه اثر آن بر او ظاهر شود.

تنبیه پنجاه و سوم

در فضیلت انگشتر بدست نمودن

و در آن چند حدیث است

حدیث اول - از جناب محمد بن علی بن الحسین علیهم الرحمة از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که بحضرت علی علیه الصلوة والسلام فرموده یا علی انگشتر را در دست راست کن که آن فضیلتی است از خدای عزوجل برای مقربین؛ عرض نمود چه انگشتری در دست کنم فرمود انگشتر عقیق سرخ زیرا که عقیق سرخ اول کوهی است که اقرار نموده برای خدا بر بوییت و برای من بنبوت و برای تو بوصایت و برای فرزندان تو بامامت و برای شیعه تو بهیشت و برای دشمنان تو به آتش.

حدیث دوم - از جناب محمد بن علی بن الحسین علیهم الرحمة از حضرت ابی الحسن موسی علیه الصلوة والسلام نقل شده که شیعه ما شناخته میشود بچند چیز انگشتر بدست راست کردن و محافظت بر اوقات نماز و دادن زکوة و مواسات با برادران دینی و امر بمعروف و نهی از منکر.

حدیث سوم - از جناب حسن بن محمد طوسی علیه الرحمة در کتاب امالی از حضرت ابیجعفر علیه الصلوة والسلام نقل شده که کسیکه از شیعه آل محمد ص انگشتر عقیق چه سرخ و چه زرد و چه سفید در دست کند نبیند مگر خیر و خوبی و وسعت رزق و سلامتی از جمیع انواع بلاء و آن امانست از سلطان جائر و از هرچه انسان میترسد و حذر میکند از آن.

حدیث چهارم - از جناب حسن بن فضل طبرسی علیه الرحمة در کتاب مکارم الاخلاق از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام نقل شده که خدا دوست دارد بلند شود بسوی او در دعا دستی که در آن نگین عقیق باشد و عجب است تمام عجب از دستیکه در آن انگشتر

عقیق باشد چگونه از درهم و دینار خالی میماند و انگشتر عقیق امان است از هر بلائی و امانست از فقر.

تنبيه پنجاه و چهارم

در بیان بعضی از مکروهات

و در آن چند روایت است

روایت اول - از جناب شیخ ابراهیم کفعمی علیه الرحمة نقل شده که مردی خدمت حضرت رسول صلی الله علیه وآله آمد شرفیاب شده عرض نمود که من غنی بودم پس محتاج شدم و صحیح بودم مریض شدم و در نزد مردم مقبول بودم پس مبعوض گردیدم و بر دل‌های مردم سبک بودم پس سنگین شدم و خوشنود بودم هم و غمها بر من گرد آمده زمین بدین وسعت بر من تنگ شده تمام روز این در و آن در میزنم برای طلب روزی پس نمیابم چیزی را که قوت خود سازم کانه اسم من از دیوان روزی خوران محو شده؛ پس حضرت بدو فرمود شاید که آنچه مورث هم و غم میشود بجا میآوری عرض نمود چیست آنچه موجب هم و غم میشود؛ فرمود شاید نشسته عمامه میگذاری بسر یا شلوار ایستاده بپا میکنی یا ناخنهای خود را به دندان میگیری یا روی خود را بدامن جامه ات خشک میکنی یا در آب ایستاده بول میکنی یا بروی میخوابی الخبر.

روایت دوم - از جناب محمد بن علی بن الحسین یعنی ابن بابویه علیهم الرحمة در کتاب خصال از حضرت ابی عبدالله علیه الصلوة والسلام نقل شده که حضرت امیر علیه الصلوة والسلام یک بار مغموم شدند فرمودند این غم و اندوه از کجا آمد و حال آنکه من نمیدانم بر چهارچوب دری نشسته باشم یا اینکه از بین گوسفندان عبور کرده باشم و نه شلوار ایستاده پا کرده باشم و نه دست و صورت خود را بدامن جامه ام خشک کرده باشم.

روایت سوم - از جناب محمد بن ادریس قدس سره در آخر کتاب سرائر نقلاً از کتاب جامع احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی از ائمه علیهم السلام نقل شده کسیکه ایستاده شلوار بپوشد تا سه روز حاجتش برآورده نشود.

تنبیه پنجاه و پنجم

در فضیلت خواندن نماز در مسجد و مذمت ترک آن

و در آن چند حدیث است

حدیث اول - از جناب محمد بن حسن علیهماالرحمة در کتاب مجالس و اخبار از حضرت ابی عبدالله علیه الصلوة والسلام نقل شده که شکایت نمود مساجد بسوی خدای تعالی از کسانیکه حاضر نمیشوند از همسایگان آن پس وحی فرمود خدا بسوی آنها که بعزت و جلال خودم سوگند که قبول نخواهم نمود از آنها یک نمازی را و ظاهر نمیگردانم برای آنها در میان مردم عدالتی را و نخواهد رسید ایشان را رحمت من و در جوار من در بهشت جای نخواهند داشت.

حدیث دوم - از کتاب عقاب الاعمال از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده که کسیکه برود بسوی مسجدی از مساجد خدا پس برای او خواهد بود بهر قدمی که برمیدارد تا وقتیکه برگردد بمنزل خود ده حسنه و محو شود از او ده گناه و بلند شود برای او ده درجه.

حدیث سوم - از جناب قطب راوندی علیهالرحمة در کتاب لب اللباب از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده که کسیکه خدا را دوست دارد بایستی مرا نیز دوست داشته باشد و کسیکه مرا دوست داشته باشد، پس باید عترت مرا دوست بدارد من از میان شما میروم و دو چیز سنگین و بزرگ میان شما میگذارم کتاب خدا و عترت خودم را و کسیکه عترت را دوست بدارد باید قرآن را نیز دوست داشته باشد و کسیکه قرآن را دوست داشته باشد باید مساجد را دوست بدارد چه آنکه مساجد خانه‌های خدا است که اذن داده در رفع آنها و برکت قرار داده در آنها، مساجد و اهل آنها با میمنت و مزین و محفوظند اهل مسجد در نمازند و خدا در حوائج آنها است ایشان در مساجد خدا میباشند و خدا از وراء آنها.

حدیث چهارم - از جناب سید رضی قدس سره در کتاب مجازاة النبویة از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده که برای مساجد میخهائی هست که ملائکه همنشینان ایشان باشند چون از مسجد غائب شوند از آنها خبرگیری نمایند و اگر مریض شوند عیادت کنند از ایشان و اگر بی حاجتی روند کمک کنند ایشان را.

حدیث پنجم - از جناب صدوق علیه الرحمة در کتاب علل از حضرت علی علیه الصلوة والسلام نقل شده که خدای عزوجل بسا هست که اراده میفرماید عذاب اهل زمین را جمیعاً بواسطه معصیت و نافرمانی ایشان پس چون نظر فرماید بسوی پیران که بسوی نماز میروند و بچه‌ها که مشغول یادگرفتن قرآن هستند رحم میفرماید بر اهل زمین و عذاب را از ایشان به تأخیر میاندازد.

حدیث ششم - از جناب قطب راوندی علیه الرحمة در کتاب لب اللباب نقل شده که حضرت رسول صلی الله علیه وآله از جناب جبرئیل علیه السلام سؤال نمودند از احب بقعه‌ها بسوی خدا و ابغض آنها بسوی خدا، جبرئیل عرض نمود دوست ترین بقعه‌ها بسوی خدا مسجدها میباشد و مبغوض ترین بقعه‌ها بسوی خدا بازارها است.

حدیث هفتم - از جناب قطب راوندی علیه الرحمة در کتاب لب اللباب از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده که مساجد، مجالس انبیاء علیهم الصلوة والسلام میباشد و نیز از آن حضرت علیه وآله السلام نقل شده که هیچ روزی نیست مگر آنکه ملکی در قبرستان ندا میکند که به که غبطه میبیرید پس مردگان میگویند به اهل مساجد که نماز میخوانند و ما نمیتوانیم بخوانیم، روزه میگیرند و ما قادر نیستیم بر آن.

حدیث هشتم - از کتاب جامع الاخبار از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده که اجابت مؤذن کفاره گناهان است و رفتن بسوی مسجد طاعت خدا و طاعت رسول او است و کسیکه اطاعت کند خدا و رسول خدا را، خدا او را با صدیقین و شهداء وارد بهشت

خواهد نمود و در بهشت رفیق حضرت داود علیه السلام خواهد بود مثل ثواب داود علیه السلام.

حدیث نهم - از کتاب دعائم الاسلام از حضرت علی علیه الصلوة والسلام نقل شده که نمازی نیست برای همسایه مسجد مگر در مسجد مگر آنکه برای او عذری باشد یا باو علتی باشد عرض نمودند همسایه مسجد کیست فرمود کسیکه ندای مؤذن را بشنود.

حدیث دهم - از جناب ابن بابویه علیه الرحمة در کتاب خصال از حضرت علی علیه الصلوة والسلام نقل شده که حریم مسجد چهل ذراع است و همسایه مسجد از هر طرفی تا چهل خانه.

حدیث یازدهم - از جناب ابن ابی جمهور علیه الرحمة در کتاب درر اللئالی از خدای تعالی نقل شده که دوست ترین بقعهها بسوی من مساجد است و دوست ترین اهل آن کسی میباشد که از همه زودتر داخل شود و از همه دیرتر خارج.

حدیث دوازدهم - از کتاب جامع الاخبار از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده که چون بنده وقتیکه داخل مسجد میشود بگوید اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، شیطان میگوید اوه این شخص پشت مرا شکست و خدا مینویسد برای او باین کلمه عبادت یکسال و چون بیرون میاید بگوید مثل آن را مینویسد خدا برای او به هر موئی که بر بدن او هست صد حسنه و بلند فرماید برای او صد درجه.

تنبيه پنجاه و ششم

در بیان بعضی از چیزهائیکه سعادت و نیکبختی در آنست و در آن چند روایت است

روایت اول - از کتاب جعفریات از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده که از سعادت مرد مسلم است زوجه صالحه و مسکن با وسعت و مرکب راه وار و فرزند صالح.

روایت دوم - از جناب حسین بن سعید علیهماالرحمة در کتاب زهد نقل شده که از حضرت ابی الحسن علیه السلام سؤال نمودند از بهترین عیش دنیا؛ فرمود سعه منزل و بسیاری دوستان.

روایت سوم - از جناب محمد بن یعقوب علیهماالرحمة از حضرت ابی عبدالله علیه الصلوة والسلام نقل شده که سه چیز است که راحتی مؤمن در آنست خانه وسیع که اگر در زندگانی او عیب و نقصی باشد از مردم پوشیده ماند و زن خوب که او را کمک نماید بر امر دنیا و آخرت و دختر یا خواهر که او را از خانه بیرون نماید یا بمرگ یا بتزویج.

روایت چهارم - از کتاب خصال از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده که از سعادت مسلمان است سعه مسکن و همسایه خوب و مرکب راه وار.

روایت پنجم - از جناب محمد بن یعقوب علیهماالرحمة از حضرت ابی عبدالله علیه الصلوة والسلام نقل شده که ارتفاع خانه را بیشتر از هفت ذراع قرار مده که مسکن شیاطین خواهد شد چه آنکه شیاطین نه در آسمانند و نه در زمین بلکه مسکن شان در هوا است.

روایت ششم - از جناب احمد بن محمد برقی علیهالرحمة در کتاب محاسن از حضرت ابیعبده الله علیه الصلوة والسلام نقل شده که چون شخص ارتفاع و بلندی خانه را از هشت ذراع بیشتر کند ندا کرده شود ای افسق الفاسقین کجا میخواهی بروی.

تنبيه پنجاه و هفتم

در بیان بعضی از آداب و رسوم و در آن چند خبر است

خبر اول - از جناب محمد بن یعقوب علیهما الرحمة از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که کسیکه بر پشت بام غیر محجر بخوابد پس مکروهی بدو رسد ملامت نکند مگر خود را.

خبر دوم - از جناب محمد بن یعقوب علیه الرحمة از حضرت ابیجعفر علیهما الصلوة والسلام نقل شده که جاروب کردن خانه فقر را برطرف میکند.

خبر سوم - از جناب ابن بابویه علیه الرحمة در کتاب خصال از حضرت ابیعبده الله علیه الصلوة والسلام نقل شده که شستن ظرف و جاروب کردن در خانه، جلب میکند روزی را.

خبر چهارم - از جناب محمد بن یعقوب علیه الرحمة از حضرت رضا علیه الصلوة والسلام نقل شده که روشن کردن چراغ پیش از غروب آفتاب فقر را برطرف میکند.

خبر پنجم - از جعفریات از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده که برای هر چیزی انفی است و انف معروف تعجیل در روشن کردن چراغ است کنایه از مهم بودن آنست.

خبر ششم - از جعفریات از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده که نهی فرموده از اینکه شخص داخل خانه تاریک شود بدون چراغ.

خبر هفتم - از جناب محمد بن یعقوب علیه الرحمة از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده که خانه شیاطین در خانه شما خانه عنکبوت است.

خبر هشتم - از جناب عبدالله بن جعفر علیهما الرحمة در کتاب قرب الاسناد از حضرت علی علیه الصلوة والسلام نقل شده که تنظیف کنید خانه‌های خود را از تار عنکبوت زیرا که گذاردن آن در خانه، مورت فقر میشود.

خبر نهم - از جامع الاخبار از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده که بیست خصلت را موجب فقر و پریشانی دانسته اند من جمله وا گذاشتن خانه عنکبوت.

خبر دهم - از جناب سبط طبرسی رحمه الله در کتاب مشکوة الانوار از حضرت علی علیه الصلوة والسلام نقل شده که وا گذاشتن تار عنکبوت در خانه و با جنابت چیز خوردن و ایستاده شانه نمودن و قسم دروغ و زنا و اظهار حرص و عادت نمودن به دروغ و بسیار گوش دادن بغنا و قطع رحم فقر میآورد.

خبر یازدهم - از جناب محمد بن یعقوب علیه الرحمة از حضرت ابیجعفر علیهما الصلوة والسلام نقل شده که چون از خانه بیرون میآید میفرمود بسم الله خرجت و علی الله توکلت لا حول و لا قوة الا بالله.

خبر دوازدهم - از جناب ابن بابویه علیه الرحمة در کتاب ثواب الاعمال از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده کسیکه بگوید هنگام بیرون آمدن از خانه بسم الله دو ملکی که با او هستند میگویند هدایت شدی پس اگر بگوید لا حول و لا قوة الا بالله گویند نگاه داشته شدی چون بگوید توکلت علی الله خواهند گفت کفایت کرده شدی پس شیطان گوید چگونه من میتوانم گمراه کنم بنده ای را که هدایت کرده شده و نگاه داشته شده و کفایت کرده شده.

خبر سیزدهم - از جناب ابن بابویه علیه الرحمة در کتاب علل از حضرت علی علیه الصلوة والسلام نقل شده که چون شخص به در حجره خود میرسد، پس باید بسم الله بگوید

زیرا که شیطان فرار میکند و هرگاه داخل خانه خود شود بسم الله بگوید تا که ملائکه مونس او باشند و برکت در آن خانه نازل شود.

خبر چهاردهم - از جناب قطب راوندی علیه الرحمة در کتاب لب اللباب از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده کسیکه قرائت نماید سوره مبارکه قل هو الله احد را هنگامیکه داخل خانه خود میشود فقر از او برطرف شود.

خبر پانزدهم - از جناب ابن بابویه علیه الرحمة در کتاب خصال از حضرت علی علیه الصلوة والسلام نقل شده که چون شخص داخل خانه خود شود، پس سلام کند بر اهل خانه بگوید السلام علیکم و اگر کسی در منزل نباشد بگوید السلام علینا من ربنا و سوره قل هو الله احد بخواند که فقر را برطرف مینماید.

خبر شانزدهم - از کتاب لب اللباب نقل شده که روایت شده کسیکه داخل خانه شود پس بگوید بسم الله شیطان گوید این خانه دیگر جای من نیست.

تنبيه پنجاه و هشتم

در بیان بعضی از مکروهات و در آن چند روایت است

روایت اول - از جناب محمد بن علی بن الحسین یعنی ابن بابویه علیهم الرحمة از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده که خدا لعنت فرموده سه کس را. اول کسیکه در سفر زاد خود را تنها بخورد. دوم آنکس که در بیابان سواره تنها برود. سوم کسیکه در خانه تنها بخوابد.

روایت دوم - از جناب ابن بابویه رحمه الله از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که سه چیز است که ترس جنون از آنها هست یکی غایط کردن بین قبرها، دیگر راه رفتن با یک لنگه کفش، سوم خوابیدن مرد تنها.

روایت سوم - از جناب محمد بن یعقوب علیه الرحمة از حضرت ابی جعفر علیهما الصلوة والسلام نقل شده کسیکه غایط کند بر قبری یا ایستاده بول کند یا در آب ایستاده بول کند یا در یک لنگه کفش راه برود یا ایستاده آب بیاشامد یا در خانه تنها باشد یا با دست و دهان آلوده به غذا بخوابد، پس از ناحیه شیطان چیزی به او برسد خلاصی از آن نیابد مگر خدا خواهد و زودتر وقتیکه شیطان بر انسان دست میابد، وقتی است که انسان در بعضی از این حالات باشد.

روایت چهارم - از جناب محمد بن یعقوب علیهما الرحمة از حضرت ابی جعفر علیهما الصلوة والسلام نقل شده که چون انسان تنها باشد شیطان از همه وقت بر او جری تر است.

روایت پنجم - از جناب محمد بن یعقوب علیهما الرحمة از حضرت ابی عبدالله علیه الصلوة والسلام نقل شده که من کراهت دارم از اینکه مرد در خانه تنها شب را به روز آورد و اگر لابد شود باکی نیست لکن هرچه میتواند بسیار ذکر خدا گوید.

تنبيه پنجاه و نهم

در بیان آداب خانه ساختن

و در آن چند روایت است

روایت اول - از جناب شیخ ورام ابی فراس رحمه الله در کتاب تنبيه الخاطر نقل شده که مردی بحضرت امام حسین علیه الصلوة والسلام عرض نمود من خانه‌ای ساخته ام دوست دارم که شما به خانه من تشریف آورده دعا بفرمائید پس حضرت داخل خانه آن مرد شده نظری بسوی خانه نمود پس فرمود خانه خودت را خراب نموده ای و خانه غیر را آباد در نزد اهل زمین عزیز و در نزد اهل آسمان ممقوت گشته ای.

روایت دوم - از جناب شیخ ورام در تنبيه الخاطر نقل شده که حضرت امام حسین علیه السلام بخانه بعضی از مهالبه عبور نموده فرمود این مرد گل را بلند نموده و دین را وضع.

روایت سوم - از جناب شیخ ورام در تنبيه الخاطر از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که هر بنائی بر صاحبش وبال است مگر آنچه را که لابد است از آن.

روایت چهارم - از شیخ ابراهیم کفعمی رحمه الله از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده که چون خدا ببنده اراده سوء داشته باشد نابود میفرماید مال او را در آب و گل.

روایت پنجم - در کتاب شریف مستدرک از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که هرگاه اراده فرماید خدا ببنده هوان و خاری را، انفاق میکند آن بنده مال خود را در ساختمان.

روایت ششم - از جناب ابن بابویه علیه الرحمة در کتاب عقاب الاعمال از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده که کسیکه بنائی را بنا کند برای آنکه مردم ببینند یا بشنوند، خداوند عالم آن بنا را از هفتم طبقه زمین در حالتیکه آتشی باشد شعله ور، طوق فرماید در گردن صاحبش و انداخته شود در آتش جهنم و نگاه ندارد او را هیچ چیز تا برسد بقعر

جهنم مگر آنکه توبه کند عرض شد یارسول الله ص چگونه بنا نماید ریاء و سمعة، فرمود بنا کند زاید بر قدر حاجت بواسطه استطاله و تفوق بر همسایگان و مباحثات برای برادران.

روایت هفتم - از جناب ابن بابویه علیه الرحمة از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام نقل شده که برای خدای تبارک و تعالی بقعه‌هایی است که نامیده شده بمنتقمه یعنی انتقام کشنده. پس چون خدا مالی ببنده عطا فرماید و آن بنده حق خدا را از آن مال بیرون نکند، خدا یک بقعه از آن بقعه‌ها را بر او مسلط فرماید تا آن مال را در آن بقعه تلف نموده خود بمیرد و آن بقعه را بگذارد.

روایت هشتم - از جناب ابن بابویه علیه الرحمة در کتاب خصال از حضرت ابی عبدالله علیه الصلوة والسلام نقل شده کسیکه مالی را از غیر حلال کسب نماید خدا مسلط فرماید بر او بنا و آب و گل را.

روایت نهم - از جناب ابن بابویه علیه الرحمة در کتاب عقاب الاعمال از حضرت نبی صلی الله علیه و آله نقل شده کسیکه بنا کند بنائی را، ریاء و سمعة آن بنا در قیامت تا هفتم طبقه زمین آتش شده و در گردن صاحبش طوق گردیده، در آتش افکنده شود عرض شد یارسول الله صلی الله علیه و آله چگونه ریاء و سمعة بنا میشود فرمود بنا کند زیاده از قدر کفایت پا برای خاطر مباحثات.

تنبيه ششم

در فضیلت اذان اعلان و اذان و اقامه برای نماز

و در آن چند حدیث است

حدیث اول - از جناب ابن بابویه علیهما الرحمة از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده که چون مؤذن گوید اشهد ان لا اله الا الله صلوات میفرستند بر او هفتاد هزار ملک و استغفار میکنند برای او و در قیامت در سایه عرش جای خواهد داشت تا آن وقت که خدا از حساب خلایق فارغ گردد و مینویسد ثواب قول او اشهد ان محمداً رسول الله (ص) را چهل هزار ملک.

حدیث دوم - از کتاب امالی از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده که مؤذنون از امت من با نبیین و صدیقیین و شهدا و صالحین محشور خواهند شد.

حدیث سوم - از کتاب عقاب الاعمال از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده که چون مؤذن بگوید اشهد ان لا اله الا الله در میان میگیرند او را چهل هزار هزار ملک که تمام آنها صلوات میفرستند بر او و طلب مغفرت میکنند برای او و در قیامت در سایه رحمت خدا باشد تا خدا فارغ گردد.

حدیث چهارم - از جناب محمد بن علی بن الحسین یعنی ابن بابویه علیهم الرحمة از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده کسیکه اذان بگوید برای یک نماز در راه خدا ایماناً و احتساباً و تقرباً الی الله عزوجل بیامزد خدا برای او گناه گذشته او را و منت بگذارد بر او بعصمت در مابقی عمرش و جمع فرماید بین او و بین شهیدان در بهشت اه.

حدیث پنجم - از کتاب دعائم الاسلام از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده که مردم را تحریص و ترغیب فرمود بر اذان و فضائل چندی از اذان برای ایشان بیان فرمود پس بعضی از حاضرین عرض کردند یا رسول الله هرآینه بتحقیق که ما را رغبت دادی در

اذان بجوریکه میترسیم امت شما بر سر اذان با یکدیگر با شمشیرها زد و خورد کنند پس فرمود آگاه باشید که اذان گفتن از ضعیفان شما تجاوز نخواهد کرد.

حدیث ششم - از جناب شیخ طوسی اعلی الله مقامه در کتاب مبسوط از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده که اگر مردم بدانند آنچه را که در اذان و صف اول جماعت هست و بواسطه مزاحمت با یکدیگر راهی برای درک این فیض نیابند مگر قرعه، هرآینه این کار را بکنند.

حدیث هفتم - از جناب شیخ ابی الفتوح رازی علیه الرحمة در تفسیر خود از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که سه مرتبه فرمود اللهم اغفر للمؤمنین جابرعرض نمود یارسول الله ما با وجود آنکه برای اذان شمشیر میزنیم این دعا درباره ما نمیفرمائی. پس فرمود ای جابر بدانکه زود است که زمانی بیاید بر مردم که اذان را بگردن ضعیفان بیاندازند و اینکه گوشت‌هایی هست که بر آتش حرامست و آن گوشتها، گوشت‌های اذان گویان است.

تنبيه شصت و يكم

در فضیلت اذان و اقامه برای نماز یومیه

و در آن چند خبر است

خبر اول - از جناب ابن ابی جمهور علیه الرحمة در کتاب درر اللئالی از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده که نوشته میشود برای مؤذن در نزد اذانش صدوچهل حسنه و در نزد اقامه صدویست حسنه.

خبر دوم - از کتاب دعائم الاسلام از حضرت جعفر بن محمد علیهما الصلوة والسلام نقل شده کسیکه برای نماز اذان و اقامه بگوید نماز میخواند پشت سر او دو صف از ملائکه و اگر اقامه بگوید و اذان نگوید یک صف پشت سرش نماز بخوانند.

خبر سوم - از جناب ابن بابویه علیه الرحمة نقل شده که در روایت است که کسیکه نماز بخواند با اذان و اقامه، نماز خواهد خواند پشت سر او دو صف از ملائکه و کسیکه نماز بخواند با اقامه بدون اذان نماز خواهد خواند پشت سر او یکصف و اندازه صف مابین مشرق و مغرب است.

خبر چهارم - از جناب ابن بابویه علیه الرحمة در کتاب ثواب الاعمال از حضرت ابیعبداالله علیه الصلوة والسلام نقل شده کسیکه با اذان و اقامه نماز بخواند دو صف از ملائکه پشت سر او نماز بخوانند و کسیکه با اقامه تنها نماز بخواند یک صف پشت سر او نماز بخوانند. راوی عرض نموده هر صفی چه اندازه است؛ حضرت فرمود اقل ما بین مغرب و مشرق و اکثر آن ما بین آسمان و زمین.

تنبیه شصت و دوم

در بیان اقسام حاملین و قارئین قرآن مجید

و در آن چند خبر است

خبر اول - از جناب ابن بابویه علیه‌الرحمة در کتاب خصال از حضرت ابی‌عبدالله علیه الصلوة والسلام نقل شده که قاریان قرآن سه طائفه اند. اول کسانی که قرآن را برای استفاده از ملوک و صاحبان ثروت و برتری جستن بر مردم میخوانند و این قاری قرآن از اهل آتش است. دوم کسانی که قرآن میخوانند حروف آن را حفظ و حدود و احکام آنرا ضایع میکنند پس اینجور قاری نیز از اهل آتش است. سوم کسانی که قرآن میخوانند و بواسطه انس بقرآن از خلق کنار رود و بمحکم قرآن عمل کند و بمتشابه آن ایمان آورد و بفرائض آن رفتار نماید و حلال آن را حلال و حرام آنرا حرام شمارد پس اینجور قاری قرآن را، خدا از فتنه‌های گمراه کننده نجات بخشد و از اهل بهشت باشد و شفاعت کند درباره هرکه بخواهد.

خبر دوم - از جناب محمد بن یعقوب علیهماالرحمة از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده که بصدای بلند ندا فرمود ای حامل قرآن بقرآن تواضع و فروتنی کن تا خدا بلندت کند و بقرآن عزت بخرج مده که خدا ذلیلت گرداند و خود را برای خدا بقرآن زینت ده تا که خدا زینتت دهد و برای مردم خود را بقرآن زینت مده که خدا زشتت گرداند. کسیکه ختم کند قرآن را، گویا که پیغمبری بینه دو پهلوی او درج شده بدون آنکه وحی شود بسوی او.

خبر سوم - از جناب ابن بابویه علیهماالرحمة از حضرت ابی‌عبدالله علیه الصلوة والسلام از آباء گرامیش نقل شده کسیکه خواندن قرآن را وسیله معاش خود قرار دهد بیاید در روز قیامت در حالتیکه رویش استخوانی باشد که گوشت در او نباشد.

خبر چهارم - از جناب ابن بابویه علیه الرحمة از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده که کسیکه یاد بگیرد قرآن را پس عمل ننماید به آن و اختیار کند حب دنیا و زینت آن را مستوجب سخط خدا گردیده و در درجه با یهود و نصاری که کتاب خدا را پشت سر انداختند باشد و کسیکه بخواند قرآن را و اراده داشته باشد به آن سمعه و طلب دنیا را، ملاقات خواهد نمود خدا را روز قیامت در حالتیکه روی او استخوانی باشد که گوشتی بر او نباشد و قرآن پشت سر او بیافتد تا او را داخل آتش گرداند و فرو رود در آتش با کسانیکه فرو میروند و کسیکه بخواند قرآن را و عمل نکند به آن، محشور فرماید او را خدا روز قیامت نابینا پس بگوید پروردگارا چرا مرا نابینا محشور گردانیدی و حال آنکه در دنیا بینا بودم خدا فرماید آیات ما آمد ترا، پس فراموش نمودی آن را ما هم امروز تو را فراموش نمودیم. پس امر شود که او را بدوزخ اندازند و کسیکه قرائت کند قرآن را برای خدا و برای آنکه در دین فقیه و با بصیرت شود خواهد بود برای او از ثواب مثل جمیع آنچه عطا کرده شده اند ملائکه و انبیاء و مرسلون و کسیکه یاد گیرد قرآن را و اراده داشته باشد ریا و سمعه را برای اینکه با سفیهان مجادله کند و با علما مباحث نماید و به آن طلب دنیا کند خدا روز قیامت استخوانهای او را درهم بشکند و نباشد در آتش کسیکه عذابش از او شدیدتر باشد و هیچ نوعی از انواع عذاب نباشد مگر آنکه عذاب کرده شود به آن بواسطه شدت غضب و سخط خدا بر او و کسیکه یاد گیرد قرآن را و تواضع نماید در علم و یاد دهد بندگان خدا را و اراده داشته باشد به آن آنچه را که نزد خدا میباشد از ثواب، نخواهد بود در بهشت کسیکه ثوابش بزرگتر و مقام و منزلتش عظیم تر باشد از او و نباشد در بهشت منزله و درجه رفیعه و نفیسه‌ای مگر آنکه برای او باشد در آن منزله و درجه نصیب وافرتر و شریف‌تر.

خبر پنجم - از جناب محمد بن یعقوب علیهما الرحمة از حضرت ابی جعفر علیهما الصلوة والسلام نقل شده که قاریان قرآن سه طائفه میباشند. اول کسیکه قرآن بخواند و قرائت قرآن را سرمایه خود قرار داده قلوب پادشاهان و ثروتمندان را بسوی خود توجه دهد و از ایشان استفاده ببرد و بقرائت قرآن استطاله و تفوق جوید بر مردم. دوم کسانی که قرآن میخوانند پس حروف آن را حفظ و حدود و احکام آن را ضایع میکنند پس زیاد نگرداند خدا این جور قاریان را مگر خشم و عذاب. سوم کسی است که قرآن میخواند و آن را وسیله معالجه امراض قلبیه خود قرار میدهد تا آنکه فرمود پس بخدا قسم هرآینه این طور قاریان در قرائت کنندگان قرآن کمیاب تراند از کبریت احمر.

خبر ششم - از جناب محمد بن یعقوب علیه الرحمة در کتاب کنزالفوائد از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که ایمان نیاورده بقرآن کسیکه حلال بشمرد محرمات آن را.

خبر هفتم - از جناب شیخ ابی الفتوح رازی علیه الرحمة در تفسیر خود از حضرت نبی صلی الله علیه وآله از خدای عزوجل نقل شده که ای حاملان قرآن خود را محبوب خدا قرار دهید بواسطه توقیر و تعظیم کتاب او تا آنکه حب خدا مر شما را زیاد گردد و شما را محبوب قرار دهد بسوی خلق خود.

خبر هشتم - از جناب ابن ابی جمهور علیه الرحمة در کتاب درراللتالی از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که تعلیم بگیریید و بخوانید قرآن را و بدانید که قرآن برای بعضی از شما ذکر و ذخیره است و برای بعض دیگر وزر و وبال پس متابعت و پیروی کنید قرآن را و قرآن پیرو شما نباشد زیرا که هر که متابعت کند قرآن را، قرآن او را بیاغهای بهشت رساند و هر که قرآن او را تابع شود او را بدوزخ اندازد.

تنبيه شصت و سوم

در فضیلت قرائت قرآن و ثواب آن

و در آن چند روایت است

روایت اول - از جناب محمد بن یعقوب علیه الرحمة از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده که بجناب علی بن ابیطالب علیهما الصلوة والسلام فرمود و بر تو باد بتلاوت قرآن بر هر حال.

روایت دوم - از کتاب خصال و معانی الاخبار از جناب ابی ذر ره نقل شده که بحضرت رسول صلی الله علیه وآله عرض نموده یارسول الله ص مرا وصیتی فرما حضرت فرمود وصیت میکنم تو را بتقوی زیرا که تقوی سر تمام امور است عرض نمود زیاد فرما مرا فرمود بر تو باد بتلاوت قرآن و بسیار یاد خدا نمودن چه آنکه تلاوت قرآن و ذکر خدا ذکر است برای تو در آسمان و نور است در زمین الحدیث.

روایت سوم - از جناب علی بن ابراهیم علیهما الرحمة در تفسیرش نقل شده از حضرت علی بن الحسین علیهما الصلوة والسلام که بر تو باد بقرآن زیرا که خدا خلق فرموده بهشت را بید قدرت خود یک خشت از طلا و یک خشت از نقره و قرار داده ملاط آنرا از مشک و خاک آنرا از زعفران و سنگ ریزه آن را از لؤلؤ و قرار داده درجات آنرا بعدد آیات قرآن پس کسیکه قرآن بخواند در روز قیامت بدو خواهند گفت قرآن بخوان و بالا رو و کسیکه از قاریان قرآن داخل بهشت شود، کسی غیر از پیغمبران و صدیقان مرتبه اش از او بالاتر نباشد.

روایت چهارم - از جناب شیخ ابی الفتوح رازی علیه الرحمة در تفسیرش از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که کسیکه یک ثلث قرآن را بخواند پس کانه داده شد ثلث نبوت را و کسیکه دو ثلث قرآن را بخواند پس گوئیا دو ثلث نبوت را داده شده و

کسیکه تمام قرآن را بخواند کانه تمام نبوت را داده شده بعد به او گفته خواهد شد در قیامت که قرآن بخوان و به هر آیه یک درجه بالا رو پس قاری قرآن بالا میرود در بهشت به هر آیه یک درجه تا اینکه برسد به آن درجه که در قرآن به آن درجه رسیده.

روایت پنجم - از جناب محمد بن یعقوب علیه الرحمة از حضرت ابی عبدالله علیه الصلوة والسلام نقل شده که چه چیز مانع میشود تاجری را که در بازار مشغول کسب میباشد وقتیکه بمنزل خود میاید نخواست تا یک سوره از قرآن بخواند پس نوشته شود برای او به هر آیه که خواند ده حسنه و محو شود از او ده سیئه.

روایت ششم - از جناب محمد بن یعقوب علیهما الرحمة از حضرت ابیجعفر علیهما الصلوة والسلام نقل شده که کسیکه ایستاده در نماز قرآن بخواند نوشته شود برای او به هر حرفی صد حسنه و کسیکه نشسته در نماز بخواند مینویسد خدا برای او به هر حرفی پنجاه حسنه و کسیکه در غیر نماز بخواند مینویسد خدا برای او به هر حرفی ده حسنه.

روایت هفتم - از جناب احمد بن فهد علیه الرحمة در کتاب عدة الداعی از معصوم علیه السلام نقل شده که برای قاری قرآن باشد به هر حرفی که بخواند در نماز ایستاده صد حسنه و نشسته پنجاه حسنه و با طهارت در غیر نماز بیست و پنج حسنه و بی طهارت ده حسنه.

تنبيه شصت و چهارم

در فضیلت خواندن قرآن در خانه و نتایج آن

و در آن چند خبر است

خبر اول - از جناب محمد بن یعقوب علیهما الرحمة از حضرت امیرالمؤمنین علیه الصلوة والسلام نقل شده خانه ای که در آن قرآن خوانده شود و ذکر خدا گفته شود بسیار میشود برکت آن و حاضر میشوند ملائکه و شیاطین هجرت میکنند و روشنائی میدهد برای اهل آسمان همچنان که روشنائی میدهد ستارگان برای اهل زمین و خانه ای که در آن قرآن خوانده نشود و ذکر خدا گفته نشود برکت آن خانه کم میشود و ملائکه از آن خانه دور شوند و در عوض شیاطین حاضر آیند.

خبر دوم - از جناب محمد بن یعقوب علیه الرحمة از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده که نورانی کنیدی خانه‌های خود را بتلاوت قرآن و آن را بحساب قبور نگذارید همچنانکه همچنانیکه یهود و نصاری نمازهای خود را در بیع و کنایس خواندند و خانه‌های خود را معطل گذاشتند چه آنکه خانه چون بسیار شود تلاوت قرآن در آن بسیار شود خیر آن و اهل آن در سعه واقع گردند. و روشنائی دهد برای اهل آسمان چنانکه ستارگان آسمان روشنائی دهند برای اهل دنیا.

خبر سوم - از جناب احمد بن فهد علیه الرحمة در کتاب عدةالداعی از حضرت رضا علیه الصلوة والسلام از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده که قرار دهید برای خانه‌های خود بهره‌ای از قرآن، زیرا که خانه هرگاه قرآن در آن خوانده شود کارها بر اهل آن خانه آسان شود و خیر آن بسیار شود و سگان آن در زیاده واقع گردند و هرگاه قرآن در آن خوانده نشود اهل آن در مضیقه بیافتند و خیر آن کم شود و سگان آن در نقصان واقع شوند.

خبر چهارم - از جناب شیخ کشی علیه‌الرحمة در کتاب رجال خود از ابی هرون نقل شده که من در خانه حسن بن حسین سکنی داشتم، چون فهمید که من در خدمت حضرت ابی‌جعفر و ابی‌عبدالله علیهما السلام رفت و آمد دارم مرا از خانه خود بیرون کرد وقتی حضرت ابی‌عبدالله علیه السلام گذارش بر من افتاد فرمود یا باهرون شنیده‌ام که این مرد تو را از خانه خود بیرون کرده عرض کردم بلی فرمود بمن خبر رسیده که تو در آن خانه بسیار قرآن میخوانده ای و خانه هرگاه تلاوت شود در آن کتاب خدا برای آن نوری خواهد بود ساطع در آسمان و آن خانه از بین خانه‌ها معروف گردد.

خبر پنجم - از جناب ابن ابی‌جمهور علیه‌الرحمة در کتاب درر اللئالی از حضرت نبی صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل شده که شیاطن داخل نمیشوند خانه ای را که در آن خانه سوره بقره خواند شود و خالی ترین خانه‌ها، خانه‌ایست که در آن از کتاب خدا چیزی نباشد.

خبر ششم - از جناب محمد بن یعقوب علیه‌الرحمة از حضرت باقر یا صادق علیهما الصلوة والسلام نقل شده که مرا بعجب در می‌آورد اینکه در خانه قرآنی باشد که خدای عزوجل بواسطه آن شیاطین را از آن خانه دور فرماید.

تنبيه شصت و پنجم **در فوائد نظر به قرآن مجید** **و در آن چند حدیث است**

حدیث اول - از جناب شیخ جعفر بن احمد قمی علیه‌الرحمة در کتاب غایات از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده که بهترین عبادات خواندن قرآن است از روی قرآن.

حدیث دوم - از جناب محمد بن علی بن شهر آشوب علیهم‌الرحمة در کتاب مناقب از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده که نظر بسوی علی بن ابیطالب عبادت است و نظر بسوی پدر و مادر از روی رأفت و رحمت عبادتست و نظر در قرآن عبادتست و نظر بسوی کعبه عبادتست.

حدیث سوم - از جناب شیخ ابی الفتوح رازی علیه‌الرحمة در تفسیر خود از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده که کسیکه قرآن را از رو بخواند تخفیف میدهد خدای تعالی عذاب را از والدین او و اگرچه مشرک باشند و کسیکه از حفظ بخواند و گمان کند که خدای تعالی او را نیامرزد پس او از کسانی خواهد بود که استهزاء به آیات خدا کرده باشد.

حدیث چهارم - از جناب محمد بن یعقوب از حضرت ابی عبدالله علیه‌الصلوة والسلام نقل شده کسیکه قرآن را از رو بخواند از چشم خود بهره خواهد دید و از پدر و مادرش تخفیف داده خواهد شد و اگرچه کافر باشند.

حدیث پنجم - از جناب محمد بن یعقوب ره از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده هیچ چیز سخت تر بر شیطان نیست از خواندن قرآن از رو.

تنبیه شصت و ششم

در فضل بسم الله

و در آن چند خبر است

خبر اول - از جناب ابن بابویه علیه الرحمة از حضرت رضا علیه الصلوة والسلام نقل شده که بسم الله الرحمن الرحيم نزدیک تر است به اسم اعظم خدا از سیاهی چشم بسفیدی آن.

خبر دوم - از جناب عیاشی علیه الرحمة از حضرت ابی جعفر علیهما الصلوة والسلام نقل شده که یک دسته از مردم سرقت نمودند گرامیترین آیه از قرآن را که بسم الله الرحمن الرحيم باشد.

خبر سوم - از کتاب جامع الاخبار از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده که کسی که میخواهد خدا او را از زبانه‌های نوزده‌گانه دوزخ نجاتش دهد پس باید بخواند بسم الله الرحمن الرحيم را چه آنکه آن نوزده حرف است تا خدا قرار دهد هر حرفی از آن را از یکی از زبانه‌ها.

خبر چهارم - از کتاب جامع الاخبار از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده کسیکه قرائت کند بسم الله الرحمن الرحيم مینویسد خدا برای او به هر حرفی چهار هزار حسنه و محو میفرماید از او چهار هزار سیئه و بلند فرماید برای او چهار هزار درجه.

خبر پنجم - از کتاب جامع الاخبار از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده که چون مؤمن بخواهد از صراط بگذرد میگوید بسم الله الرحمن الرحيم و ببرکت این کلمه شعله آتش خاموش گردد و آتش گوید بگذرد ای مؤمن که نور تو خاموش کرد شعله مرا.

خبر ششم - از کتاب جامع الاخبار از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده که چون معلم به بچه گوید بگو بسم الله الرحمن الرحیم پس بچه بگوید بسم الله الرحمن الرحیم مینویسد خدا برائتی برای بچه و پدر و مادر او و برائتی برای معلم.

خبر هفتم - از جناب قطب راوندی علیه الرحمة در کتاب لب اللباب نقل شده که خدا وحی فرمود بسوی عیسی علیه السلام اینکه بسیار بگو بسم الله و افتتاح امورت به آن باشد یعنی در نزد شروع هر کاری بسم الله بگو.

خبر هشتم - از همان جناب در همان کتاب نقل شده که جناب لقمان علیه الصلوة والسلام یک رقعه ای دید که در آن بسم الله بود پس برداشت آن را و خورد پس گرامی داشت او را خدا بحکمت.

تنبيه شخصت و هفتم

در فضیلت بسیار سجده نمودن و طول دادن آن و در آن چند حدیث است

حدیث اول - از کتاب عاصم بن حمید از سعید بن یسار علیهم الرحمة نقل شده که حضرت ابی عبدالله علیه الصلوة والسلام عرض نمود آیا دعا بکنم در حال رکوع و سجود فرمود بلی دعا کن در حال سجده زیرا که نزدیک ترین حالات بنده بخدا، حال سجده است. بخوان خدای عزوجل را برای دنیا و آخرت.

حدیث دوم - از کتاب شریف مجار از حضرت ابی عبدالله علیه الصلوة والسلام نقل شده که نزدیک تر حال بنده بخدا، حال سجده است. پس بخوان خدا را و سؤال کن از او روزی را.

حدیث سوم - از جناب صدوق علیه الرحمة در کتاب امالی از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام نقل شده که مردی آمد خدمت حضرت رسول صلی الله علیه وآله و عرض کرد یا رسول الله (ص) گناهان من بسیار شده و عمل صالح من ضعیف، پس حضرت فرمود سجده بسیار بکن زیرا که بسیار سجده نمودن گناهان را میریزد همچنانکه باد برگ درخت را میریزد.

حدیث چهارم - از جناب صدوق علیه الرحمة در کتاب علل نقل شده که مردی از حضرت ابی عبدالله علیه الصلوة والسلام پرسید که چرا خدای عزوجل جناب ابراهیم علیه السلام را خلیل خود گرفت فرمود برای بسیاری سجده او بر زمین.

حدیث پنجم - از جناب شیخ طوسی علیه‌الرحمة در کتاب مجالس از حضرت ابی‌عبدالله علیه الصلوة والسلام نقل شده که جماعتی خدمت حضرت رسول صلی الله علیه وآله آمدند و عرض نمودند یا رسول الله (ص) ضامن شو برای ما بر پروردگارت بهشت را حضرت ضامن شدند بشرط طول دادن سجده.

حدیث ششم - از کتاب مجاز از اعلام الدین دیلمی از حضرت امیر علیه الصلوة والسلام نقل شده که مردی خدمت حضرت رسول صلی الله علیه وآله رسیده عرض کرد عملی بمن تعلیم فرما که بواسطه آن خدا و خلق مرا دوست بدارند و مالم زیاد شود و بدنم صحیح شود و عمرم طولانی گردد و با شما محشور شوم؛ حضرت فرمود اینها که گفתי شش چیز است که برای رسیدن به آنها باید شش خصلت داشته باشی. اگر میخواهی خدا تو را دوست بدارد پس بترس از او و باتقوی باش. و هرگاه میخواهی خلق تو را دوست باشند پس نیکی کن به آنها و به آنچه در دست آنها هست چشم نداشته باش و هرگاه میخواهی مالت زیاد شود پس زکوة آنرا بده و هرگاه میخواهی خدا بدنت را صحیح و سالم قرار دهد پس صدقه بسیار بده و هرگاه میخواهی عمرت طولانی شود، پس صله ارحام بجا بیاور و هرگاه میخواهی خدا تو را با من محشور گرداند پس سجده را برای خدای واحد قهار طول بده.

حدیث هفتم - از جناب احمد بن محمد بن فهد علیهم‌الرحمة در کتاب تحصین از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده که که روی به اسامة بن زید نموده فرمود یا اسامه بر تو باد به راه حق تا آنکه فرمود ای اسامه بر تو باد بسجود زیرا که نزدیکتر حال بنده بخدا وقتی است که در سجده باشد و هیچ بنده‌ای نیست که سجده کند برای خدا یک سجده مگر آنکه بنویسد خدا برای او به آن سجده حسنه‌ای و محو فرماید از او سیئه‌ای و بلند فرماید برای او درجه‌ای و مباحات فرماید به آن بنده با ملائکه.

حدیث هشتم - از جناب قطب راوندی علیه الرحمة در کتاب لب اللباب از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده که که زمینی که مؤمن بر او سجده کند روشنائی میدهد نور آن بسوی آسمان.

حدیث نهم - از جناب محمد بن یعقوب علیهما الرحمة از عبدالله بن هلال نقل شده که شکایت نمود مردی بسوی حضرت ابی عبدالله علیه الصلوة والسلام از متفرق شدن اموالش و آنچه بر او وارد شده بوده از ناملايمات پس حضرت به او فرمود بر تو باد به دعا در حال سجده چه آنکه نزدیک ترین حالات بنده بسوی خدا حال سجده است عرض کرد در نماز فریضه دعا نمایم و حاجت خود را نام ببرم فرمود بلی رسول خدا صلی الله علیه وآله همین کار را میکرد. پس دعا میکرد بر قومی و نام آنها و پدران آنها را میبرد و علی علیه السلام نیز بعد از آن حضرت همین کار را میکرد.

حدیث دهم - از جناب محمد بن یعقوب علیه الرحمة از حضرت رضا علیه السلام نقل شده که نزدیک ترین حال بنده بسوی خدا حال سجده است که خدا میفرماید و اسجد و اقترب.

تنبيه شصت و هشتم

در فضیلت تعقیب

و در آن چند خبر است

خبر اول - از جناب عبدالله بن جعفر علیهما الرحمة در کتاب قرب الاسناد از حضرت ابیجعفر علیهما الصلوة والسلام در تفسیر فرمایش حق تعالی فادا فرغت فانصب و الی ربک فارغب نقل شده پس چون نماز گذاردی بعد از سلام هنوز که نشسته ای برای امر آخرت و دنیای خود دعا کن چون از دعا فارغ شدی پس از خدای عزوجل انتظار و توقع قبول فرمودن آن را داشته باش.

خبر دوم - از جناب احمد بن فهد در کتاب عدةالداعی از حضرت صادق علیه السلام نقل شده که خدا فرض فرموده نمازها را در احب اوقات، پس طلب کنید حوائج خود را عقب نمازهایتان و نیز از حضرت رسول صلی الله علیه و آله نقل شده کسیکه اداء کند نماز واجبی را برای او باشد بر اثر آن یک دعای مستجابی.

خبر سوم - از جناب احمد بن ابی عبدالله برقی علیه الرحمة در کتاب محاسن از حضرت ابیعبده الله علیه الصلوة والسلام نقل شده کسیکه وضو بگیرد پس نیکو بجا آورد وضوی خود را پس از آن دو رکعت نماز خواند رکوع و سجود آن را تمام کند بعد از نماز بنشیند پس مدح و ثنای حق تعالی را بجا آورد و صلوات بر رسول خدا صلی الله علیه و آله بفرستد پس از آن حاجت خود را از خدا بخواهد.

خبر چهارم - از کتاب جعفریات از حضرت نبی صلی الله علیه و آله نقل شده کسیکه اداء نماید نماز فریضه ای را برای او خواهد بود نزد خدا یک دعای مستجابی، پس اگر خواهد مستجاب فرماید و اگر خواهد بتاخیر بیاندازد برای آخرتش.

خبر پنجم - از کتاب بحار از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده که هرگاه بنده از نماز فارغ شود و حاجت خود را از خدای تعالی نخواهد، خدا بملائکة فرماید نگاه کنید بسوی بنده من که بجا آورد آنچه را که بر وی فرض کرده بودم و حاجت خود را از من نخواست گوئیا که از من بی نیاز است نمازش را بگیرید و به صورتش بزنید.

خبر ششم - از کتاب دعائم الاسلام از جعفر محمد علیهما الصلوة والسلام نقل شده که در شرح قول حق تعالی فاذا فرغت فانصب و الی ریک فارغب فرمود که مراد از و الی ریک فارغب دعای بعد از نماز فریضه است بپرهیز از آنکه ترک کنی آن را چه آنکه فضل دعا بعد از نماز واجب مانند فضل نماز فریضه است بر نافله. پس از آن فرمود خدا میفرماید ادعونی استجب لکم ان الذین یستکبرون عن عبادتی سیدخلون جهنم داخرین پس افضل عبادت دعا است.

تنبيه شصت و نهم

در فضیلت تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیها الصلوة والسلام

و در آن چند حدیث است

حدیث اول - از جناب محمد بن یعقوب علیهما الرحمة از حضرت ابی‌عبدالله علیه الصلوة والسلام نقل شده که به ابی هرون فرمود یا اباهرون ما امر میکنیم صبیان خود را بتسبیح فاطمه علیها السلام همچنانکه امر مینمائیم آنها را به نماز، پس ملازم آن شو زیرا که ملازم آن نمیشود بنده‌ای پس شقی شود.

حدیث دوم - از جناب محمد بن یعقوب علیهما الرحمة از حضرت ابی‌عبدالله علیه الصلوة والسلام نقل شده که تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در هر روز بعد از هر نماز دوست تر است بسوی من از هزار رکعت در هر روز.

حدیث سوم - از جناب سید علی بن طاوس علیهما الرحمة در کتاب فلاح السائل از حضرت ابی‌عبدالله علیه الصلوة والسلام نقل شده که کسیکه تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام را بعد از نماز واجب بگوید قبل از آنکه هیئت جلوس خود را تغییر دهد، واجب میفرماید خدا برای او بهشت را.

حدیث چهارم - از کتاب مصباح الانوار از حضرت ابی‌عبدالله علیه الصلوة والسلام نقل شده کسیکه تسبیح حضرت فاطمه علیها الصلوة والسلام را بگوید پیش از آنکه هیئت جلوس خود را تغییر بدهد، آمرزیده شود برای او گناهایش.

تنبيه هفتادم

در فضیلت دعا

و در آن چند خبر است

خبر اول - از جناب احمد بن فهد در کتاب عدةالداعی از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که دو نفر داخل بهشت شوند که عمل آنها یکجور بوده پس یکی از آن دو دیگری را بالاتر از خود ببیند عرض نماید پروردگارا به چه جهت او از من بالاتر است و حال آنکه عمل ما یکجور بوده خدای تعالی فرماید جهت آنستکه او از من خواست و تو نخواستی پس حضرت فرمود از خدا سؤال کند و چیزهای جزیل و بزرگ بخواهد زیرا که برای خدا فرقی ندارد که چیز بزرگ بخواهد یا چیز جزئی و کوچک.

خبر دوم - از جناب سید علی بن طاوس علیهماالرحمة در کتاب فلاح السائلین از حضرت ابی عبدالله علیه الصلوة والسلام نقل شده که دعا قضا و قدر را بر میگردداند اگرچه مبرم و محکم شده باشد. پس دعا بسیار بکن چه آنکه دعا مفتاح و کلید هر رحمت و نجات هر حاجتی است و نمیتوان رسید به آنچه نزد خدا هست الا به دعا زیرا که دری بسیار کوبیده نمیشود مگر آنکه نزدیک است بر روی کوبنده باز شود.

خبر سوم - از جناب ابن بابویه علیهالرحمة از حضرت جعفر بن محمد علیهما الصلوة والسلام نقل شده کسیکه توفیق دعا یابد، بر چهار چیز از چهار چیز محروم نگردد کسیکه توفیق پیدا کند بر دعا، از اجابت محروم نشود و کسیکه توفیق استغفار بیابد، از قبولی توبه محروم نشود و کسیکه موفق به شکر گردد محروم از زیاد شدن نعمت نشود و کسیکه توفیق صبر نصیب وی گردد از اجر محروم نشود.

خبر چهارم - از جناب محمد بن یعقوب علیهما الرحمة از حضرت ابی جعفر علیهما الصلوة والسلام نقل شده که هیچ عبادت و عمل خیری نزد خداوند عالم بهتر از این نیست که بنده از خدا بخواهد آنچه را که نزد او هست.

خبر پنجم - از جناب محمد بن یعقوب علیهما الرحمة از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که خدای تعالی یک چیزی را برای خودش دوست دارد و برای خلقش دشمن؛ دوست دارد که بنده از او سؤال نماید و حاجت بخواهد و دشمن دارد از خلق حاجت خواستن و چیز طلبیدن و هیچ چیز دوست تر بسوی خدا عزوجل نیست از اینکه سؤال کرده شود پس حیا نکنید از اینکه از خدا سؤال کنید ولو بند کفش خود را.

خبر ششم - از جناب سید علی بن طاوس علیهما الرحمة در کتاب فلاح السائل از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده که دعا، سلاح مؤمنین و عمود دین و نور آسمانها و زمین است.

خبر هفتم - از جناب شیخ ابی الفتوح رازی علیه الرحمة در تفسیر خود نقل شده از حضرت رسول صلی الله علیه وآله که هیچ مسلمانی نیست که دعائی بکند که در او قطع رحم و گناهی نباشد مگر آنکه عطا فرماید خدا به او یکی از سه چیز را، یا تعجیل فرماید در اجابت یا ذخیره فرماید برای آخرتش بهتر از آنچه خواسته بود یا برطرف فرماید از او بدی مثل آنچه از خوبی سؤال کرده.

خبر هشتم - از جناب شیخ مفید علیه الرحمة در کتاب اختصاص از حضرت ابی عبدالله علیه الصلوة والسلام نقل شده که جدم میفرمود تقدم بجوئید در دعا یعنی قبل از گرفتاری نیز دعا کنید چه آنکه هر گاه بنده بسیار دعا کند، گفته شود این صدائی است معروف و اگر بسیار دعا کننده نباشد و بلائی به او نازل شود آنگاه دعا کند گفته شود به او که پیش از این کجا بودی.

خبر نهم - از جناب قطب راوندی علیه الرحمة در کتاب لب اللباب از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده کسیکه خوشحال میکند او را اینکه خدا مستجاب فرماید دعای او را در شدائد و کدورت‌ها، پس بایستی در نزد وسعت و رخاء بسیار دعا کند.

تنبيه هفتاد و يكم در مدح الحاج و سماجت در دعا و در آن چند روايت است

روایت اول - از جناب محمد بن يعقوب از حضرت ابی جعفر علیهما الصلوة والسلام نقل شده که میفرمود بخدا قسم که الحاج نمیکنند بنده بر خدا در حاجتش مگر آنکه برمی آورد حاجت او را.

روایت دوم - از جناب محمد بن يعقوب علیه الرحمة از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل شده که خدای عزوجل کراهت دارد الحاج مردم نسبت بیکدیگر در سؤال و دوست دارد آن را نسبت بخودش اینکه خدای عزوجل دوست دارد که سؤال کرده شود و طلب کرده شود آنچه را که نزد او هست.

روایت سوم - از همان جناب از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده خدا رحمت کند بنده ای را که طلب کند از خدای عزوجل حاجت خود را و الحاج کند در دعا چه مستجاب شود و چه مستجاب نشود و این آیه را تلاوت فرمود و ادعو ربی عسی ان لا اکون بدعاء ربی شقیبا.

روایت چهارم - از همان جناب از حضرت ابی عبدالله علیه الصلوة والسلام نقل شده که خدا مجبول فرموده بعضی از مؤمنین را بر ایمان پس بر نمیگردند از آن هرگز و بعضی کسانی که ایمان بدیشان عاریه داده شده لکن چون دعا کنند و الحاج نمایند بر ایمان بمیرند.

روایت پنجم - از جناب عبدالله بن جعفر حمیری در کتاب قرب الاسناد از حضرت ابی عبدالله علیه الصلوة والسلام نقل شده سؤال کن حاجت خود را و الحاج نما در طلب آن زیرا که خدا دوست دارد الحاج ملحین از بندگان مؤمنین خود را.

روایت ششم - از جناب احمد بن فهد علیهماالرحمة در عدة الداعی از حضرت نبی
صلی الله علیه وآله نقل شده که خدای عزوجل دوست دارد سائل بسیار الحاح کننده را.

تنبيه هفتاد و دوم

در مدح صلوات قبل از دعا و بعد آن و مذمت ترک آن

و در آن چند حدیث است

حدیث اول - از جناب محمد بن علی بن الحسین علیهم الرحمة از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که مکروه و ناپسند است برای بنده تزکیه نفس ولكن من میگویم که آدم چون مبتلا بخطا و لغزش گردید توبه‌اش این بود که عرض نمود اللهم انی اسئلك بحق محمد و آل محمد لما غفرت لی فغفرها له و نوح (ع) چون سوار کشتی شد و از غرق ترسید عرض کرد اللهم انی اسئلك بحق محمد و آل محمد لما انجیتنی من الغرق فانجیه الله منه و ابراهیم علیه السلام را چون در آتش افکندند عرض کرد اللهم انی اسئلك بحق محمد و آل محمد لما انجیتنی منها فجعلها الله علیه بردا و سلاما و موسی علیه السلام چون عصای خود را افکند و اژدها گردید از آن ترسیده عرض نمود اللهم انی اسئلك بحق محمد و آل محمد لما امتنتنی فقال الله عزوجل لا تخف انک انت الاعلی.

حدیث دوم - از جناب محمد بن الحسین الرضی علیه الرحمة در نهج البلاغه از حضرت علی علیه الصلوة والسلام نقل شده که هرگاه حاجتی بسوی خدا داشتی پس ابتدا کن پیش از سؤال بصلوات بر نبی (ص) بعد سؤال کن، زیرا که خدا کریم تر است از اینکه دو حاجت از او خواسته شود پس یکی را برآورد و از دیگری مضایقه فرماید.

حدیث سوم - از جناب محمد بن یعقوب علیه الرحمة از حضرت ابی عبدالله علیه الصلوة والسلام نقل شده که پیوسته دعا محجوب است تا وقتی که دعا کننده صلوات بفرستد بر محمد و آل محمد.

حدیث چهارم - از جناب محمد بن یعقوب علیه الرحمة از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل شده کسیکه حاجتی بخدا داشته باشد پس ابتدا کند بصلوات بر محمد و آل محمد (ص)

پس از آن حاجت خود را بخواهد و ختم کند دعا را به صلوات بر محمد و آل محمد زیرا که خدای عزوجل اکرم است از اینکه دعای اول و آخر را که صلوات باشد قبول نماید و وسط را اجابت نفرماید.

حدیث پنجم - از جناب سید بن طاوس علیه الرحمة در کتاب جمال الاسبوع از حضرت نبی صلی الله علیه و آله نقل شده که صلوات شما بر من موجب استجاب دعا و خوشنودی پروردگار و پاکی اعمال شما است.

حدیث ششم - از جناب محمد بن مسعود عیاشی علیهما الرحمة در تفسیرش از حضرت رضا علیه الصلوة والسلام نقل شده که هرگاه نازل شود بر شما شدتی و سختی، پس استعانت بجوئید بر خدا به ما خانواده که خدا میفرماید والله الاسماء الحسنی فادعوه بها، پس فرمود که ابی عبدالله علیه الصلوة والسلام فرموده مائیم بخدا قسم اسماء حسنی که قبول نمیشود مگر از احدی مگر بمعرفت ما، پس بخوانید خدا را به آن اسماء.

حدیث هفتم - از جناب شیخ مفید قدس سره در کتاب اختصاص از جناب جابر رضی الله تعالی عنه نقل شده که عرض نمودم بحضرت رسول صلی الله علیه و آله چه میفرمائی در حق علی بن ابیطالب؛ فرمود علی علیه السلام نفس و جان منست. گفتم پس چه میفرمائی در باره ی حسن و حسین علیهما الصلوة والسلام؛ فرمود حسن و حسین روح منند و فاطمه مادر ایشان علیها السلام دختر من، بدحال میکند مرا آنچه بدحال کند او را و خوشحال میکند مرا آنچه خوشحال کند او را. گواه میگیرم خدا را که من حریم با هرکس که با ایشان حرب باشد و سلمم با هر که با ایشان سلم باشد. ای جابر هرگاه بخواهی دعا کنی و مستجاب شود برای تو، پس بخوان خدا را به اسماء ایشان، چه آنکه اسماء ایشان احب اسماء است بسوی خدای عزوجل.

تنبيه هفتاد و سوم

در مدح دعا نمودن برای برادران دینی و در آن چند خبر است

خبر اول - از جناب محمد بن یعقوب علیهما الرحمة از حضرت ابی عبدالله علیه الصوة والسلام نقل شده دعای شخص برای برادر خود در غیاب او موجب ریزش رزق و دفع مکروه است.

خبر دوم - از جناب علی بن ابراهیم قمی ره در تفسیرش از جناب حماد نقل شده که عرض نمودم بحضرت ابی عبدالله علیه السلام که من خودم را مشغول میکنم به دعا برای برادران خود و برای اهل ولایت چگونه میبینی اینکار را، فرمود خدای تبارک و تعالی مستجاب میفرماید دعای غایب را برای غایب و کسیکه دعا کند برای مؤمنین و مؤمنات و برای اهل مودت ما، رد میفرماید خدا بر او از آدم تا روز قیامت بعدد هر مؤمنی حسنه، پس از آن فرمود خدای تبارک و تعالی فرض فرموده نمازها را در بهترین ساعات پس بر شما باد بدعا بعد از نمازها پس از آن دعا فرمود برای من و برای سایر حضار.

خبر سوم - از جناب محمد بن یعقوب علیهما الرحمة از حضرت علی بن الحسین علیهما الصوة والسلام نقل شده که ملائکه چون بشنوند که مؤمنی رای برادر مؤمن در غیاب او دعا میکند یا آنکه او را بخیر یاد مینماید میگویند خوب برادری هستی برای برادر خود که دعا خیر برای او میکنی در حالتیکه او از تو غایب است و یاد میکنی او را بخیر، بتحقیق که خدا عطا فرماید بتو دو برابر آنچه تو برای برادر خود خواستی و مدح و ثناء فرمود بر تو دو چندانکه تو برای او گفتی و برای تو است فضل و برتری بر او.

خبر چهارم - از جناب ابن بابویه علیه الرحمة از حضرت ابی الحسن علیه الصوة والسلام نقل شده کسیکه دعا کند برای برادرانش از مؤمنین و مؤمنات و مسلمین و مسلمات موکل گرداند خدا بر او از هر مؤمنی ملکی را که دعا کند برای او.

خبر پنجم - از جناب سید علی بن طاوس علیه الرحمة در کتاب فلاح السائل از حضرت نبی صلی الله علیه واله نقل شده کسیکه بگوید اللهم اغفر للمؤمنین و المؤمنات، بتوید خدا برای او به هر مؤمنیکه خلق فرموده از وقتیکه آدم را خلق فرموده تا روز قیامت یک حسنه و محو فرماید از او یک سیئه و بلند فرماید برای او یک درجه.

خبر ششم - از جناب سید علی بن طاوس علیه الرحمة از حضرت ابی عبدالله علیه الصلوة والسلام نقل شده که هرگاه مرد بگوید اللهم اغفر للمؤمنین و المؤمنات و المسلمین و المسلمات الاحیاء منهم و الاموات، رد فرماید خدا بر او بعدد آنکس که گذشته و آنکه باقی مانده از هر انسانی دعوتی.

خبر هفتم - از جناب ابن بابویه علیه الرحمة از حضرت نبی صلی الله علیه واله نقل شده که چهار طائفه‌اند که دعای ایشان رد نمیشود امام عادل و پدر برای فرزند و مرد که دعا کند برای برادرش در غیاب او و مظلوم که خدا میفرماید قسم بعزت و جلال خودم که هرآینه بفریادت میرسم ولو بعد از مدتی.

تنبیه هفتاد و چهارم در مدخلیت یأس از غیر خدا در استجابت دعا و در آن چند روایت است

روایت اول - از جناب محمد بن یعقوب علیهما الرحمة از حضرت ابی عبدالله علیه الصوة والسلام نقل شده که هرگاه یکی از شما خواسته باشد که از خدا چیزی نخواهد مگر آنکه خدا به او عطا فرماید پس بایستی نا امید شود از تمام مردم و برای او رجائی نباشد مگر از نزد خدا، پس چون خدا بداند این حالت را، از قلب او سؤال نکند از خدا چیزی را مگر آنکه عطا فرماید به او.

روایت دوم - از جناب احمد بن فهد رحمة الله علیهما در کتاب عدة الداعی نقل شده که روایت شده که خدا وحی فرمود بسوی عیسی علیه السلام بخوان مرا، خواندن شخص حزین غریق که برای او فریاد رسی نباشد ای عیسی از من سؤال کن و از غیر من مخواه پس باید که نیکو باشد از تو دعا و از من اجابت.

روایت سوم - از همان جناب نقل شده که خدا وحی فرمود بسوی موسی علیه السلام یا موسی مادامیکه بخوانی مرا و امیدت بمن باشد پس اینکه من زود است که بیمارزم تو را با هر عیب و نقصی که در تو باشد.

تنبيه هفتاد و پنجم

در بیان موانع استجابت دعا

و در آن چند حدیث است

حدیث اول - از کتاب شریف بحار از کتاب دعائم الدین از کتاب تنبیه از حضرت امیر علیه الصلوة والسلام نقل شده که در روز جمعه خطبه بلبغه انشاء فرمود و در آخر خطبه فرمود ایها الناس هفت مصیبت است بزرگ، پناه میبریم بخدا از آن عالمی که بلغزد و عابدی که ملول شود یعنی از عبادت و مؤمنیکه گمراه شود و امینیکه خیانت کند و غنی که فقیر شود و عزیزیکه ذلیل گردد و فقیری که علیل شود. پس مردی از جای برخاست و عرض نمود راست فرمودی یا امیرالمؤمنین، توئی قبله هرگاه گمراه شویم و لکن سؤال میکنیم از شما از قول خدای تعالی ادعونی استجب لکم پس چه شده ما را که دعا میکنیم پس جواب داده نمیشویم؛ فرمود برای هشت خصلت که در شما هست، اول آنکه خدا را شناختید و حق او را آنجور که واجب فرموده بر شما اداء نکردید پس معرفت شما بخدا بدردتان نخورد، دوم آنکه ایمان آوردید برسول او، بعد مخالفت نمودید سنت او را و میراندید شریعت او را پس کجا است ثمره ایمان شما، سوم آنکه کتاب خدا را که بر شما نازل فرموده خواندید پس عمل نکردید به آن و گفتید شنیدیم و اطاعت کردیم بعد مخالفت نمودید، چهارم آنکه گفتید ما از آتش میترسیم و حال آنکه در هر وقتی بطرف آتش میروید بواسطه معصیت هاتان پس خوف شما کجا است، پنجم آنکه گفتید ما بهشت مائل و راغب هستیم و حال آنکه در هر زمانی بجا میاورید کارهایی را که شما را از آن دور میکند پس کجا است رغبت و میل شما در بهشت، ششم آنکه میخورید نعمت مولی را و شکر نمیکنید بر آن، هفتم آنکه خدا امر فرموده شما را بعداوت شیطان و فرموده شیطان دشمن شما است پس او را دشمن خود بگیرید پس بزبان اظهار عداوت با او میکنید و لکن بمخالفت پروردگارتان

دوستی میکنید با او، هشتم آنکه عیوب مردم را نصب العین خود قرار میدهید و عیوب خود را پشت سر میاندازید، ملامت میکنید کسی را که خود اولی هستید بلامت از او. پس با وجود این خصلتها، چه دعائی میخواهد مستجاب شود برای شما و حال آنکه درها و راههای دعا را مسدود نموده‌اید پس پرهیزید خدا را و اعمال خود را اصلاح کنید و باطن‌های خود را خالص نمائید و امر کنید بمعروف و نهی نمائید از منکر تا که خدا دعای شما را مستجاب فرماید.

حدیث دوم - از جناب سید علی بن طاوس علیهما الرحمة در کتاب فلاح السائل از حضرت علی علیه الصلوة والسلام نقل شده که خدای تبارک و تعالی وحی فرمود بحضرت عیسی بن مریم علیها السلام بگو بجماعت بنی اسرائیل که داخل نشوند خانه از خانه‌های مرا مگر به دل‌های پاکیزه و چشم‌های با خشوع و دست‌های پاک و بگو به آنها که من مستجاب نمیکنم دعای کسی را که حق کسی نزد او باشد و بدون عذر از ادای آن خودداری نماید.

حدیث سوم - از همان جناب در همان کتاب از حضرت ابی جعفر علیهما السلام نقل شده که بسا هست که بنده از خدا حاجتی از حاجتهای دنیا میخواهد و خداوند عالم در مقام برآوردن حاجت اتو برمیاید در مدت نزدیک یا دوری پس آن بنده مرتکب گناهی میشود خدا میفرماید به آن ملکی که موکل بحاجت آن بنده هست که حاجت این بنده را برمیآور و محروم کن از آن حاجت، زیرا که این بنده بواسطه گناهی که کرد خود را در معرض سخط من درآورد و مستوجب حرمان گشت.

حدیث چهارم - از جناب ابن بابویه علیه الرحمة از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام نقل شده که دعا کننده بدون عمل مانند تیرانداز بی کمان است.

حدیث پنجم - از جناب احمد بن فهد ره در عده‌الداعی از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که حضرت موسی علیه السلام بمردی گذشت که سر بسجده گذاشته بود وقتی هم که برگشت دید هنوز در سجده است، فرمود اگر حاجت تو در دست من بودی هرآینه برمی‌آوردم پس خدا وحی نمود بسوی او که ای موسی این مرد اگر آن قدر سجده کند که گردش جدا شود هرآینه به او اعتنا نخواهم کرد تا وقتیکه از حالیکه من کراهت دارم برگردد بسوی حالتیکه دوست دارم.

حدیث ششم - از همان جناب در همان کتاب نقل شده که خدا وحی نمود بسوی حضرت عیسی علیه السلام که بگو بظلم کنندگان از بنی اسرائیل که من مستجاب نمیگردانم دعای احدی از ایشان را و حال آنکه برای احدی از خلق من در نزد آنها مظلومه باشد.

تنبيه هفتاد و ششم

در فضیلت ذکر و یاد خدا

و در آن چند روایت است

روایت اول - از جناب شیخ مفید علیه الرحمة از حضرت ابی جعفر علیهما الصلوة والسلام نقل شده که پیوسته مؤمن در نماز میباشد مادامیکه در ذکر خداست ایستاده باشد یا نشسته یا خوابیده خدای تعالی میفرماید الذین یذکرون الله قیاما و قعودا و علی جنوبهم الی قوله عذاب النار.

روایت دوم - از جناب سبط طبرسی علیه الرحمة در کتاب مشکوة الانوار از کتاب محاسن از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل شده که گرامی ترین خلق بر خدا کسیستکه ذکر خدا بیشتر گوید و طاعت خدا بیشتر کند.

روایت سوم - از جناب قطب راوندی علیه الرحمة در کتاب دعوات از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده که بخداوند عالم عرض نمود پروردگارا دوست دارم بدانم که چه کسی از بندگان خود را دوست داری تا من هم او را دوست بدارم پس خدا فرمود هرگاه بنده مرا دیدی که بسیار یاد من میکند، پس من خود او را اذن داده‌ام که یاد من کند و من او را دوست دارم و هرگاه دیدی بنده مرا که یاد نمیکند مرا، پس من او را از خود در حجاب قرار داده و او را دشمن میدارم.

روایت چهارم - از جناب صدوق علیه الرحمة در کتاب معانی الاخبار و کتاب خصال از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده که بجناب ابی ذر رحمه الله فرمود بر تو باد بتلاوت قرآن و بسیار یاد خدا نمودن چه آنکه تلاوت قرآن و بسیاری یاد خدا ذکر است برای تو در آسمان یعنی همانطور که تو در یاد خدا هستی اهل آسمان بیاد تو هستند و نور است برای تو در زمین.

روایت پنجم - از جناب ابن فهد علیه الرحمة در عدةالداعی از ائمه علیهم الصلوة والسلام نقل شده که در بهشت زمین‌هایی است صاف که چون بنده شروع کند بذكر خدا، ملائکه نیز شروع نمایند بغرس اشجار و چون از ذکر باز ایستند ملائکه نیز از غرس اشجار باز ایستند.

روایت ششم - از جناب محمد بن یعقوب ره از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده کسیکه بسیار یاد خدا کند، خدا او را دوست بدارد و برای او دو برائت نوشته شود، برائت از آتش و برائت از نفاق.

روایت هفتم - از جناب حسن بن سعید در کتاب زهد از حضرت ابی‌عبدالله علیه السلام نقل شده که حضرت رسول صلی الله علیه وآله فرمود کسیکه یاد خدا بسیار کند و ذکر خدا بسیار گوید خدا او را دوست بدارد.

روایت هشتم - از جناب احمد بن فهد علیه الرحمة در کتاب عدةالداعی از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که بهترین و پاکیزه‌ترین اعمال و بلندترین آن در درجات و بهتر چیزیکه آفتاب بر آن میتابد ذکر خدای سبحانه و تعالی است که خود خبر داده و فرموده من هم‌نشین کسی هستم که یاد کند مرا.

روایت نهم - از همان جناب در همان کتاب از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده کسیکه یاد کند خدا را در بازار از روی اخلاص هنگامیکه مردم غافلند و مشغولند به آنچه در بازار است، مینویسد خدا برای او هزار حسنه می‌امرزد برای او در رزو قیامت آمرزشی که بقلب هیچ بشری خطور نکرده باشد.

تنبيه هفتاد و هفتم

در بیان حقیقت ذکر

و در آن چند خبر است

خبر اول - از جناب سبط طبرسی علیه‌الرحمة در کتاب مشکوة الانوار از کتاب محاسن از حضرت ابی‌عبدالله علیه الصلوة والسلام نقل شده که شدیدترین فریضه‌ای که خدا فرض فرموده بر خلق خود سه چیز است از جمله آنها یاد خدا است در هر موطنی هرگاه طاعتی پیش‌آمد کرد یا معصیتی یعنی چون طاعتی پیش‌آمد خدا را یاد نماید و از آن طاعت خودداری نکند و چون معصیتی پیش‌بیاید بیاد خدا بیافتد و از آن معصیت صرف‌نظر نماید.

خبر دوم - از حضرت ابی‌عبدالله علیه الصلوة والسلام نقل شده که از سخت‌ترین چیزی که خدا فرض نموده بر خلق خود بسیار یاد نمودن او است بعد فرمود مقصود من از یاد خدا سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر نیست اگرچه این هم ذکر است بلکه منظور من یاد خدا است در نزد حلال و حرام خدا، پس طاعت باشد عمل کند به آن و اگر معصیت باشد ترک نماید آن را.

خبر سوم - از جناب شیخ ابی‌الفتوح رازی رحمه‌الله در تفسیرش از حضرت نبی صلی الله علیه و آله نقل شده کسیکه اطاعت نماید خدا را، پس بتحقیق که یاد نموده خدا را و اگرچه اندک باشد نماز و روزه و قرآن خواندن او و کسیکه معصیت نماید خدا را پس بتحقیق که فراموش نموده خدا را و اگرچه بسیار باشد نماز و روزه و قرآن خواندن او.

تنبيه هفتاد و هشتم

در فضیلت حمد و ستایش خداوند عالم جل و عل و در آن چند خبر است

خبر اول - از جناب ابن بابویه علیه الرحمة از حضرت ابی عبدالله علیه الصلوة والسلام نقل شده که انعام نمیفرماید خدا بر بنده بنعمتی هر چند بزرگ یا بسیار باشد پس آن بنده حمد کند خدا را بر آن نعمت مگر آنکه حمدش افضل و اعظم و سنگین تر باشد از آن نعمت.

خبر دوم - از همان جناب از همان حضرت علیه السلام نقل شده که انعام نمیفرماید خدا بر بنده بنعمتی پس بشناسد آن نعمت را بقلبش یعنی آن نعمت را از خدا بداند و بلند حمد کند خدا را امر میشود برای او به زیاده.

خبر سوم - از همان جناب علیه الرحمة از همان حضرت علیه الصلوة والسلام نقل شده که شکر هر نعمتی و اگر چه بزرگ باشد آنست که حمد و ستایش کنی خدای عزوجل را.

خبر چهارم - از همان جناب علیه الرحمة از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده که کسیکه ریزش کند بر او نعمتها، پس باید بگوید الحمد لله رب العالمین و کسیکه فقر و فاقه ملازم او شود و بچسبد به او، پس بسیار باید بگوید لا حول و لا قوة الا بالله العظیم چه آنکه این ذکر شریف گنجی است از گنجهای بهشت و در آنست شفا از هفتاد و دو درد که پستترین آن دردها هم است.

خبر پنجم - از کتاب جعفریات از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده کسیکه ریزش کند بر او نعمتها، پس بایستی حمد و ستایش بسیار کند و کسیکه بسیار شود هموم او، پس باید بسیار استغفار نماید و کسیکه دچار فقر شود پس باید بسیار بگوید لا حول و لا قوة الا بالله.

خبر ششم - از جناب سبط طبرسی علیه الرحمة در کتاب مشکوة از کتاب محاسن از حضرت ابی عبدالله علیه الصلوة والسلام نقل شده که شکر نعمتها اجتناب از محرمتست و تمام شکر گفتن الحمد لله رب العالمین.

خبر هفتم - از جناب قطب راوندی علیه الرحمة در کتاب لب اللباب از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده که اگر خدا تمام دنیا را ببندد ای از بندگان خود بدهد پس آن بنده بگوید الحمد لله هرآینه این الحمد لله افضل خواهد بود از آنچه به او داده اند.

خبر هشتم - از جناب ابن ابی جمهور علیه الرحمة در کتاب در اللثالی از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده که اول کسیکه خوانده میشود بسوی بهشت کسانی هستند که حمد میکنند خدا را چه در سعه باشند و چه در مضیقه.

تنبيه هفتاد و نهم

در فضل استغفار

و در آن چند خبر است

خبر اول - از جناب محمد بن یعقوب علیه الرحمة از حضرت ابی عبدالله علیه الصلوة والسلام نقل شده که هرگاه بنده بسیار استغفار کند نامه عمل او بالا رود در حالتیکه متلاء لاء و درخشنده باشد.

خبر دوم - از جناب ورام بن ابی فراس علیه الرحمة در کتابش از معصوم علیه السلام نقل شده استغفار بسیار کنید زیرا که خدا استغفار را بشما یاد نداده مگر آنکه میخواهد شما را بیامرزد.

خبر سوم - از جناب محمد بن یعقوب علیه الرحمة از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرموده بهترین دعا استغفار است.

خبر چهارم - از کتاب جعفریات از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده کسیکه بسیار استغفار کند قرار میدهد خدا برای او از هر همی، فرجی و از هر تنگی، مخرجی و روزی میفرماید او را از جائی که گمان نداشته باشد.

خبر پنجم - از کتاب معانی الاخبار از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده که برای هر دردی دوائی است و دوائی گناهان استغفار است.

خبر ششم - از جناب قطب راوندی علیه الرحمة در کتاب دعوات از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده که هیچ دعائی بهتر از استغفار نیست.

خبر هفتم - از ابن ابی جمهور رحمه الله در کتاب درر اللئالی از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده استغفار بسیار بکنید در خانه های خود و در مجالس و سر سفره ها و در بازارها و راه ها و هر کجا که هستید زیرا که شما نمیدانید کی مغفرت نازل میشود.

تنبیه هشتم

در فضیلت ذکرهای چهارگانه یعنی لا اله الا الله و الحمد لله و سبحان الله و الله اكبر و در آن چند حدیث است

حدیث اول - از جناب ابن ابی‌جمهور علیه‌الرحمة در کتاب درر اللثالی از حضرت نبی صلی‌الله علیه و آله نقل شده کسیکه بگوید سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر ملکی آنرا به آسمان بالا برد به هیچ دسته از ملائکه نمیگذرد مگر آنکه طلب مغفرت کنند برای برای گوینده آن تا آنکه برسد در محضر مقدس پروردگار جل و علا.

حدیث دوم - از جناب ابن بابویه علیه‌الرحمة از حضرت رسول صلی‌الله علیه و آله نقل شده کسیکه بگوید سبحان الله خدا غرس فرماید برای او به این کلمه درختی در بهشت و کسیکه بگوید الحمد لله غرس فرماید خدا به این کلمه برای او درختی در بهشت و کسیکه بگوید لا اله الا الله غرس فرماید خدا به این کلمه برای او درختی در بهشت و کسیکه بگوید الله اكبر غرس فرماید خدا برای او به این کلمه درختی در بهشت پس مردی از قریش عرض نمود یا رسول الله (ص) بنابراین ما در بهشت درخت بسیار داریم حضرت فرمود بلی ولكن مواظب باشید که آتشی نفرستید که آنها را بسوزاند که خدای عزوجل میفرماید یا ایها الذین امنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و لا تبطلوا اعمالکم.

حدیث سوم - از جناب ابن بابویه علیه‌الرحمة از حضرت ابی‌جعفر علیهما السلام نقل شده کسیکه بگوید سبحان الله بدون تعجب خلق فرماید خدا از این کلمه پرنده‌ای را که برای او باشد زبانی و دو بال و تسبیح کند خدا را در زمره تسبیح کنندگان تا روز قیامت و مثل این کلمه است الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر.

حدیث چهارم - از کتاب محکم و متشابه از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده چون بمعراج رفتیم داخل بهشت شدم زمین‌های همواری را دیدم که ملائکه در آن زمین‌ها عمارت میساختند یک خشت از طلا و یک خشت از نقره و گاهی دست از کار میکشیدند پس گفتم بایشان چرا از کار خودداری مینمائید گفتند دست از کار بر میداریم تا نفقه بما برسد گفتم نفقه شما چیست گفتند قول مؤمن سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر پس هرگاه مشغول گفتن باشد ما هم مشغول کار هستیم و هرگاه خودداری کند ما هم خودداری میکنیم.

حدیث پنجم - از جناب محمد بن یعقوب علیه الرحمة از حضرت باقر یا صادق علیهما الصلوة والسلام نقل شده که بسیار لا اله الا الله و الله اکبر بگوئید زیرا که هیچ چیزی بسوی خدا محبوبتر نیست از تهلیل و تکبیر.

تنبيه هشتاد و يكم **در فضیلت کلمه طيبه لا اله الا الله** **و در آن چند روایت است**

روایت اول - از کتاب جعفریات از حضرت نبی صلی الله علیه و آله نقل شده که سید گفتار لا اله الا الله است و بهتر عبادت استغفار و طلب آمرزش است.

روایت دوم - از جناب قطب راوندی علیه الرحمة از کتاب دعوات از حضرت نبی صلی الله علیه و آله نقل شده که هیچ ذکری بهتر از گفتن لا اله الا الله نیست و هیچ دعائی بهتر از استغفار الحدیث.

روایت سوم - از جناب قطب راوندی علیه الرحمة در کتاب دعوات از حضرت ابی عبدالله علیه الصلوة والسلام نقل شده که سید کلام اولین و آخرین کلمه لا اله الا الله است.

روایت چهارم - از جناب محمد بن یعقوب علیهما الرحمة از حضرت نبی صلی الله علیه و آله نقل شده که هیچ مؤمنی نیست که بگوید لا اله الا الله مگر آنکه محو و نابود کند آنچه در نامه عملش هست از سیئات تا آنکه منتهی شود بسوی مثل خود از حسنات.

روایت پنجم - از جناب محمد بن یعقوب علیه الرحمة از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل شده کسیکه بگوید لا اله الا الله بدون تعجب خلق میفرماید خدا از آن مرگی را که بالای سر صاحبش باشد تا روز قیامت و مشغول ذکر باشد برای گوینده کلمه طيبه.

روایت ششم - از جناب شیخ طوسی قدس سره در کتاب امالی از حضرت ابی جعفر علیهما الصلوة والسلام نقل شده که اعرابی خدمت حضرت رسول (ص) شرفیاب شده عرض نمود یا رسول الله (ص) آیا برای بهشت بهائی هست حضرت فرمود بلی عرض کرد چیست بهای آن فرمود لا اله الا الله که بگوید آن را بنده از روی اخلاص عرض نمود اخلاص آن چیست فرمود عمل به آنچه مبعوث شده‌ام به آن درباره او و حب اهل بیت من، عرض کرد

پدر و مادرم فدای تو باد دوستی اهل بیت شما از حق این کلمه است؛ فرمود آری حُب ایشان هرآینه بزرگتر حق آنست.

روایت هفتم - از جناب جعفر بن احمد قمی علیهما الرحمة در کتاب غایات از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که خدا نشنیده است کلمه‌ای که دوست‌تر باشد نزد او و نه بزرگتر از لا اله الا الله الحدیث.

روایت هشتم - از جناب ابن بابویه علیه الرحمة در کتاب ثواب الاعمال از حضرت ابی جعفر علیهما الصلوة والسلام نقل شده کسیکه گواهی دهد بر اینکه نیست خدائی جز خدای یگانه یعنی بگوید لا اله الا الله و شهادت ندهد که محمد رسول خدا است ده حسنه برای او بنویسد و اگر شهادت به رسالت هم بدهد و بگوید محمد رسول الله خدا هزار حسنه برای او بنویسد.

تنبيه هشتماد و دوم

در فضیلت لا حول و لا قوة الا بالله

و در آن چند حدیث است

حدیث اول - از جناب ابن ابی جمهور رحمه الله در کتاب درر اللئالی از جناب ابی ذر رضی الله تعالی عنه نقل شده که وصیت نمود مرا خلیل من رسول خدا صلی الله علیه وآله به پنج چیز وصیت فرمود مرا بطاعت و لایة امر و اینکه وصل کنم رحم خود را اگرچه او قطع نماید و اینکه حق بگویم و اگرچه تلخ باشد و اینکه همنشین مساکین باشم و اینکه بسیار بگویم لا حول و لا قوة الا بالله.

حدیث دوم - از جناب قطب راوندی علیه الرحمة در کتاب لب اللباب از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده کسیکه بگوید لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم بیرون میاید از گناهان مانند روزیکه از مادر متولد گردیده و نگاه داشته شود از هفتاد باب از فقر.

حدیث سوم - از جناب قطب راوندی علیه الرحمة در کتاب لب اللباب از حضرت ابراهیم علیه السلام نقل شده که در شب معراج بحضرت رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم عرض نمود امر فرمای امت خود را که در بهشت درخت بسیار بکارند فرمود چیست آن عرض نمود لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم.

حدیث چهارم - از جناب احمد بن ابی عبدالله برقی علیه الرحمة در کتاب محاسن از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده که هرگاه بگوید بنده لا حول و لا قوة الا بالله پس بتحقیق که واگذار نموده امر خود را بسوی خدا و حق است بر خدا اینکه کفایت فرماید او را.

حدیث پنجم - از جناب احمد بن ابی عبدالله البرقی علیه الرحمة در کتاب محاسن از حضرت ابی عبدالله علیه الصلوة والسلام نقل شده که هرگاه بنده بگوید لا حول و لا قوة الا بالله خدای عزوجل بملائکه فرماید تسلیم شد بنده من حاجت او را برآورید.

حدیث ششم - از جناب احمد بن ابی عبدالله برقی علیه الرحمة در کتاب محاسن از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده کسیکه فقر به او چسبد و او را ملازم گردد پس باید بسیار بگوید لا حول و لا قوة الا بالله.

حدیث هفتم - از کتاب جامع الاخبار از حضرت ابی عبدالله علیه الصلوة والسلام نقل شده کسیکه هزار مرتبه بگوید لا حول و لا قوة الا بالله روزی فرماید او را خدای تعالی حج و اگر اجلس نزدیک شده باشد خدا در اجل او تأخیر اندازد تا آنکه حج را روزی فرماید.

حدیث هشتم - از کتاب جامع الاخبار از جناب ابن عباس رضی الله تعالی عنه نقل شده که دیدم رسول خدا صلی الله علیه وآله را که میگفت لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظيم عرض کردم چیست ثواب آن، فرمود تسبیح حاملان عرش، پس کسیکه بگوید یک مرتبه لا حول و لا قوة الا بالله بیامزد خدا برای او گناهان صد ساله را و مینویسد برای او به هر حرفی صد حسنه و بلند فرماید برای او صد درجه پس اگر از یک مرتبه زیادت بگوید پس برای او باشد به هر حرفی گنجی و نوری بر صراط.

حدیث نهم - از جناب احمد بن ابی عبدالله برقی علیه الرحمة در کتاب محاسن از حضرت جعفر بن محمد علیهما الصلوة والسلام در تفسیر لا حول و لا قوة الا بالله نقل شده که حایل نمیشود بین ما و بین معاصی مگر خدا و قوت نمیدهد ما را بر اداء طاعت و فرائض جز خدا.

تنبيه هشتماد و سوم

در فضیلت صلوات

و در آن چند خبر است

خبر اول - از جناب قطب راوندی علیه الرحمة در کتاب دعوات از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده کسی که صلوات بفرستد بر من هر روزی سه مرتبه، و در هر شبی سه مرتبه از روی دوستی و شوق، خواهد بود حق بر خدا اینکه بیامزد گناهان آن شب و روز را.

خبر دوم - از جناب قطب راوندی در دعوات از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که بسیار صلوات بفرستید بر من زیرا که صلوات بر من، نور است در قبر و نور است بر صراط و نور است در بهشت.

خبر سوم - از کتاب جامع الاخبار از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده کسیکه یک مرتبه بر من صلوات بفرستد خدا یک در از عاقبت بروی او بگشاید و نیز فرمود کسیکه صلوات بفرستد بر من یکمرتبه باقی نماند برای او از گناهانش ذره‌ای و نیز فرمود هیچ کس نیست که یکمرتبه بر من صلوات بفرستد و بشنوند آنرا بدو ملکیکه حافظ او هستند مگر آنکه ننویسد گناهی برای او تا سه روز.

خبر چهارم - از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده کسیکه صلوات بفرستد بر من یکمرتبه خلق فرماید خدای تعالی روز قیامت بر سر او نوری و بر یمین او نوری و بر شمال او نوری و بر بالای او نوری و بر زیر او نوری و در تمام اعضاء او نوری.

خبر پنجم - از جناب قطب راوندی علیه الرحمة در کتاب لب اللباب از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده کسیکه صلوات بفرستد بر من و بر آل من، صلوات بفرستند بر او ملائکه و کسیکه صلوات بفرستد بر او ملائکه، صلوات خواهد فرستاد بر او خدا و

کسیکه صلوات بفرستد خدا بر او باقی نماند در آسمان‌ها و زمین ملکی مگر آنکه صلوات میفرستند بر او و کسیکه صلوات بفرستند بر من و بر آل من یکمرتبه، امر فرماید خدا دو ملک حافظ او را که تا سه روز بر او نویسند.

خبر ششم - از جناب محمد بن یعقوب علیهما الرحمة از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل شده که چون نام پیغمبر صلی الله علیه وآله برده شود، بسیار صلوات بفرستید بر او زیرا که کسیکه صلوات بفرستد بر حضرت نبی ص یک صلوات، صلوات میفرستد خدا بر او هزار صلوات در هزار صف از ملائکه و باقی نمیماند هیچ مخلوقی مگر آنکه صلوات میفرستد بر بنده بواسطه صلوات خدا و ملائکه بر او، پس کسیکه رغبت و میل نداشته باشد به این ثواب پس او مغرور است و خدا و رسول و اهل بیت از او بیزارند.

خبر هفتم - از جناب محمد بن یعقوب علیه الرحمة از حضرت صادق یا باقر علیهما الصلوة والسلام نقل شده هیچ عملی در میزان سنگین‌تر از صلوات بر محمد و آل محمد نیست.

تنبيه هشتماد و چهارم

در فضیلت شب و روز جمعه و صلوات فرستادن در آن

و در آن چند خبر است

خبر اول - از جناب شهید ثانی قدس سره در رساله جمعه از حضرت نبی صلی الله علیه و آله نقل شده که بسیار صلوات بفرستید بر من در هر جمعه پس هر کدام از شما که بیشتر صلوات بفرستید بر من، قدر و منزلت او نزد من بیشتر خواهد بود و کسیکه در روز جمعه صد مرتبه صلوات بفرستد بر من، خواهد آمد روز قیامت با صورت نورانی و کسیکه صلوات بفرستد بر من در روز جمعه هزار مرتبه نخواهد مرد تا جایگاه خود را در بهشت ببیند.

خبر دوم - از جناب محمد بن یعقوب علیه الرحمة از حضرت ابی الحسن یعنی الرضا علیه الصلوة والسلام از حضرت رسول صلی الله علیه و آله نقل شده که روز جمعه سید ایام است مضاعف میگردد در آن حسنات و ناپود میشود در آن سیئات و بلند میشود در آن درجات و مستجاب میشود در آن دعاها و برطرف میشود در آن غم و غصه‌ها و برآورده میشود در آن حاجتها و روز جمعه روز زیادتی است و برای خدا است در آن آزاد شدگانی از آتش، دعا نمیکند به آن احدی از مردم که حق و حرمت آن را بشناسد مگر آنکه حق خواهد بود بر خدا اینکه او را از آزاد شدگان از آتش قرار دهد، پس اگر در آن روز بمیرد یا شب آن، شهید خواهد مرد و مبعوث شود در قیامت در امن و امان و سبک نمیشمارد و ضایع نمیکند احدی حرمت و حق آن را مگر آنکه خواهد بود حق بر خدای عزوجل اینکه او را به جهنم برد مگر آنکه توبه نماید.

خبر سوم - از جناب ابن بابویه علیهم الرحمة از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل شده کسبیکه موافق شود از شما با روز جمعه پس مشغول نشود البته بچیزی غیر از عبادت زیرا که در آن آمرزیده میشوند بندگان و نازل میشود بر ایشان رحمت.

خبر چهارم - از جناب ابن بابویه علیه الرحمة در کتاب ثواب الاعمال از حضرت ابی جعفر علیهما الصلوة والسلام نقل شده که حسنه و سیئه مضاعف میگردد در روز جمعه.

خبر پنجم - از جناب محمد بن یعقوب علیه الرحمة از حضرت ابی عبدالله علیه الصلوة والسلام نقل شده که بجناب عمر بن یزید فرموده یا عمر از سنت است که صلوات بفرستی بر محمد و اهل بیت او در هر جمع هزار مرتبه و در سایر ایام صدمرتبه.

خبر ششم - از جناب محمد بن یعقوب رحمهما الله از حضرت ابی جعفر علیهما الصلوة والسلام نقل شده که هیچ عبادتی در روز جمعه دوست تر بسوی خدا از صلوات بر محمد و آل محمد نیست.

تنبيه هشتم و پنجم در مدح خواندن نماز با جماعت و قدم ترک آن و در آن چند خبر است

خبر اول - از کتاب جامع الاخبار از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده صفوف امت من مانند صفوف ملائکه است در آسمان و یک رکعت که با جماعت باشد، بیست و چهار رکعت حساب میشود که هر رکعتی محبوبتر است بسوی خدای تعالی از عبادت چهل سال.

خبر دوم - از جناب شهید قدس سره در کتاب نفلیه از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده که نماز با جماعت باشد ولو بر سر نیزه.

خبر سوم - از جناب صدوق علیه الرحمة در کتاب خصال از حضرت امیر علیه الصلوة والسلام نقل شده که مروت در حضر قرائت قرآن و مجالست علماء و نظر در فقه و محافظت بر نماز جماعت است.

خبر چهارم - از جناب قطب راوندی علیه الرحمة در کتاب لب اللباب از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده کسیکه وضوء بگیرد و نیکو کند وضوی خود را، پس از آن برود بسوی نماز جماعت، خواهد نوشت خدا برای او بهر قدمی که برمیدارد یک حسنه و کفاره میفرماید از او یک سیئه.

خبر پنجم - از جناب شهید قدس سره در کتاب نفلیه از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که هرگاه سئوال کرده شوی از کسیکه بنماز جماعت حاضر نمیشود پس بگو نمیشناسم او را.

خبر ششم - از جناب احمد بن محمد برقی رحمه الله در کتاب محاسن از حضرت ابیجعفر علیهما الصلوة والسلام نقل شده که کسیکه بشنود ندا را از همسایگان مسجد، پس اجابت نکند، نمازی برای او نخواهد بود.

خبر هفتم - از کتاب دعائم الاسلام از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده کسیکه نماز صبح را در جماعت بخواند، پس مثل این خواهد بود که تمام شب را در رکوع و سجود بسر آورده باشد.

خبر هشتم - از جناب ابن بابویه رحمه الله از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده کسیکه محافظت نماید بر جماعت هر جا که باشد خواهد گذشت بر صراط مانند برق خاطف لامع در اول زمهره با سابقین و صورت او روشن تر و نورانی تر باشد از ماه شب چهارده.

خبر نهم - از جناب محمد بن یعقوب علیه الرحمة از حضرت ابی جعفر علیهما الصلوة والسلام نقل شده که افضل صفوف، صف اول است و افضل صف اول آن جائی است که به امام نزدیکتر باشد.

خبر دهم - از کتاب رجال کشی علیه الرحمة از جناب یزید بن حماد نقل شده که بحضرت ابی الحسن علیه الصلوة والسلام عرض کرد که نماز بخوانم پشت سر کسیکه نمیشناسم او را، فرمود نماز نخوان مگر پشت سر کسیکه وثوق داشته باشی بدین او.

خبر یازدهم - از کتاب ابی عبدالله سیاری علیه الرحمة صاحب حضرت موسی بن جعفر و علی بن موسی الرضا علیهما الصلوة والسلام نقل شده که بحضرت ابی جعفر ثانی یعنی حضرت جواد علیه الصلوة والسلام عرض نمود جمعی از موالی شما در محلی اجتماع دارند پس وقت نماز حاضر میشود یک نفر از ایشان جلو میایستند و با بقیه نماز جماعت میخواند حضرت فرمود اگر آنکه امامت میکند برای ایشان کسی باشد که بین او و بین خدا طلبی نباشد یعنی حق خدا را ادا کرده باشد و خدا از او طلبکار نباشد، پس باید اینکار را بکند.

تنبيه هشتم و ششم

شش نکته حکمت عملی در یک روایت شریف

از جناب احمد بن محمد برقی علیه‌الرحمة در کتاب محاسن از حضرت ابی‌عبدالله علیه الصلوة والسلام نقل شده که شخصی به آن حضرت عرض نمود که آیا میبینی این خلق را تمامشان از مردم، فرمود القاء کن یعنی بیانداز از ایشان تارک مسواک را و آنکسیکه در جای تنگ چهار زانو بنشیند و آنکه داخل شود در کاری یا سخنی که فائده ندارد و کسیکه مباحثه و مجادله کند در چیزیکه علم به آن ندارد و کسیکه اظهار کسالت و مرض نماید در حالتیکه مرض و کسالتی نداشته باشد و کسیکه خود را مصیبت رسیده نمایش دهد و حال آنکه مصیبتی به او نرسیده باشد.

تنبيه هشتم و هفتم

یک روایت شریف با چند نکته حکمت عملی

از کتاب دعائم الاسلام از حضرت ابی عبدالله علیه الصلوة والسلام نقل شده که وصیت فرمود شیعیان و موالیان خود را به پرهیز از خدا و عمل بطاعت او و اجتناب از معاصی او و اداء امانت برای کسیکه امین شمارد ایشان را و نیکوئی مصاحبت با کسیکه مصاحبت مینمایند با او و اینکه مردم را بسوی ائمه علیهم السلام دعوت نمایند بغیر زبان، غرض نمودند چگونه مردم را دعوت کنیم بسوی شما بغیر زبان فرمود باینکه عمل کنید به آنچه ما شما را به آن امر میکنیم از عمل بطاعت خدا و از معاصی خدا منتهی شوید و با مردم بصدق و عدالت رفتار نمائید و اداء کنید امانت را و امر بمعروف و نهی از منکر نمائید و مطلع نشوند مردم از شما مگر بخیر و خوبی پس هرگاه مردم شما را اینجور دیدند خواهند دانست فضل آنچه را که نزد ما هست پس منازعه خواهند کرد بسوی آن.

تنبيه هشتم و هشتم

در مدح اداى زکات و ذم منع آن

و در آن چند روایت است

روایت اول - از جناب ابن بابویه علیه الرحمة از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام نقل شده که زکوة وضع و جعل شده تا برای اغنیاء امتحان باشد و برای فقراء کمک و اگر مردم زکوة اموال خود را بدهند یک مسلمانی فقیر و محتاج نیمانند و هرآینه بی نیاز میشود به آنچه خدا معین فرموده برای او و مردم فقیر و محتاج نیمانند مگر به گناه اغنیاء و سزاوار است بر خدای تبارک و تعالی اینکه منع فرماید رحمت خود را از کسیکه منع کند حق خدا را در مالش تا آنکه میفرماید دوست ترین مردم بسوی خدای تعالی سخی ترین آنها است و سخی ترین مردم آن کسی است که اداء کند زکوة مال خود را و بخل نوزد بر مؤمنین به آنچه فرض فرموده خدا برای آنها در مالش.

روایت دوم - از تفسیر جناب شیخ ابی الفتوح رازی علیه الرحمة از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده که در خطبه وداع فرمود ای مردم اداء کنید زکوة اموال خود را پس کسیکه زکوة ندهد نمازی برای او نخواهد بود و کسیکه نمازی برایش نباشد دینی برایش نیست و کسیکه دینی برای او نباشد حجتی و جهادی برای او نخواهد بود.

روایت سوم - از کتاب جعفریات از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده که هلاک نمیشود هیچ مالی در بر و نه هم در بحر مگر بمنع زکوة، حفظ کنید اموال خود را بزکوة و مداوا نمائید مریضهای خود را بصدقه و برگردانید بلاها را بدعا.

روایت چهارم - از کتاب دعائم الاسلام از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام نقل شده که فرض نفرموده خدا بر این امت چیزی را که شدیدتر باشد از زکوة و بواسطه زکوة یعنی منع زکوة هلاک میشوند عامه آنها.

روایت پنجم - از کتاب دعائم از حضرت علی علیه الصلوة والسلام نقل شده که نیست نمازی برای کسیکه زکوة ندهد و نیست زکوتی رای کسیکه ورع نداشته باشد.

روایت ششم - از کتاب دعائم از حضرت علی علیه الصلوة والسلام نقل شده که وصیت میکنم فرزندان و اهل خودم را و جمیع مؤمنین و مومنات، بپرهیز از خدا پروردگارشان ملاحظه خدا را بکنید، ملاحظه خدا را بکنید در زکوة زیرا که زکوة خاموش میکند غضب پروردگارتان را.

روایت هفتم - از جناب محمد بن یعقوب از حضرت ابی عبدالله علیه الصلوة والسلام نقل شده کسیکه منع نماید یک قیراط از زکوة را، پس بایستی بمیرد اگر میخواهد یهودی یا نصرانی.

روایت هشتم - از جناب ابن بابویه علیه الرحمة از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده که ده طایفه از این امت کافر شده‌اند بخدای عظیم و از جمله آن ده طایفه مانع الزکوة است و هشت طایفه‌اند که خدا قبول نمیفرماید از ایشان نماز را از آنجمله مانع الزکوة است کسیکه منع کند یک قیراط از زکوة مال خود را پس نه مؤمن است و نه مسلمان و لاکرامه.

روایت نهم - از جناب شیخ ابی الفتوح رازی علیه الرحمة در تفسیر خود از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که عرضه داشته شد بر من اعمال اهل بهشت و آتش، تا آنکه فرمود یافتم اول کسی را که داخل آتش میشود سه نفر امیر مسلط که عدل به کار نبرد و صاحب مالیکه زکوة مال خود ندهد و فقیر متکبر.

روایت دهم - از جناب قطب راوندی علیه الرحمة در کتاب لب اللباب از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده کسیکه مالی داشته باشد و زکوة آن را ندهد هر روز هزار ملک بشارت میدهند او را به آتش بدرستیکه خدا قرار داده روزی فقرا را در اموال اغنیا پس اگر

فقراء گرسنه و برهنه بمانند پس بواسطه گناه اغنیاء میباشد و حق است بر خدا که ایشان را
برو بجهنم اندازد.

تنبيه هشتماد و نهم

در مذمت بخل

و در آن چند خبر است

خبر اول - از کتاب خصال از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده که دو خصلت است که در مسلمان جمع نشود بخل و سوء خلق.

خبر دوم - از کتاب خصال از حضرت ابی جعفر علیهما الصلوة والسلام نقل شده که سه چیز است که موجب رفع درجات است و سه چیز کفاره گناهان و سه چیز مهلک و سه چیز موجب نجات، اما آن سه چیز که موجب درجات است یکی افشاء سلام دیگر اطعام طعام سوم نماز در شب و حال آنکه مردم در خوابند و اما آن سه که کفاره‌اند کامل گرفتن وضو در هوای سرد و رفتن بسوی جماعت در شب و روز و محافظت بر نمازها و اما آن سه چیز که مهلک‌اند شح و بخلیکه صاحبش اطاعت کند آن را و هوی و هوسیکه شخص متابعت کند آن را و عجب انسان بنفس خود و اما آن سه که نجات در آنست پس خوف خدا است در سر و علانیه و میانه‌روی است در حال غنی و فقر و کلمه عدل است در حال رضا و غضب.

خبر سوم - از کتاب جعفریات از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وآله و سلم نقل شده سخی نزدیک است بخدای تعالی، نزدیک است بمردم، نزدیک است ببهشت، دور است از آتش و بخیل دور است از خدای تعالی، دور است از مردم دور است از بهشت نزدیک است به دوزخ.

خبر چهارم - از کتاب جعفریات از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که فرمود بهشت خانه سخاوتمندان است، قسم به آنکسی که جان من بید قدرت او است که داخل

نمیشود بهشت را بخیل و نه عاق والدین و نه آن کس که بسیار منت نهد به آنچه عطا میکند.

خبر پنجم - از کتاب فقه الرضا علیه السلام نقل شده که روایت شده جوان سخی گناهکار دوست تر است بسوی خدا از پیر عابد بخیل.

خبر ششم - از جناب شیخ طوسی قدس سره در کتاب امالی از حضرت نبی صلی الله علیه و آله نقل شده سخاوت درختی است از درختهای بهشت که برای آن ساقه‌هایی است آویزان بدنیا. پس هر که دارای صفت سخاوت شود چنگ زده بشاخه‌ای از شاخه‌های آن و آن شاخه او را میکشاند بسوی بهشت و بخل درختی است از درخت‌های دوزخ که برای آن شاخه‌هایی است به دنیا آویزان پس هر که بخیل باشد دست زده به شاخه‌ای از شاخه‌های آن درخت و آن شاخه خواهد کشانید او را بدوزخ.

خبر هفتم - از جناب قطب راوندی علیه الرحمة در کتاب لب اللباب نقل شده که خدای تعالی بهشت فرمود تکلم کن، پس گفت بتحقیق که رستگار شدند مؤمنون پس گفت من حرام هستم بر هر بخیل ریاکاری.

خبر هشتم - از جناب دیلمی علیه الرحمة در کتاب ارشاد القلوب از حضرت نبی صلی الله علیه و آله نقل شده چون خدا بهشت را خلق فرمود عرض نمود پروردگارا برای که خلق فرمودی مرا، فرمود برای هر سخی و پرهیز گاری، عرض کرد پروردگارا راضی شدم.

خبر نهم - از جناب شیخ مفید قدس سره در کتاب امالی از حضرت نبی صلی الله علیه و آله از خدای عزوجل نقل شده که هر بنده‌ای را که خلق نمودم، پس هدایت کردم او را بسوی ایمان و خُلق او را نیکو قرار دادم و او را مبتلاء ببخل نگردانیدم پس من اراده خیر و خوبی به او دارم.

خبر دهم - از جناب حسن بن فضل طبرسی علیهما الرحمة در کتاب مکارم الاخلاق از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده که من ادب کرده شده خدا هستم و علی ادب کرده شده من است. امر فرموده مرا پروردگار من بسخاوت و نیکوئی و نهی فرموده مرا از بخل و جفا و هیچ چیز مبعوض تر نیست بسوی خدای عزوجل از بخل و سوء خُلق و این دو خصلت فاسد میکند عمل خیر را همچنانیکه گل، غسل را تباه میکند.

خبر یازدهم - از جناب ابن بابویه علیه الرحمة از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که شح و ایمان هرگز در قلب بنده ای جمع نمیشود.

تنبيه نودم

در حد و تعريف سخاوت و بخل

و در آن چند حديث است

حديث اول - از جناب محمد بن يعقوب عليهما الرحمة از حضرت ابى عبدالله عليه الصلوة والسلام نقل شده که سخاوت آن است که بیرون کنی از مال خود حقی را که خدا واجب فرموده بر تو و بگذاری آنرا در موضع خودش.

حديث دوم - از جناب ابن بابويه عليه الرحمة از حضرت ابى عبدالله عليه الصلوة والسلام نقل شده که سخاوت آنستکه شخص بتواند از حرام بگذرد و چون بحلال ظفر یابد، دلش بار بدهد که آن را در راه طاعت خدا انفاق کند.

حديث سوم - از جناب محمد بن يعقوب عليه الرحمة از حضرت على عليه السلام نقل شده که شنید مردی میگوید شحيح معذورتر است از ظالم، پس به او فرمود دروغ گفتی، ظالم گاهی میشود که توبه و استغفار میکند و حق مردم را بصاحبانش رد مینماید و مبتلای بمرض شح و بخل منع میکند زکوة و صدقه و صله رحم و پذیرائی از مهمان و انفاق در راه خدا و ابواب بر را و حرامست بر بهشت اینکه داخل شود آن را شخص شحيح و بخيل.

حديث چهارم - از جناب محمد بن يعقوب عليهما الرحمة از حضرت ابى الحسن موسى عليه الصلوة والسلام نقل شده که بخيل آن کسی است که بخل بورزد به آنچه فرض فرموده خدا بر او.

حديث پنجم - از جناب ابن بابويه عليه الرحمة از حضرت صادق عليه الصلوة والسلام در تفسير قول خدای تعالی کذلک یريهم الله اعمالهم حسرات عليهم نقل شده که جماعت کسانی هستند که مال خود را در راه طاعت خدا انفاق نمیکنند بجهت بخلیکه دارند بعد میمیرند و آن مال را میگذارند برای کسیکه عمل میکند در آن مال بطاعت خدا، صاحب مال

میبیند مال خود را در میزان غیر، پس حسرت میخورد و اگر در معصیت خدا صرف کند صاحب مال او را قوت داده بر آن به مال خود تا آنکه عمل نموده به آن مال در معصیت خدای عزوجل.

حدیث ششم - از جناب ابن بابویه علیه الرحمة از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل شده که بخیل کسی است که مالی را از غیر حلال بدست بیاورد و در غیر راه حق انفاق کند.

حدیث هفتم - از جناب ابن بابویه علیه الرحمة از حضرت ابی عبدالله علیه الصلوة والسلام نقل شده که شحیح کسی است که منع کند حق خدا را و انفاق نماید در غیر حق خدا.

حدیث هشتم - از جناب شیخ طوسی قدس سره در کتاب امالی از حضرت ابی عبدالله علیه الصلوة والسلام نقل شده که سخی آنکس نیست که تبذیر کند و مال خود را در غیر راه حق، صرف و خرج نماید، بلکه سخی آن کسی است که ادا نماید بسوی خدای عزوجل آنچه را که فرض فرموده بر او در مالش از زکوٰة و غیر آن و بخیل آنکس است که ادا نکند حق خدای عزوجل را در مالش.

تنبيه نود و یکم

در فضیلت صدقه

و در آن چند روایت است

روایت اول - از جناب ابن ابی‌جمهور علیه الرحمة در کتاب درر اللئالی از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده نماز عمود دین و اسلام است و جهاد بلندترین عمل است و صدقه چیز است عجیب، چیز است عجیب، چیز است عجیب.

روایت دوم - از کتاب جعفر بن محمد شریح حصرمی رحمهم الله از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده که تواضع زیاد نمیکند بنده را مگر رفعت و بلندی و صدقه زیاد نمیکند در مال مگر بسیاری را و عفو و گذشت زیاد نمیکند بنده را مگر عزت و حرمت.

روایت سوم - از جناب ابن فهد علیهما الرحمة در کتاب عدة الداعی از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام نقل شده که نیکو نمیکند هیچ بنده‌ای صدقه را در دنیا مگر اینکه نیکو خواهد فرمود خدا جانشین را بر اولاد او بعد از او.

روایت چهارم - از جناب صدوق علیه الرحمة در کتاب امالی از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده کسیکه تصدق کند بصدقه، پس برای او خواهد بود بوزن هر درهمی مثل کوه احد از نعمتهای بهشت.

روایت پنجم - از جناب قطب راوندی علیه الرحمة در کتاب لب اللباب از جناب لقمان علیه السلام نقل شده که بفرزند خویش فرمود هرگاه مرتکب خطائی شدی، پس صدقه بده.

روایت ششم - از کتاب دعائم الاسلام از حضرت علی علیه الصلوة والسلام نقل شده که سه نفر خدمت حضرت رسول صلی الله علیه وآله آمدند. یک نفرشان گفت یا رسول الله ص من صد وقیه طلا دارم اینک ده وقیه آن صدقه باشد. بعد یک نفر دیگر آمد عرض کرد من صد دینار دارم، اینک ده دینار آن صدقه باشد. سومی آمد عرض نمود یا رسول الله ص من ده

دینار دارم، اینک یک دینار آن صدقه باشد. پس حضرت بدیشان فرمود تمام شما سه نفر در اجر برابر هم هستید زیرا که هرکدامتان ده یک مال خود را صدقه دادید.

روایت هفتم - از کتاب جعفریات از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده که بلایا تخطی نمیکنند بر صدقه اینکه صدقه هرآینه بر طرف میکند هفتاد باب از سوء و بدی را.

روایت هشتم - از جناب قطب راوندی علیه الرحمة نقل شده که میفرماید و روایت شده که ملک الموت داخل شد بر سلیمان علیه السلام و نزد آنحضرت یک مردی بود. سپس ملک الموت عرض نمود از عمر این مرد پنج روز بیش باقی نمانده پس آن مرد یک قرص نان صدقه داد سائل گفت خدا عمرت را زیاد نماید پس پنجاه سال بر عمر او افزود.

تنبيه نود و دوم **در مدح و پنهان دادن صدقه مستحب** **و در آن چند خبر است**

خبر اول - از کتاب دعائم الاسلام از حضرت علی علیه الصلوة والسلام نقل شده که صدقه پنهانی خاموش میکند غضب پروردگار را همچنانیکه آب خاموش میکند آتش را.

خبر دوم - از جناب شیخ ابی الفتوح رازی علیه الرحمة در تفسیرش از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که صدقه پنهانی خاموش میکند خطیئه را همانطورکه خاموش میکند آب آتش را.

خبر سوم - از جناب سید محمد حسینی عاملی در کتاب اثنا عشریة از کتاب لباب الالباب از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده که بمردی که آرزوی مرگ میکرد فرمود مرگ چیز استکه لادمنه است و سفریست طولانی، سزاوار است برای کسیکه میخواهد آنسرا که ده هدیه با خود بردارد تا آنکه فرمود و هدیه مالک، یعنی مالک دوزخ چهار چیز است گریه از خشیت خدا و صدقه پنهانی و ترک معاصی و نیکی بوالدین.

خبر چهارم - از کتاب عوالی اللئالی از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده که صدقه پنهانی در مستحب، برتری دارد بر علانیه آن به هفتاد برابر و صدقه واجبه علانیه آن افضلست از پنهانی آن بیست و پنج برابر.

خبر پنجم - از جناب محمد بن یعقوب علیهما الرحمة از حضرت ابی عبدالله علیهم الصلوة والسلام نقل شده که بجناب عمار علیه الرحمه فرمود یا عمار، صدقه بخدا قسم در پنهانی افضل است از صدقه در علانیه و همچنین والله عبادت در سر افضل است از عبادت در علانیه.

خبر ششم - از جناب محمد بن علی بن الحسین علیهم الرحمة در کتاب ثواب الاعمال از حضرت ابی عبدالله علیه الصلوة والسلام نقل شده که صدقه علانیه برطرف میکند هفتاد نوع از انواع بلا را و صدقه پنهانی خاموش میکند غضب پروردگار را.

خبر هفتم - از جناب حسین بن سعید اهوازی از حضرت ابی جعفر علیهما الصلوة والسلام نقل شده که برّ و صدقه سرّ، برطرف میکند فقر را و زیاد مینماید عمر را و دفع میکنند هفتاد مرگ بد را.

خبر هشتم - از جناب احمد بن محمد بن خالد برقی علیهم الرحمة در کتاب محاسن از حضرت ابی جعفر علیهما الصلوة والسلام نقل شده که در حدیثی فرمود آیا خبر ندهم شما را بینج خصلتیکه از بر و نیکی است و بر دعوت میکند صاحبش را بسوی بهشت عرض شد چرا، خبر دهید. فرمود پوشیده داشتن مصیبت و کتمان آن و صدقه که بدهی آن را بدست راست خود جوریکه دست چپت نفهمد و نیکی بوالدین زیرا که نیکی بوالدین خدا را راضی و خوشنود میکند و بسیار گفتن لا حول و لا قوة الا بالله العظیم چه آنکه این ذکر از گنجهای بهشت است و دوستی محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله.

تنبیه نود و سوم

در فضیلت احسان و نیکی بخلق حتی حیوانات و غیر اهل حق

و در آن چند خبر است

خبر اول - از جناب محمد بن یعقوب علیه الرحمة از جناب معلى بن خنیس نقل شده که حضرت ابی عبدالله علیه السلام از خانه بیرون آمد در حالیکه یک ظرفی که در آن نان بود همراه داشت. پس آمدیم تا رسیدیم بظله بنی ساعده و در آن جا جماعتی خوابیده بودند پس آن حضرت یک قرص و دو قرص نزد آنها میگذاشت تا به آخر آنها، پس از آن برگشتیم پس گفتم به آنحضرت که این جماعت حق را میشناسند، فرمود اگر حق را میشناختند هرآینه با ایشان مواسات میکردیم حتی در نمک تا آنکه فرمود که عیسی بن مریم علیه السلام چون گذرش به کنار دریا افتاد یک قرص نان از قوت خود در آب افکند پس بعضی از حواریین عرض نمودند یاروح الله وکلتمه چرا این قرص نان را که قوت خودت بود در آب افکندی، فرمود این قرص نان را برای حیوان دریا انداختم که بخورد و ثواب آن عظیم است نزد خدا.

خبر دوم - از جناب محمد بن یعقوب علیهما الرحمة از حضرت ابی جعفر علیه السلام نقل شده که خدای تبارک و تعالی دوست دارد خنک کردن جگر سوخته را و کسیکه آب دهد یک جگر سوخته‌ای را از چهارپایان و غیر آن خدا او را در سایه قرار خواهد روزی که سایه‌ای نباشد.

خبر سوم - از جناب محمد بن یعقوب علیه الرحمة از مصادف نقل شده که بین مکه و مدینه با حضرت ابن عبدالله علیه السلام بودم پس بمردی گذشتیم که پای درختی بر زمین افتاده بود، پس فرمود بیا برویم نزد این مرد میترسم که تشنگی او را این چنین کرده باشد، پس بسوی او رفتیم. حضرت پرسید از او که آیا تشنه هستی، عرض کرد بلی، پس پایین بیا

ای مصادف و آبش بده، پایین آمده و آبش دادم بعد سوار شده براه افتادیم. عرض کردم این مرد نصرانی بود، آیا بنصرانی آب میدهی؛ فرمود بلی، هرگاه در همچو یک حالی باشند.

خبر چهارم - از کتاب جعفریات از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده که داخل بهشت شدم پس دیدم در آن، آن کسی که سگی را سیراب کرده بود.

خبر پنجم - از کتاب جعفریات از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که هنگامیکه مشغول وضو بود گربه خانه پناهنده به آن حضرت شد، پس حضرت دانستند که تشنه است ظرفی که از آن وضو میگرفتند نزد او بردند تا آب آشامید آنگاه به بقیه آن وضو گرفتند.

خبر ششم - از کتاب بحار نقل شده که حضرت حسن بن علی علیهما الصلوة والسلام مشغول غذا خوردن بودند و سگی پیش روی آنحضرت بود و حضرت یک لقمه خود میخوردند و یک لقمه نزد آن سگ میافکندند. راوی عرض نمود اجازه میفرمائی این کلب را دور کنم از طعام شما، فرمود بگذار او را که من از خدا حیا میکنم که روح داری نظر در صورت من کند و من غذا بخورم و به او ندهم.

تنبيه نود و چهارم

در مراتب صدقه از حيث اجر و ثواب

و در آن چند روایت است

روایت اول - از علامه حلّی قدس سره در رساله سعديّة و از ابن ابی جمهور عليه الرحمة در کتاب عوالی اللّثالی از حضرت رسول صلی الله عليه وآله نقل شده که صدقه بر پنج جور است یکجور صدقه‌ای است که یک بر ده است و آن صدقه بر عامه مردم است، خدا فرموده کسیکه بیاورد بحسنه، پس برای او باشد ده برابر آن. دوم صدقه‌ای است که یک بر هفتاد است و آن صدقه بر صاحبان مرض است. سوم آنستکه یک بر هفتصد است و آن صدقه بر قوم و خویشانست. چهارم آنستکه یک بر هفت هزار است و آن صدقه بر علماء است. پنجم آنستکه یک بر هفتاد هزار است و آن صدقه بر مردگان است.

روایت دوم - از جناب شیخ ابی الفتوح رازی عليه الرحمة در تفسیرش از حضرت نبی صلی الله عليه وآله نقل شده که صدقه بر فقیر یک صدقه است و صدقه بر خویشاوندان دو صدقه است، زیرا که آن هم صدقه است و هم صله رحم.

روایت سوم - از جناب شیخ مفید عليه الرحمة در کتاب اختصاص از حضرت نبی صلی الله عليه وآله نقل شده که نیست صدقه‌ای و حال آنکه قوم و خویش شخص محتاج باشد.

تنبيه نود و پنجم

در ذم سنوال و قدح رد سائل

و در آن چند حدیث است

حدیث اول - از جناب محمد بن یعقوب علیه الرحمة از حضرت باقر علیه السلام نقل شده که اگر بداند عطا کننده آنچه را که در عطا کردن هست، رد نخواهد نمود احدی، احدی را.

حدیث دوم - از جناب محمد بن یعقوب از حضرت ابی عبدالله علیه السلام در حدیثی نقل شده که جبرئیل نزد ابراهیم علیهما السلام آمده گفت خدا مرا بسوی بنده‌ای از بندگان خود فرستاده که او را خلیل خود گرداند ابراهیم علیه السلام فرمود آن بنده کیست تا من خادم او باشم تا وقتیکه بمیرم، جبرئیل گفت آن بنده تو میباشی فرمود به چه سبب، عرض کرد برای آنکه از احدی سئوال نکردی و احدی را هم رد نمودی.

حدیث سوم - از جناب محمد بن حسین رضی علیه الرحمة در کتاب نهج البلاغه از حضرت امیر علیه السلام نقل شده که مسکین فرستاده خدا است بسوی شما، پس کسیکه منع کند او را، خدا را منع نموده و کسیکه عطا نماید او را خدا را عطا کرده.

حدیث چهارم - از کتاب جعفریات از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده که سائل رسول پروردگار عالمین میباشد برای امتحان، پس کسیکه به او عطائی دهد بخدا عطا کرده و کسیکه رد کند او را، خدا را رد کرده.

حدیث پنجم - از جعفریات از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که قطع نکنید بر سائل مسئلت او را، بگذارید ابتلای خود را شکایت کند و از حال خود خبر دهد.

حدیث ششم - از شیخ ابراهیم کفعمی ره در مجموع الغرائب نقل شده که حضرت عیسی علیه السلام فرموده کسیکه رد کند سائل را محروم، تا هفت روز ملائکه خانه او نمایند.

حدیث هفتم - از جناب شیخ ابی الفتوح ره در تفسیرش از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده میفرمود خدایا مرا زنده بدار مسکین و بمیران مسکین و محشور نما در زمره مساکین. یکی از زوجات گفت چرا چنین میفرمائی، فرمود برای آنکه ایشان چهل سال پیش از اغنیا داخل بهشت خواهند شد، بعد فرمود مواظب باش که زجر نکنی مسکین را و اگر از تو چیزی خواست پس رد مکن او را ولو بنصف خرما باشد و دوست بدار او را و نزدیک کن او را بخودت تا خدای تعالی تو را به رحمت خود نزدیک فرماید.

حدیث هشتم - از جناب محمد بن مسعود عیاشی علیه الرحمة در تفسیرش نقل شده که هیچ‌گاه از حضرت رسول صلی الله علیه وآله چیزی نخواستند که بفرماید نه، اگر داشتند میدادند و اگر نداشتند میفرمود انشاءالله خواهم داد.

حدیث نهم - از قطب راوندی رحمه الله در لب اللباب از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده کسیکه سائلی را زجر کند و او را براند، روز قیامت ملائکه او را زجر کنند و برانند.

حدیث دهم - از همان جناب در همان کتاب از حضرت علی علیه السلام نقل شده که یک روز از خانه بیرون آمد و با او پنج درهم بود. پس فقیری آن حضرت را بر آن قسم داد. حضرت آن پنج درهم را بدو دادند. چون از آن مرد گذشتند ناگاه اعرابی شتر سواری پیدا شده گفت این شتر را بخر، حضرت فرمود پول ندارم گفت نسیه بخر. حضرت او را بصد درهم خریدند. پس از آن مرد دیگر پیدا شد آن شتر را از آن حضرت به صد و پنجاه درهم نقد خرید. پس صد درهم آنرا ببایع داد و پنجاه درهم دیگر را بخانه آورد. حضرت فاطمه علیها السلام از قضیه سؤال نمود حضرت فرمود با خدا تجارت و معامله کردم پس یکی دادم به او و او ده تا بمن داد.

تنبیه نود و ششم

در مدح دادن خمس و ذم ندادن آن

و در آن چند روایت است

روایت اول - از جناب محمد بن مسعود عیاشی علیه الرحمة از جناب ابی بصیر رحمه الله نقل شده که بحضرت ابی جعفر علیهما الصلوة والسلام عرض نمود کمتر چیزیکه بنده بواسطه آن داخل آتش میشود چیست، فرمود بخورد از مال یتیم درهمی را و مائیم یتیم.

روایت دوم - از جناب عیاشی علیه الرحمة در تفسیرش از جناب سدید رحمه الله نقل شده که حضرت ابی جعفر علیهما السلام به او فرمود یا ابالفضل برای ما حقی است در کتاب خدا راجع به خمس پس اگر محو کنند آنرا و بگویند از جانب خدا نیست یا عمل نکنند به او، هر آینه مساوی خواهد بود.

روایت سوم - از جناب محمد بن علی بن الحسین علیهم الرحمة از حضرت صادق علیه السلام نقل شده که خدائیکه جز او خدائی نیست چون صدقه را بر ما حرام فرمود نازل ساخت برای ما خمس را، پس صدقه بر ما حرام است و خمس برای ما فریضه است و کرامت برای ما حلال است.

روایت چهارم - از جناب محمد بن علی بن حسین علیهم الرحمة از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل شده که فرمود که من هر آینه میگیرم از یکی از شما درهم و حال اینکه مال من از اهل مدینه بیشتر است و اراده ندارم از گرفتن مگر آنکه شما پاک شوید.

روایت پنجم - از جناب محمد بن حسن علیه الرحمة از حضرت ابی جعفر علیهما الصلوة والسلام نقل شده کسیکه بخرد چیزی از خمس را عذر او را خدا نپذیرد خریده چیزی را که برای او حلال نیست.

روایت ششم - از جناب محمد بن حسن صفار علیه الرحمة در کتاب بصائر الدرجات از حضرت موسی بن جعفر علیهما الصلوة والسلام نقل شده که خمس از حدیث ما است و صعب و مستعصب است عمل نمیکند به آن و صبر نمینمایند بر آن مگر آنکس که قلبش ممتحن باشد برای ایمان.

روایت هفتم - از جناب شیخ طوسی قدس سره در کتاب غیبت از علی بن ابراهیم از پدرش نقل شده که خدمت حضرت ابی جعفر ثانی علیه السلام بودم که صالح بن محمد بن سهل همدانی که از طرف آن حضرت ولایت داشته برای جمع خمس بر آن حضرت وارد شده عرض نمود فدای تو گردم ده هزار درهم از مال شما را خرج کرده‌ام مرا حلال کنید، حضرت فرمود حلال کردم. چون بیرون رفت حضرت فرمود یکی از ایشان خود را میاندازد روی مال آل محمد علیهم السلام و فقرا و مساکین و ابناء السبیل ایشان، پس اخذ میکنند آنرا بعد میگویند مرا حلال کن چون میدانند که نخواهم گفت نه حلال نمیکنم بخدا قسم هر آینه سؤال خواهد فرمود البته خدا از ایشان روز قیامت سؤال سختی.

روایت هشتم - از جناب محمد بن یعقوب علیه الرحمة از محمد بن زید طبری نقل شده که مردی از تجار فارس از موالی حضرت رضا علیه السلام نامه نوشت به آن حضرت و در آن نامه اذن خواسته بود که خمس ندهد پس حضرت در جواب نوشت بسم الله الرحمن الرحیم اینکه خدا واسع و کریم است ضامن شده بر عمل ثواب را و بر تنگی هم را هیچ مالی حلال نیست مگر از راهی که خدا حلال قرار داده. خمس کمک میکند ما را بر دین مان و بر عیال و دوستانمان و آنچه بذل نموده آبروی خود را میخریم از کسانیکه از سطوت آنان میترسیم. پس خمس را از ما برنگردانید و خود را محروم نکنید از دعای ما تا بتوانید زیرا که دادن خمس مفتاح روزی شما است و پاک کننده گناهان شما است و چیزیست که آماده میکنید برای خودتان برای روز فاقه‌تان و مسلمان آنکس است که وفا

کند به آنچه خدا عهد کرده و نیست مسلمان کسیکه جواب دهد بزبان و مخالفت نماید بقلب والسلام.

روایت نهم - از جناب محمد بن علی بن الحسین یعنی ابن بابویه علیهم الرحمة در کتاب اکمال الدین از ابی الحسن علیه الرحمة نقل شده که بتوسط جناب شیخ ابی جعفر محمد بن الحسین العمری قدس الله روحه مسائلی از حضرت ولی عصر عجل الله له الفرج سؤال نمود از آن جمله از حال کسیکه حلال بشمرد آنچه را که در دست او هست از اموال امام علیه الصلوة والسلام و تصرف نماید در آن مانند تصرفش در اموال خود، حضرت جواب داده بودند که و اما آنچه سؤال نمودی از آن از امر کسیکه حلال پندارد آنچه را که در دستش هست از اموال ما و تصرف نماید در آن مثل تصرفش در مال خودش بدون اذن ما، پس کسیکه این کار را بکند پس او ملعون است و ما خصمان او باشیم پیغمبر فرموده کسیکه حلال حساب کند از عترت من آنچه را که خدا حرام فرموده ملعون است بزبان من و زبان هر نبی مجابی، پس کسیکه ظلم نماید بر ما خواهد بود از جمله ظالمین بر ما و خواهد بود لعنت خدا بر او. بقول خدای عزوجل **الَّا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ** تا اینکه میفرماید و کسیکه بخورد از مال ما چیزی را، پس کانه آتش خورده و زود است که دچار سعیر و جهنم گردد.

روایت دهم - از جناب ابا بابویه علیه الرحمة در کتاب اکمال الدین از جناب ابی الحسین اسدی از پدرش علیهما الرحمة نقل شده که توقیعی از حضرت ولی عصر علیه الصلوة والسلام بدست جناب محمد بن عثمان عمری رحمه الله تع بمن رسید بدون آنکه سؤالی شده باشد بسم الله الرحمن الرحیم لعنت خدا و ملائکه و تمام مردم بر کسیکه حلال بشمرد از مال ما درهمی را تا آنکه میگوید با خودم خیال کردم که این خسارت که لعنت خدا و ملائکه و جمیع مردم باشد در هر کسی است که حلال پندارد حرامی را پس چه فضیلتی

است برای امام علیه السلام پس بخدا قسم که بعد نظر نمودم بتوقیع دیدم که منقلب شده به آنچه در دلم خٲور نمود.

بسم الله الرحمن الرحيم لعنت خدا و ملائکه و تمامی مردم بر آنکس که بخورد از مال ما درهمی را حراماً.

تنبیه نود و هفتم

در فضل ماه مبارک رمضان و ثواب روزه در آن و در آن چند حدیث است

حدیث اول - از جناب محمد بن یعقوب علیهما الرحمة از حضرت ابی عبدالله علیه الصلوة والسلام نقل شده که توریة در ششم ماه رمضان نازل شد و انجیل در دوازدهم و زبور در هجدهم و قرآن در شب قدر.

حدیث دوم - از جناب صدوق علیه الرحمة در کتاب مجالس از حضرت علی علیه الصلوة والسلام نقل شده که بر شما باد در ماه رمضان بیساری دعا و استغفار، پس اما دعا پس دفع میشود به آن از شما بلا و اما استغفار پس محو و نابود میشود به آن گناهان شما.

حدیث سوم - از جناب ابن ابی جمهور علیه الرحمة در کتاب درر اللثالی از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که ماه رمضان باز میشود در آن درهای هشتگانه بهشت و بسته میشود در آن درهای هفتگانه جهنم و در غل و زنجیر میشود در آن هر شیطان مریدی و ندا میکند در هر شب منادی که ای طالب خیر بیا و ای طالب شر خود را نگاه دار.

حدیث چهارم - از جناب سید فضل الله راوندی در کتاب نوادر از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده کسیکه روزه بگیرد ماه رمضان را، پس اجتناب نماید در آن از حرام و بهتان، خدا از او راضی شود و بهشت را بر او واجب گرداند.

حدیث پنجم - از کتاب شریف عیون از حضرت علی از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که در خطبه خود قریب بدین مضمون فرمود ایها الناس بتحقیق که روی آورده بسوی شما ماه خدا ببرکت و رحمت و آمرزش این ماه یعنی ماه رمضان نزد خدا افضل ماهها است و ایام آن افضل ایام است و شبهای آن افضل شبها است و ساعات آن افضل

ساعات است این ماه ماهی است که دعوت شده‌اید در این ماه بسوی ضیافت خدا و قرار داده شده‌اید در این ماه از اهل کرامت خدا نفسهای شما در این ماه تسبیح است و خوابتان در آن عبادت است و عملتان در آن مقبول است و دعواتان در آن مستجاب پس سئوال کنید از خدا پروردگارتان با نیت‌های صادق و دل‌های پاک آن توفیق دهد شما را برای روزه آن و تلاوت کتاب خود زیرا که بدبخت کسی است که از مغفرت خدا در این ماه محروم باشد و یاد کنید بگرسنگی و تشنگی‌تان در این ماه گرسنگی و تشنگی روز قیامت را و تصدق کنید بر فقرا و مساکین خود و بزرگان خود را محترم بشمارید و بر کودکان خود رحم نمائید و با ارحام خود وصل کنید و زبان‌های خود را حفظ کنید و چشم‌های خود را پوشید از آنچه حلال نیست نظر کردن به آن و از شنیدن آنچه حلال نیست شنیدن آن خودداری کنید و به ایتمام مردم نظر رحیمانه کنید تا به ایتمام شما همانجور رفتار شود و بازگشت نمائید بسوی خدا از گناهان خود و بلند کنید دست‌های خود را بسوی خدا بدعا در اوقات نماز زیرا که اوقات نماز افضل ساعات است نظر میفرماید خدای عزوجل در آن ساعات بسوی بندگان خود برحمت و چون مناجات کنند با او و ندا کنند او را جواب دهد ایشان را و مستجاب فرماید برای ایشان هرگاه دعا کنند ایها الناس نفس‌های شما در گرو اعمالتان هست پس از گرو بیرون آورید باستغفار و پشت‌های شما سنگین است از گناه، پس سبک کنید بطول دادن سجود و بدانید که خدا قسم یاد فرموده بعزت خود که عذاب نفرماید نمازگذاران و سجده‌کنندگان را و اینکه نترساند آنان را به آتش در روزیکه میایستند مردم نزد پروردگار عالمیان، ایها الناس کسیکه افطار دهد از شما روزه‌داری را که مؤمن باشد در این ماه، خواهد بود برای او ثواب یک بنده آزاد کردن و آمرزش برای آنچه گذشته از گناهان او، عرض نمودند که همه ما قادر نیستیم بر آن، فرمود بپرهیزید از آتش ولو بنصف خرما، بپرهیزید از آتش ولو بشریت آبی، ایها الناس کسیکه نیکو کند در این ماه

خلق خود را، خواهد بود برای او گذشتن از صراط در روزیکه قدم‌ها میلغزد بر صراط و کسیکه سبک کند کار را بر کسیکه صاحب اختیار او است در این ماه، سبک گرداند خدا بر او حساب را و کسیکه باز دارد در این ماه شر خود را از خلق، باز میدارد خدا از او غضبش را و کسیکه اکرام کند در این ماه یتیمی را، اکرام خواهد فرمود خدا او را در آن روز که ملاقات نماید او را و کسیکه وصل نماید با رحم خود در این ماه، وصل خواهد فرمود خدا او را برحمت خود روزیکه ملاقات نماید او را و کسیکه قطع کند در این ماه رحم خود را قطع خواهد فرمود خدا رحمت خود را از او روزیکه ملاقات کند او را و کسیکه در این ماه یک نماز مستحبی بخواند مینویسد خدا برای او پرائتی از آتش و کسیکه ادا نماید در این ماه نماز فریضه‌ای را خواهد بود برای او ثواب کسیکه ادا نموده باشد در غیر این ماه هفتاد فریضه و کسیکه در این ماه بسیار صلوات بفرستد بر من، سنگین خواهد کرد خدا میزان عمل او را در آن روز که میزان عمل‌ها سبک باشد و کسیکه تلاوت کند در این ماه آیه از قرآن، باشد برای او مثل اجر کسیکه تمام قرآن را در غیر این ماه خوانده باشد.

ای مردم درهای بهشت در این ماه باز است از خدا بخواهید که نیندد آن را بر شما و درهای آتش بسته است بخواهید از خدا که باز نکند آنرا بر روی شما و شیاطین در غل و زنجیرند بخواهید از خدا که مسلط نفرماید آنها را بر شما.

حضرت فرماید پس من برخواستم و عرض نمودم یارسول الله ص کدام عمل در این ماه افضل است، فرمود یا ابالحسن افضل اعمال در این ماه، ورع و پرهیز است از محرمات الحدیث.

حدیث ششم - از جناب احمد بن محمد بن عیسی علیهم الرحمة در نوادر خود از ابی‌عبدالله علیه الصلوة والسلام در حدیثی نقل شده که رمضان ماه خدا میباشد تهلیل و تکبیر و تحمید و تسبیح بسیار بگوئید و این ماه ربیع فقراء است و عید اضحی قرار داده

شده برای آنکه مساکین از گوشت سیر شوند پس اطعام کنید از زیادتی آنچه خدا انعام فرموده به آن بر شما بر عیالات خود و همسایگان خود و نیکو کنید جوار نعمتهای خدا که به شما داده و با برادران خود وصل کنید و اطعام کنید فقرا و مساکین خود را از برادران تان زیرا کسیکه افطار دهد روزه‌داری را برای او باشد مانند اجر آن روزه‌دار بدون آنکه از اجر آن روزه‌دار چیزی کم شود.

تنبيه نود و هشتم

در اهمیت بهره‌مند شدن از دعای فقرا و مساکین

از جناب محمد بن یعقوب علیهما الرحمة از حضرت ابی الحسن علیه السلام نقل شده که حقیر و کوچک نشمرید دعای احدی را زیرا که دعای یهودی و نصرانی درباره شما مستجاب میشود و درباره خودشان مستجاب نمیشود و از جناب محمد بن علی بن الحسین علیهم الرحمة در کتاب ثواب الاعمال از حضرت علی بن الحسین علیهما الصلوة والسلام نقل شده که هیچ مردی نیست که تصدق کند بر مسکین مستضعفی پس آن مسکین در آن ساعت دعا کند برای او مگر آنکه مستجاب شود برای او و از همان جناب در کتاب خصال از حضرت علی علیه الصلوة والسلام نقل شده که هرگاه بسائل چیزی بدهید از او بخواهید که برای شما دعا کند زیرا که دعای او برای شما مستجاب میشود و برای خودش مستجاب نمیشود زیرا که گداهای دروغ میگویند و از جناب احمد بن فهد علیه الرحمة در کتاب عدةالداعی از حضرت زین العابدین علیه السلام نقل شده که بخادم خود میفرمود که از دادن چیز بسائل یکقدری خودداری کن تا دعا کند و نیز فرموده دعای سائل فقیر رد نمیشود و نیز نقل شده که خادم را امر میفرمود که چون بسائل چیزی میدهد امر کند او را بدعای خیر و از همان جناب در همان کتاب از حضرت باقر یا صادق علیهما السلام نقل شده که هرگاه چیزی بسائل دهید تلقین کنید به ایشان دعا را، چه آنکه دعای ایشان درباره شما مستجاب میشود و درباره خودشان مستجاب نمیشود و از کتاب دعائم الاسلام از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل شده که سبک مشمرید دعای مساکین را زیرا که برای شما مستجاب میشود و برای خودشان مستجاب نمیشود.

تنبیه نود و نهم

در گسترش ثواب صدقه هر قدر دست بدست شود

از جناب قطب راوندی علیه الرحمة در لب اللباب از روایت نقل شده که صدقه هر آینه جاری میشود بر هفتاد مرد که آخرشان از حیث اجر مانند اولشانست و از ابن ابی جمهور ره از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده که صدقه زن از خانه زوج خود بدون اسراف و ضرر با علم بعدم کراهت برای او اجر است و برای زوج نیز مثل آن، برای زن بانفاق و برای زوج بتحصیل آن مال و از برای نگاهدارنده مال نیز مثل آن و از جناب محمد بن یعقوب ره از حضرت ابی عبدالله علیه الصلوة والسلام نقل شده که اگر جاری شود معروف بر هشتاد کف، هر آینه تمامشان مأجور خواهند بود بدون آنکه از اجر دیگری کاسته شود و از عقاب الاعمال از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده کسیکه تصدق دهد از جانب مردی بمسکینی خواهد بود برای او مثل اجر خود صاحب مال و اگر چهل هزار نفر واسطه باشند برای هر کدام اجر کاملی باشد و آنچه نزد خدا هست بهتر و باقی تر است برای کسیکه متقی و محسن باشد اگر میدانید و از خصال از حضرت ابی عبدالله علیه الصلوة والسلام نقل شده که عطاکنندگان سه نفرند خدا و صاحب مال و آنکه عطا بدست او به اهلش میرسد. و از خصال از حضرت ابی جعفر علیهما السلام نقل شده که عطا کننده گان سه نفرند خدا که اصل عطا از او است و آنکس که از خود میدهد و آنکسیکه سعی میکند در این کار.

تنبیه صدم

در فضل حج

از کتاب جعفریات از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده که سفر کنید تا صحت بیابید و روزه بگیرید تا اجر داده شوید و به جهاد روید تا غنیمت ببرید و حج کنید تا فقیر نشوید الخبر و از محمد بن مسعود عیاشی ره در تفسیرش از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده که هیچ عملی افضل از حج نیست مگر نماز و از ابی الفتوح رازی ره در تفسیرش از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده که نمازهای پنج‌گانه‌تان را بخوانید و ماه رمضان خودتان را روزه بگیرید و زکوة مال خود را بدهید و خانه خدای خود را زیارت کنید تا آنکه داخل شوید بهشت پروردگار خود را و از دعائم الاسلام از حضرت صادق علیه السلام نقل شده که کسیکه بدون عذر ترک کند حجة الاسلام را پس باید بمیرد یهودی یا نصرانی و از جعفریات از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده که حاجی فقیر نمیشود و از قطب راوندی رحمه الله در دعوات از حضرت ابی جعفر علیهما الصلوة والسلام نقل شده که حج برطرف میکند فقر را و صدقه دفع میکند بلیه را و نیکی زیاد میکند عمر را و از شیخ طبرسی علیه الرحمة در احتجاج از حضرت نبی صلی الله علیه وآله نقل شده که فرمود معاشر الناس حج کنید خانه را پس وارد نمیشود او را اهل خانه‌ای مگر آنکه بی‌نیاز میشوند و تخلف نمیورزند از حج مگر آنکه فقیر شوند و از دعائم الاسلام از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل شده که مردی از آنحضرت سؤال نمود که من مردی هستم دارا و حجة الاسلام را بجا آورده‌ام و چیزهایی از فضیلت و ثواب برای حج مستحبی شنیده‌ام پس آیا اگر خرجی حج یا بیشتر از آن را صدقه بدهم ثواب حج را درک خواهم کرد پس حضرت نظر فرمود بکوه ابی قبیس و فرمود اگر بوزن این کوه طلا و نقره تصدق کنی درک نخواهی کرد ثواب حج را و از جناب محمد بن حسن طوسی علیه الرحمة از حضرت علی

بن الحسین علیه السلام نقل شده که حاجی گناهایش آمرزیده و بهشت برای او واجب و عمل خود را باید از سر گیرد و اهل و مالش محفوظ و از جناب محمد بن علی بن الحسین ره از حضرت نبی صلی الله علیه و آله نقل شده که از این امت ده طایفه کافر شده‌اند بخدای عظیم سخن چین و ساحر و دیوث و کسیکه نکاح کند زن در دبر بر وجه حرام و ناکح بهیمة و نکاح کننده محارم و سعی کننده در فتنه و فروشنده اسلحه به کفاری که با مسلمین در جنگ هستند و مانع الزکوة و کسیکه مالی بیابد بقدر استطاعت و بمیرد و حج بجا نیاورد تارک حج و حال آنکه مسطیع باشد کافر است، خدا میفرماید والله علی الناس حج البيت من استطاع اليه سبيلا و من كفر فان الله عن العالمين کسیکه بتأخیر بیندازد و هر سال بگوید سال دیگر خواهم رفت تا آنکه حج بجا نیاورده بمیرد، مبعوث خواهد گردانید او را خدا روز قیامت یهودی یا نصرانی و از جناب محمد بن یعقوب علیه الرحمة از حضرت ابی عبدالله علیه الصلوة والسلام نقل شده که چون حاجیان به منی منزل کنند، منادی ندا کند که اگر میدانستید در خانه‌ی چه کسی فرود آمده‌اید هرآینه یقین میکردید بخلف بعد از آمرزش و از محمد بن یعقوب علیه الرحمة از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل شده که مردی در مسجد الحرام از آن حضرت سؤال نمود که کیست بزرگ‌ترین مردم از حیث وزر و وبال، فرمود کسیکه وقوف کند در این دو موقف عرفه و مزدلفة و سعی کند بین این دو کوه بعد دور این خانه طواف کند و پشت مقام ابراهیم علیه السلام نماز بخواند پس از همه اینها با خود بگوید و گمان کند که خدا او را نیم‌مرزد پس این چنین آدمی از اعظم مردم است از جهت وزر و وبال و از محمد بن یعقوب علیه الرحمة از حضرت ابی جعفر علیه السلام نقل شده که حاجی چون شروع کند به تهیه اسباب سفر قدمی برنمیدارد و نمیگذارد مگر آنکه خدای عزوجل مینویسد برای او به هر قدمی ده حسنه و محو فرماید از او ده سیئه و بلند فرماید برای او ده درجه و چون سوار بر راحله خود شود راحله‌اش قدمی برنمیدارد و

نمیگذارد مگر آنکه مینویسد خدا برای او همانیکه برای قدم گذاشتن و برداشتن خودش مینوشت پس از اعمال فارغ شود خدا میامرزد برای او گناهانش را و از آنجناب از ابی عبدالله علیه السلام نقل شده که حاجی پیوسته نورانی است بنور حج مادامیکه مبتلا بگناهی نشود.